

اسناد

پنجم مرداد ۱۳۶۳ کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فهرست

- ۱ - اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی درباره و تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳
- ۲ - گزارش هیات سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۵
- ۳ - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه ★ ۷
- ۴ - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی ★ ۱۰
- ۵ - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۹
- ۶ - اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر ★ ۳۰
- ۷ - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم ★ ۵۴
- ۸ - قطعنامه درباره اوضاع جهان ۵۸
- ۹ - قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ۶۱
- ۱۰ - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۶۴
- ۱۱ - قطعنامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ی و وظایف ما ۶۶
- ۱۲ - برنامه ما برای جبهه متحد خلق ۷۱
- ۱۳ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران ۷۶
- ۱۴ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران ۸۱
- ۱۵ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران ۸۴
- ۱۶ - پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم جهان درباره زندانیان سیاسی ایران ۸۹
- ۱۷ - پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۹۱

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مهر ماه ۱۳۶۲ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل گردید و طبق دستور، همه وظایف پیش بینی شده را پیروزمندانه به انجام رسانید.

گزارش جامع هیات سیاسی کمیته مرکزی توسط رفیق فرخ نگهدار دبیر اول کمیته مرکزی مشتمل بر موارد زیر به اطلاع پلنوم رسید:

– نگاهی به اوضاع جهان و منطقه

– انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی

– در باره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

– اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر

– فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

پلنوم پس از شنیدن گزارش قرار انتشار آنرا مادر کرد.

پلنوم هیجنین ۴ قطعنامه بشرح زیر تصویب کرد:

۱ – اوضاع جهان

۲ – انقلاب ایران و ماهیت حاکمیت جمهوری اسلامی

۳ – خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۴ – اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ای و وظایف ما

این قطعنامه‌ها خطوط اصلی و محوری ارزیابی‌ها، سیاست و خط مشی سازمان را معین می‌گند.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت پیشانگ طبقه کارگر ایران به متابه شالوده اتحاد بزرگ نیروهای خلق اهمیت جدی قائل شد و بر ضرورت آن تاکید کرد. پلنوم وظایف مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ند امیریالیستی کشور در جبهه متحد خلق به منظور پایان دادن به حاکمیت ارتیاع و تشکیل یک دولت ملی و دموکراتیک را معین کرد و برنامه پیشنهادی سازمان برای این جبهه را تصویب و قرار انتشار آن را مادر نمود.

پلنوم همچنین قرارهای لازم را در باره اصول کار سازمانی در شرایط حقوقان حاکم برکشور تمویب کرد و تدابیر مربوط به حفاظت کادرها و شاخصهای تشکیلات را مورد تائید قرار داد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از بحث درباره پذیرش اعضاء و مشاورین تازه و ترمیم کمیته مرکزی پرداخت و در این باره تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

پلنوم همچنین هیات سیاسی و هیات دبیران کمیته مرکزی را برگزید و رفیق فرخ نگهدار را مجدداً به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتخاب کرد.

پلنوم در پایان کار خود پیام‌های زیر را صادر کرد.

- پیام به مردم ایران

- پیام به حزب توده ایران

- پیام به اعضاء و هواداران سازمان

- پیام به زندانیان سیاسی ایران

پلنوم مهر ماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تمام تصمیمات فوق را با تفاوت آراء و در فضایی رفیقانه و سرشار از وحدت فکری و سیاسی اتخاذ کرد. پلنوم انسجام فکری و وحدت ایدئولوژیکی دستگاه رهبری سازمان را تقویت کرد.

مصطفیات پلنوم مهر ماه ۱۳۶۲ در کسری وحدت ایدئولوژیکی و سیاسی در سازمان، در ارائه ارزیابی صحیح از روند انقلاب ایران و ارائه خط مشی صحیح برای مبارزه انقلابی در میهن ما و در تقویت مواضع جنبش کمونیستی و کارگری ایران بسی کمان نقشی تاریخی و بسی مهم ایفا کرده است. مجموعه مصوبات پلنوم مهر ماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) راهنمای خلاق و کارسار طبقه کارگر و همه رحمتکشان میهن در مبارزه علیه ارتقای قرار داشت. مدتی است علیه آن برخاسته و علیه تودهای مردم رحمتکش و به نفع سرمایه‌داران عمل می‌کند. اما رفقاً امروز رشد جنبش اعتراضی و قدر افزایش و قوت گرفتن نیروهای انقلابی، اید به پیروزی و پیروزی را در وجود مأ تقویت می‌کند. رژیم علیرغم بکار گرفتن جنایتکارانه‌ترین روشهای برای نابودی سازمانی‌های انقلابی، نه تنها موقف نشد این دزهای مردم را درهم بشکند، بلکه انقلابیون راستین موفق شده‌اند در زیر بار سنگین فشارهای جنون آمیز رژیم صفوی خود را استوار سازند و با اقبال و آغوش باز تودهای مردم رحمتکش رو برو کردن.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امروز علیرغم اینکه دشمن دهیا ن از بهترین کادرهای مبارب و عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی را از آغوش خلق ربوده و شماری از آنان را در زیر شکنجه‌های ددمنشانه و جنون آمیز به شهادت رسانده است.

رفقاً ۱

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شرایطی برگزار شیود که ارتقای حاکم میهن ما را عرصه‌یکه تاریهای جنون آمیز خود ساخته است. انقلابیون و میهن پرستان، به وحشیانه‌ترین شکل شکنجه و کشتار می‌شوند. اختناق بیسابقه‌ای بر سراسر کشور سایه اندخته و ادامه لجوجانه و بی‌شم جنگ، کشور را ویران، جوانان را قتل عام و اقتصاد کشور را از هم کسیخته است. پلنوم در شرایطی برگزار می‌شود، که سرمایه‌داران و ملاکین بزرگ فراری و انحصارات امبریالیستی غارتگر، باز می‌گردند و در پناه حکومت، غارت و چپاول بی‌امان محروم و رحمتکشان را با خشنوتی نفرت انگیزتر از سر می‌گیرند. اینها همه نشان آنست که انقلاب شکوهمند و عظیم بهمن ۵۷ علیرغم همه جانبازیها و رزمات تودهای مردم. به علت خیانت رهبران جمهوری اسلامی، نتوانسته است به اهداف والای خود دست یابد. این خیانت گردغم به سفره رحمتکشان میهن باشیده و زندگانی را بر تودها تیره و تار ساخته است. آیت الله خمینی که زمانی در رأس انقلاب قرار داشت، مدتی است علیه آن برخاسته و علیه تودهای مردم رحمتکش و به نفع سرمایه‌داران عمل می‌کند. اما رفقاً امروز رشد جنبش اعتراضی و قدر افزایش و قوت گرفتن نیروهای انقلابی، اید به پیروزی و پیروزی را در وجود مأ تقویت می‌کند. رژیم علیرغم بکار گرفتن جنایتکارانه‌ترین روشهای برای نابودی سازمانی‌های انقلابی، نه تنها موقف نشد این دزهای مردم را درهم بشکند، بلکه انقلابیون راستین موفق شده‌اند در زیر بار سنگین فشارهای جنون آمیز رژیم صفوی خود را استوار سازند و با اقبال و آغوش باز تودهای مردم رحمتکش رو برو کردن.

دبیرخانه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲ آبان ماه ۱۳۶۲

نگاهی به اوضاع جهان و منطقه

رفقا !

حدادترین نبرد برس مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنجینی می‌کند. خطر شعله و رشدن جنگ هولناک هسته‌ای تشیدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستاوردهای تمدن بشری را نشانه کرته و حق انسانها برای زیستن در سیاره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمنان سویالیسم در کشورهای سویالیستی، پیروزی شالوده‌های توین در کشورهای مستقل غلبه بر جبل و بیسواهی، فقر و تنگدستی و تأمین رفاه و آسایش انسانها تنها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

در برخورد با حیاتی ترین مسئله جهان امروز دو سیاست کاملاً متفاوت دیده می‌شود. کشورهای سویالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسليحاتی، استحکام مبانی صلح و تامین حق حاکمیت و آزادی خلقها مجданه تلاش می‌کنند. درحالیکه ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی بسیار کردگی محافل میلیاریستی آمریکا برای کسب برتری نظامی بر کشورهای سویالیستی، به مسابقه تسليحاتی و تشنیج بین المللی دامن می‌زند و جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهند و حق حاکمیت خلقها را پایمال می‌کنند.

بنابریه تصمیم پیمان ناتو، موشكهای هسته‌ای میان بود در اوائل سال ۱۹۸۴ بر خلاف اراده اکثریت مردم اروپا و علیرغم اعتراض جهانی درخواست جمهوری فدرال آلمان، انگستان و ایتالیا استقرار یافت. قصد امپریالیسم در استقرار این موشكها که می‌توانند تا اعماق ارضی اتحاد شوروی نفوذ کنند، وارد آوردن نخستین ضربه به کشورهای سویالیستی است. دولت ریگان برای کسب «پیروزی نهایی» در جنگ هسته‌ای برنامه‌های وسیعی برای تکمیل تسليحات آمریکا تدارک می‌بیند که در آن ایجاد سیستم‌های تاره دفاع ضد موشكی مدل نیزه و تکمیل کردن تمام تسليحات و در درجه اول تسليحات استراتژیک پیش بینی شده است. بهین منظور تبیه، آزمایش و استقرار صدعاً موشك

افتخار آنرا دارد که نه تنها توانسته است دربرابر سنگین‌ترین یورش‌های ارتجاع باشد، و از موجودیت انقلابی خود پیروزمندانه پاسداری کند، بلکه توانسته است هملوش را همراه با یاره‌هرمزش حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران و سنگر استوار دفاع از سویالیسم و انقلاب در میهن ما تعرض عليه رژیم را آغاز کند و با استواری و پیگیری آن را کسترش دهد.

برگزاری پلنوم کمیته سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) خود نشان پیروزی با در یک مرحله از نبرد علیه ارتجاع جاکم است. تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما، که با حضور اکثریت قاطع اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی و تمام اعضاء هیئت سیاسی ز هیئت دبیران کمیته مرکزی حاضر در پلنوم ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ کشايش می‌یابد، خودفی نفسه نشان آنست که علیرغم سیاهکاریهای رژیم و سردمداران خائن آن، جنبش انقلابی طبقه کارگر و همه خلقهای ایران توانمند است و روبه‌گشتresh می‌رود. برگزاری پلنوم نشان بارز قدرت ما وضع و زبونی دشمنان ما در رسین به اهداف خد خلقی دارد. ارتجاعی شان است. من به نوبه خود و از سوی شما رفقای شرکت کننده در پلنوم، این پیروزی بزرگ جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران را به همه اعضاء و هاداران سازمان و به همه مبارزان راستین راه طبقه کارگر ایران تبریک می‌کویم.

رفقا !

گزارش جامع هیأت سیاسی کمیته مرکزی را به ترتیب زیر به اطلاع من رسانم.

- ۱ - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه
- ۲ - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی
- ۳ - در باره خط مشم، سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت)
- ۴ - اوضاع سیاسی کشور در حالت حسر
- ۵ - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

امپریالیسم آمریکا و متحده‌ان آن با گسل تفکداران خود به لبنان، به مرأه رژیم صهیونیستی اسرائیل، این کشور را هدف تجاوز مستقیم خود قرار دادند. آنها جنگ اعلان نشده علیه انقلاب ثور افغانستان را رهبری و سلانه صدها میلیون دلار هزینه آن را تامین می‌کنند.

رویدادهای مختلف جهان حاکی از آنست که بحران عمومی سرمایه‌داری حلت می‌یابد. تضادهای درونی اردوگاه امپریالیستی در گسترهای مختلف اقتصادی و سیاسی تشید می‌شوند. دولت ریگان که نماینده ارتقای ترین کروه بندیهای آمریکاست، تلاش می‌کند با طرح افسانه «خطر شوروی». متحده‌ان خود را در ناتو تابع اراده خود سازد. ارتقای ترین جناح‌های امپریالیستی در کشورهای اروپا با سیاست‌های ریگان همراهی می‌کنند. ولی با این حال تضادهای عمیقی دنیای سرمایه‌داری را از هم جدا می‌کند و بحرانی عمومی و ساختاری بر جوامع امپریالیستی سنگینی می‌کند.

در سالهای اخیر نبرد بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت‌های در عرصه‌های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولی تشید شده است. کشمکش میان آمریکا و ژاپن که از جمله در نتیجه سازی‌شدن کالاهای ارزان قیمت ژاپن به آمریکاست، حلت می‌یابد. از سال ۸۰ تا سال ۸۴ نرخ مبادله دلار نسبت به پول ۲۲ کشور طرف معامله آمریکا ۳۲٪ افزایش یافته است. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا به اختلاف جدی بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت‌های منجر گردیده است.

سه مرکز سرمایه‌داری برای مقابله با سوسیالیسم و جنبش‌های رهایی‌بخش تلاش می‌کنند که بر تضادهای خود غلبه کنند و فعالیتهای خود را هماهنگ سازند. سران هفت کشور عمد سرمایه‌داری ملاقات مقطعی از جمله در ویلایامزبورک و لندن داشتند. این ملاقات و ملاقات‌های سران دول «جامعه اقتصادی اروپا» نتوانسته است به نزاع میان سه مرکز عمد سرمایه‌داری خاتمه دهد. دولت ریگان به قیمت قراردادن جهان در لبه پرتابه جنگ و به قیمت و خامت زندگی رحمتکشان آمریکا و بربان اروپای غربی و ژاپن و بر ضد کشورهای درحال رشد، می‌خواهد بر بحران اقتصادی آمریکا غلبه کند. لیکن این تلاشها نتوانسته است از تعصیق و گسترش بحران عمومی سیستم جهانی سرمایه‌داری و بحران ساختاری آن جلوگیری کند. در بسیاری از رشته‌ها و شاخه‌های اقتصادی بحران همچنان حاکم است، بیکاری تشید یافته و کسری بودجه افزایش می‌یابد.

شمار بیکاران در سال ۱۹۸۳ در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت‌های به قدر بیسابقه ۳۲ میلیون نفر رسید. این رقم ۸۵ درصد نیروی کار این کشورها را تشکیل می‌دهد. در انگلستان تعداد بیکاران در مرداد ماه امسال به رقم ۱۱۵ را ۳ میلیون نفر که در حد نیمه‌ی کار را شامل می‌شود رسید. در این کشورها، سرمایه‌انحصاری بر حقوق و منافع رحمتکشان یورش می‌آورد و فشار بر اتحادیه‌های کارگری را تشید می‌کند. در این کشورها دولت‌ها مرتبه‌ای گوشند از سهم کارگران و رحمتکشان از درآمد ملی و از

قاره‌پیمای «ام ایکس» زیردریایی تراپیدنت هزاران راکت بالدار و دورپرواز، هوایپیما-های استراتژیک و غیره در دستور قرار گرفته است. آمریکا کارزار مسابقه تسليحاتی را به فنای کیهانی نیز کشانده و برنامه وسیعی برای تهیه موشکهای خنده‌ماهواره‌ای تدارک دیده است. بعین منظور بودجه نظامی آمریکا از ۱۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ به ۲۸۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است و طی پنج سال آینده (سالهای ۸۹ - ۱۹۸۵) اعتبارات نظامی به میزان دو تریلیون دلار خواهد رسید. این رقم تقریباً برابر است با بودجه‌ای که بنتاگون طی سی و پنج سال پس از جنگ جهانی دوم بمصرف رسانده است. علاوه بر آن آمریکا به متحده‌ان خود در ناتو فشار می‌آورد تا هزینه‌های نظامی خود را افزایش دهند.

مقامات جنگ افزو آمریکائی مذہب است که از امکان جنگ مخلود حتی پلند مدت هسته‌ای سخن می‌رانند. آنان طرح جنگ هسته‌ای و مشی میلیتاریستی خود را به مثابه واکنش در برابر خطر موهم از جانب اتحاد شوروی و بمنزله مسدود کردن دریچه‌های آسیب پذیری در دفاع از ناتو قلمداد می‌کند.

دولت ریگان در تکمیل سیاستهای جنگ افزو آن خود، شبکه گسترهای از پایگاهها و تاسیسات نظامی در مناطق استراتژیک جهان ایجاد کرده است. در حال حاضر آمریکا بیش از ۱۵۰۰ پایگاه و تاسیسات نظامی در ۳۲ کشور جهان دارد که بخش اعظم آنها در نزدیکی سوچات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار دارند. واشنگتن برای سرهنگی کردن پیمانهای نظامی جدید تلاش وسیعی را آغاز کرده است. ریگان در طی مسافت خود به کره جنوبی و ژاپن برای ایجاد پیمان سه جانبه واشنگتن - توکیو - سئول وارد مذاکره شد.

امپریالیسم آمریکا برای تلاشی جنبش‌های رهایی‌بخش و برای سرنگونی حکومتها ملی و مترقی و تحمل نظم مورد پسند واشنگتن به آنان، تجاوزات خود را در آمریکای مرکزی، خاورمیانه و مناطق دیگر جهان تشید کرده است. در سال گذشته سربازان آمریکائی برحیم کرانادا که قلمرو آن تقریباً سی هزار برابر کوچکتران آمریکاست یورش آورند و حاکمیت ملی گرانادا را وحشیانه لکدمال کردن. حکومت مترقی این کشور را که بسود رحمتکشان اقدامات بنیادی انجام داده بود، سرنگون کردن و حکومت برسرپرده آمریکا را جایگزین آن ساختند. امپریالیسم آمریکا با این اقدام راهزنانه نشان داد که به هیچیک از موازین و مقررات بین‌المللی یا بند نیست و هرجا که فرصت پیدا کند بعنوان ڈاندارم جهانی بخود اجازه می‌دهد که علیه کشورهای از بندسته لشکرکشی کند و حتی آشکارا آنها را به اشغال خود در آورد. در نیکاراگوئه نیز دولت ریگان برای سرنگونی دولت انقلابی و بازگردانین دیکتاتور دست نشانده خود بهر دیسیده‌ای متولی می‌شود. امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن، مردم السالوادور را که برای رهایی از جور و ستم حکومت دیکتاتوری پیا خاسته‌اند، با شقاوت تمام آساج مسلسل‌ها و بسب‌های ناپالم خود قرار می‌دهد.

هزینه‌های اجتماعی در زمینه‌های آموزش و پرورش، بهداشت عمومی، بیمه‌های اجتماعی و خانه سازی و کمک بیکاران بگاهند و بر هزینه‌های تسلیحاتی بیفزایند.

بهران جهان سرمایه‌داری و سیاست‌های دولت ریگان موجب شده است که کشورهای در حال رشد با بحرانهای جدی مواجه گردند بگونه‌ای که در برخی از این کشورهای بیویژه کشورهای آمریکای لاتین تورم به‌رقم دویست درصد رسیده و بخش وسیعی از نیروی کار از تولید رانده شده و زندگی زحمتکشان به فقر و فلاکت بیشتری بگراید.

درست است که برای تشدید مشی جنگ افروزانه به رهبری هارتین جنایت امپریالیسم جهانی، تشنج در سطح جهان افزایش می‌یابد و این افزایش تشنج نگرانی جدی تمام نیروهای صلح طلب و ترقیخواه جهان را موجب شده است. ولی این نگرانیها نمی‌تواند امید و اعتماد بشریت را برای جلوگیری از آتش افزاییها و راهنمایی‌های امپریالیسم از بین ببرد. امروز نبرد سختی بوسعت جهان، ما بین دو مشی جنگ افروزانه و صلح طلبانه در جریان است. دریکسوی این جبهه تبرد انحصارات صنعتی – نظامی و «بار»‌های نظامی – سیاسی مستند که بلحاظ تاریخی راه زوال می‌پیمایند و در سوی دیگر جبهه، نیروی سدها میلیونی قرار دارند که دارای نقطه اثکا مستحکم و پرقدرت در سیمای کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی می‌باشند. امروز جنبش نیرومند صلح بانکای نیروی پرتوان سوسیالیسم طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت، جنبش‌های رهایی‌بخش و ملل رها یافته چون سدی استوار در مقابل تجاوزات و ساجر اجویهای امپریالیسم ایستاده‌اند.

سوسیالیسم جهانی بمتابه تکیه‌گاه عمله صلح جهانی کوشش‌های پیکیر و موثری ا برای پایان بخشیدن به مسابقه لجام کسیخته تسلیحاتی به پیش می‌برد. کشورهای سوسیالیستی با احساس مسئولیت عمیق برای تامین صلح جهانی تاکنون پیشنهادهای تعدد و سازنده‌ای را ارائه داده‌اند. اتحاد شوروی در زمینه کامش نیروهای پیمان ناتو و رشو، ایجاد مناطق آزاد از سلاح هسته‌ای در اروپا و دیگر نقاط جهان، نابود ساختن سیستم‌های خندماهواره‌ای موجود، عدم پیشنهادی در کار برد سلاح هسته‌ای، کاهش سلیحات تا مرحله نابودی کامل آن و دهها پیشنهاد دیگر برای دفع بله جنگ هسته‌ای را ارائه گردد است. اتحاد شوروی برای حصول به توافق و برای نشان دادن انعطاف یک مسلسل تهدیات یکجانبه را پذیرفت. پیشنهادها و ابتکارات اتحاد شوروی وسیعاً مورد ستقبال جامع بین‌المللی قرار گرفت. ولی دولت ریگان همه پیشنهادها را بی‌پاسخ نداشته و همچنان در مدد کسب برتری نظامی برکشورهای سوسیالیستی است. امروز اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از آنچنان توان اقتصادی، علمی و تکنیکی رخوردار هستند که بد امپریالیسم اجازه ندهند توازن نظامی استراتژیک موجود را بسود و درهم زند.

اقدام ماجراجویانه و جنگ افروزانه دولت ریگان در زمینه استقرار مoshکهای بان برد آمریکا در اروپا، ورده‌گونه پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی در مورد این

مسئله حیاتی خشم توده‌های بسیار وسیعی را در جهان برانگیخته است. در اروپا صدها هزار نفر مخالفت خود را با استقرار موشکها در اروپا اعلام می‌کنند. ۷۴٪ درصد مردم جمهوری فدرال آلمان ۷۵٪ اهالی انگلستان و ۷۹٪ مردم بلژیک مخالف استقرار موشکهای آمریکا در اروپا هستند. دولت سوئیز، یونان و پارلمان دانمارک مخالفت خود را با سلاحهای هسته‌ای و استقرار موشکهای آمریکا اعلام کرده‌اند. در خود آمریکا مقاومت در مقابل سیاستهای آمریکا افزایش می‌یابد. چهار پنجم آمریکائی‌ها از پیشنهاد متوقف کردن تولید و استقرار سلاحهای هسته‌ای پیشتبانی می‌کنند. امروز جنبش صلح نه تنها بلحاظ جغหายائی کستریش می‌یابد، بلکه طیف‌های جدیدی از نیروی اجتماعی و سازمانهای بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد. شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس جنبش عدم تعهد که در سال ۱۹۸۳ در دهلی برگزار گردید، مشی نظامی – سیاسی امپریالیسم جهانی را محاکوم کردند. میان بسیاری از دولتها و محافل گسترش اجتماعی این فکر هرچه بیشتر قوت می‌گیرد که مبارزه در راه امنیت منطقه‌ای بنوبه خود حائز سهم مهمی در مبارزه برای امنیت جهانی است.

جبهه جهانی ضد امپریالیستی و سوسیالیسم جهانی به کامیابیها و پیروزیهای بازم می‌شتری دست می‌یابند. در کشورهای سوسیالیستی اقتصاد با رشد موزون و بدون بحران پیش می‌رود. سیستم سیاسی سوسیالیسم کستریش می‌یابد و دمکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا می‌کند. زندگی رحمتکشان برای پیشرفتهای اقتصادی بهبود پیشتری می‌یابد. از بیکاری و تورم نشانی دیده نمی‌شود. هر سال درآمد مردم افزایش می‌یابد. در کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» که تقریباً ۱۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. هم اکنون ۳۲٪ محصولات صنعتی و ۲۰٪ محصولات کشاورزی جهان تولید می‌شود. در این کشورها درآمد ملی در فاصله ۸۲ – ۱۹۵۰ ریال برابر، تولید صنعتی ۱۲ برابر و تجارت خارجی ۲۰ برابر افزایش پیداکرده است. نرخ رشد تولیدات صنعتی در کشورهای «شورای همیاری اقتصادی» ۹۶٪ برابر بیشتر از کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته است. در اتحاد شوروی تولید صنعتی از مرز ۲۰٪ تولید صنعتی جهان گذشته است. در برنامه جدید اتحاد شوروی تدبیر جدی برای افزایش تولید کالاهای مورد نیاز مردم، گسترش دامنه تنوع کالاهای و بنبود کیفیت آنها اتخاذ گردیده است. در کشورهای سوسیالیستی شرایطی فراهم شده است که مردم به آینده زندگی خود با اطمینان می‌گذرند در این جوامع شرایط هرچه بیشتر برای رشد همه جانبه شخصیت انسانی فراهم شده است. در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته مبارزه طبقاتی کارگران حلت پیشتری می‌یابد. از ڈانویه‌ها تا اواسط ۱۹۸۴ تعداد شرکت کنندگان در اعتصابات و تظاهرات کارگری در این کشورها به رقم هشت میلیون نفر رسیده است. اعتضاب چندین ماهه بعدنچیان در انگلستان و پیشتبانی «کنکره اتحادیه‌های انگلستان» از آنان، و مقاومت حمامی کارگران در مقابل یورش پلیس، تاثیرات عمیق بر جنبش کارگری بریتانیا گذاشته است. مبارزه کارگران در جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، اسپانیا، پلٹیک، ایتالیا و آمریکا

خود به دولت صهیونیستی اسرائیل جمث توسعه نقش ڈاندار می آن افزایش داده است. دولت ریگان، صهیونیستهای اسرائیل و ارتقاب عرب تلاشی خود را برای تضعیف و نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین به تسليم و ادار کردن دولت سوریه و پیشبرد «طرح کمپ دیوید» شدت بخشیده اند. ولی برادر پیکار سرختنانه میهن پرستان لبنان و رژیمنهای کان فلسطینی و ایستاد کی و پایداری دولت سوریه، آمریکا و متحدین آن مجبور شدند خاک لبنان را ترک کنند و قرارداد ننکین اسرائیل - لبنان ملغی اعلام گردد و تلاش های نیروهای متفرقی لبنان و اعراب بر ضد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتقاب عرب و برای تشکیل دولت ائتلافی به نتیجه برسد. خروج سربازان آمریکا و متحدین آن از لبنان و ابطال قرارداد لبنان - اسرائیل، یک پیروزی تاریخی برای مردم لبنان و خاور میانه و یک شکست متفححانه برای امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل بشمار می آید.

امپریالیسم آمریکا با دامن زدن به جنگ فرانسیشی و خانمان براندار ایران و عراق به حضور نظامی خود در خلیج فارس و دریای عمان توسعه می بخشد و با دستاوریز قراردادن امنیت کشتی رانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر می سازد. وضع در خلیج فارس با ادامه جنگ و خیمتر می شود.

دولت ریگان و ارتقاب منطقه، بد باندهای خرابکار جمث کشتار مردم بیکناه افغانستان پول و اسلحه می دهد. آمریکا کمک خود را در سال ۱۹۸۴ به ضد انقلابیون دو برابر کرد. با این حال علیرغم دشواریهای عظیمی که رائیده دسائیس امپریالیسم، ارتقاب منطقه و ارتقاب داخلی است. انقلاب در افغانستان با موفقیت به پیش می رود. پایگاه خود را مستحکم می سازد و به دستاوردهای جدیدی نائل می آید و با کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی سیریزی بازگشت را می پیماید.

و اشنتن برای جبران خلا ایجاد شده برادر انقلاب ایران، در منطقه خلیج فارس، دولتهای ارتقابی ترکیه، پاکستان و عربستان را مرتب تقویت کرده و سیل اسلحه را به این کشورها سرازیر می کند. ترکیه هم اکنون به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شده است. نزدیک به ۶۰ پایگاه در ترکیه توسط آمریکا ساخته شده که وسیع مورد استفاده نیروهای واکنش سریع قرار می گیرد. پاکستان برای انجام وظایف ڈانداری و سرکوب نیروهای مختلف، اعتبار ۲۰ میلیارد دلاری از آمریکا گرفته است. دولت ریگان عربستان سعودی را به زرادخانه خود تبدیل کرده و انواع سلاحهای مدرن در اختیار آن قرار می دهد.

رفقا!

ارتقابی ترین جناح امپریالیسم آمریکا در پیشایش محافل جنگ طلب امپریالیسم جهانی، تلاش می ورزد با توصل به سوق دادن جهان به آستانه «جنگ هسته ای» از

علیه انحصارات علیه بیکاری فراینده و بخاراط کاهش ساعت کار روبه گسترش است. گستردگی جنبش انتسابی کارگران، رادیکالیزه شدن خواستهای تشکلهای کارگری، نشان می دهد که تقابل طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفت به انحصارات تشدید می شود. در کشورهای دیکتاتوری و فاشیستی متزلزل می شوند و تکیه گاههای خود را از دست می دهند. رژیمنهای دیکتاتوری در شیلی ار کان رژیم دیکتاتوری پیشوشه سست شده و مردم وسیعا درتظاهرات ضد رژیم شرکت می جویند. مردم السالوادور در مبارزه علیه رژیم دست نشانده آمریکا موفقیت های جدیدی بدست آورده اند. در آرژانتین، برانو اغترابات توده ای رژیم «خوتا» برکنار شده و روند دمکراتیزه شدن حیات سیاسی کشور پیش می رود. در بنگلادش، مردم وسیعا درتظاهرات علیه حکومت نظامی شرکت جسته و خواستار برکناری دیکتاتور نظامی و برگزاری انتخابات آزاد هستند. در فیلیپین، جنبش توده ای علیه حکومت دست نشانده مارکوس روز بروز ابعاد گستره تری می باید. در نامیبیا و در خود آفریقای جنوبی مبارزه مردم علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی که تکیه گاه عمدہ نواستعمار در جنوب آفریقا است. ابعاد جدید بخود گرفته است.

در کشورهای رهایی یافته، مردم علیه توطئه های تجاوز کارانه امپریالیسم و برای پی ریزی جامعه نوین مبارزه می کنند. دولت جوان نیکاراگوئه علیه تحریم اقتصادی و تحریکات نظامی آمریکا مبارزه می کند. دولت آنکولا در مقابل تجاوزات رژیم آفریقای جنوبی ایستاده است. اتیوپی اینک با تشکیل «حزب کارگر اتیوپی» با گامهای استوار بسوی سوسیالیسم پیش می رود.

رفقا!

امپریالیسم آمریکا منطقه خاور میانه را که بعداز جنگ جهانی دوم کوره ملتیب حوادث و بحرانها بوده، بعنوان جزوی از منافع حیاتی خود اعلام کرده است. آمریکا برای سرکوب جنبشهای رهاییبخش و جمث حفظ تسلط خود بر «انبار نفت دنیا» یعنی خلیج فارس نیروی و اکتش سریع با پیش از ۲۰۰ هزار نفر تشکیل داده و قصد دار در آینده نزدیک، عده آنرا به دو برابر برساند. این نیرو آماده است در صورت بروز تهدیدی به منافع آمریکا در خاور میانه و از جمله در خلیج فارس، مستقیماً مداخله نماید. بدنبال تشکیل این نیرو، آمریکا برای تلاطفی شکسته های گذشته و تقویت اعتماد متزلزل حکام مرجع به قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا و برای مسدود ساختن راه انقلابهای جدید «فرماندهی مرکزی» (ستکوم) را بوجود آورد. مناطق تحت فرماندهی این مرکز ۱۹ کشور آسیائی - آفریقائی و منطقه خاور میانه، خلیج فارس و قسمت وسیعی از آقیانوس هند را شامل می شود. مقامات آمریکا خمن توسعه پایگاه دیه گوگارسیا تاسیسات نظامی جدیدی در کشورهای عمان، سومالی و کنیا بوجود آورده اند، بد موازات برجسته تر شدن نقش خاور میانه در طرح های استراتژیک امپریالیسم، آمریکا به کمک های نظامی و اقتصادی

انقلاب ایران و تحولات جمهوری اسلامی

رفقا!

اکنون نزدیک به ۶ سال از پیروزی انقلاب ایران می‌گذرد. رویدادهای گه در این مدت رخ داده است، میتوانند در ارزیابی صحت و سقم تحلیلها و سیاستها کمک کنند. هم از اینرو ضروری است که با جمع بست تجارب سالهای اخیر و به استناد رویدادهای واقعی، آنچه را که در این دوره در میهن ما رخ داده، دقیق‌تر تجزیه و تحلیل کنیم.

مردم ایران در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، بزرگترین حماسه تاریخ معاصر ایران را آفریدند. توده‌های دهها میلیونی خلق عزم و اراده پولادین خود را برای سرنگونی رژیم منفور شاه به کرسی نشاندند. انقلاب ایران کار توده‌ها و متعلق به آنان بود. برای توصیف و شناخت آماجهای انقلاب ایران قبل از همه باید دید مردم از انقلاب چه میخواستند؟

مردم میخواستند رژیم شاه تمام‌سرنگون شود و یک حکومت ملی و مردمی (دموکراتیک) و متمکی به اراده مردم بجای آن استقرار یابد. مردم میخواستند که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کشور ما پایان یابد، آزادی سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی مردم تامین گردد و کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی برانداخته شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد.

بربان دیگر شعار اساسی انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. متنها روحانیونی که در راس جنبش توده‌ای قرار گرفته بودند، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را تبلیغ میکردند. اما واقعیت اینست که توده‌های وسیع مردم رحمتکش از «جمهوری اسلامی» همانگونه که طراحان آن تحت عنوان عدالت اسلامی بیان میکردند.

نظامی مبتنی بر «استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی» را درک و آرزو میکردند. بدین لحاظ درباره انقلاب بهمن باید گفت که این انقلاب از لحاظ سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین اقتضار خلق، اشکال مبارزه و خواستهای سنتی بر عدالت اجتماعی یک انقلاب مردمی بوده است. رهبری انقلاب در دست بخشی از روحانیت شیعه که از آیت الله خمینی

نشتاب روز افزون ذکر گوئیهای بنیادی در جهان بگارد. توازن نظامی استراتژیک موجود در اروپا و جهان را که مانع تحقق سلطه سیاسی و اقتصادی آنست، برهم زند و به برتری نظامی بر اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی نائل آید. تا بینویسیله مواضعی را که جابرانه در اختیار گرفته است حفظ کنند و مواضعی را که نظام منحط سرمایه‌داری از دست داده است، دوباره بچنگ آورد و بالاخره چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند و سیاست امپریالیسم را برجهان تامین کند. ولی دوران مادران پیشرفت بی‌وقفه و ظفر نمون جبیه جهانی نیروهای صلح، استقلال دموکراسی، سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی است. دوران ما، دوران شکوفائی روز افزون سوسیالیسم و از بندرستن خلقوهای ستمدیده است. این سیل عظیمی که از انقلاب اکثر باین سوبه حرکت درآمده، بخش چشمگیری از کاخهای هزاران ساله نظام ستمکارانه طبقات استثمارگر را برانداخته است و اکنون با گامهای شتابنده بسوی پیروزی های بارهم بیشتر به پیش می‌تازد. امپریالیسم جهانی می‌خواهد کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های رهایی بخش و جنبش صلح را به قلاع مشکلها زنجیر کند. ولی دو مستحکم کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی موج توفنده توده‌ها، عزم و اراده آنان برای دفاع از صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم به ماجراجوئی‌های امپریالیسم لکام زده و میدان عمل آنرا هر روز محدود و محدودتر می‌کند.



پیروی نمی‌کرد، قرار گرفت. این روحانیت که به لحاظ اجتماعی و تاریخی پیوندهای محکم با بخشی از اقشار و طبقات شرکت کننده در انقلاب داشت، با طرح و دفاع از شعارها و خواستهای عام مردم و به اتکای تشکیلات وسیع دستگاه روحانیت کشته در ترین نفوذ را در میان توده‌های خلق بدست آورد و در راس انقلاب قرار گرفت. ترکیب روحانی رهبری انقلاب و در این ارتباط تأثیر عامل مذهب درباره استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خلق در انقلاب بهمن ۵۷ به آن ویژگی خاص می‌بخشد.

انقلاب بهمن کرچه موفق شد وظایف سیاسی مبنی بر سرنگونی کامل رژیم حاکم^۴ را به پایان برساند و در زمینه اجتماعی بنایه حکم شورای انقلاب و با اراده مستقیم مردم کامنهای هم در راستای براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری پیش برود، اما به علت عدم برخورداری از رهبری پیگیر به الفاء آن ناکل نشد. انقلاب، سمت تکامل اقتصادی - اجتماعی ایران را تغییر نداد و در سالهای پس از انقلاب نیز ایران، راه رشد سرمایه‌داری را طی کرده است.

انقلاب بهمن در راستای دستیابی به آماج‌های خد سلطنتی، خد استبدادی و خد امپریالیستی خود محقق شد رژیم استبدادی و سلطنتی شاه و سلطه امپریالیسم بر کشور را براندازد.

انقلاب موفق شد اختناق سیاسی و نهادهای اعمال کننده آنرا در هم شکند و بسیاری از گرداندگان و عوامل جنایتکار رژیم شاه را به مجازات رساند. انقلاب درهای رندانها را بروی فرزندان خلق کشود و آزادی فعالیت را برای طیف وسیع نیروهای شرکت کننده در انقلاب تأمین کرد.

با پیروزی انقلاب پیمان ستو لفو شد. پایگاههای جاسوسی آمریکا برچیده شد و دهها هزار مستشار نظامی آمریکائی اخراج شدند، در سیاست خارجی کشور تغییرات فاحش پدید آمد و ایران به جنبش غیر متعهدان پیوست.

محافل حاکمه با تکیه روی اصطلاح «انقلاب اسلامی» به شدت تبلیغ می‌کنند که آماج انقلاب ایران فقط و فقط تحقیق «اسلام» بوده است. البته واقعیت اینست که رهبری انقلاب عملاً در دست روحانیت پیرو خمینی که میخواست حاکمیت به انصار روحانیون درآید و حکومت سنه‌بی مستقر شود، قرار گرفت. اما خواست و نیاز اینها نمیتوانست جدا از مبارزه ملی و طبقاتی، که جامعه را تا اعمق میشکافت، مطرح باشد. آنچه واقعاً بطور عینی در کشور کشتش یافت و به انقلاب بهمن و رویدادهای پس از آن منجر گردید، برخلاف آنچه که روحانیون حاکم توضیح می‌هند، بمعیق وجه با موضوع تضاد میان «اسلام و کفر»: قابل توجیه و توضیح نیست. سحر و مضمون اصلی آنچه در انقلاب رخ داد، مبارزه طبقاتی و منافع طبقاتی بوده است. هر یک از شعارهای اسلامی که قبل و پس از انقلاب از جانب هریک از جریانهای روحانیت پیرو خمینی طرح و تبلیغ شده است، در آخرین تحلیل و در هر شرایط مشخص دارای جهت معین طبقاتی بوده و در خدمت تأمین منافع یک بخش از اقشار و طبقات جامعه دربرابر بخش دیگر قرار داشته است. بالاخره

شایان توجه است که تاکید روی این که «انقلاب ایران اسلامی است» در سالهای اخیر قبل از همه عمل در خدمت عدوی رهبران جمهوری اسلامی از تحقق خواستهای برق و عادلانه مردم و پنهان کردن این خیانت، قرار گرفته است. بدین ترتیب دیده میشود که حتی همین واژه «انقلاب اسلامی» هم بعداز انقلاب و هم قبل از انقلاب، و هم در سیر صعودی وهم در سیر نزولی آن، عملاً خود یک حربه مبارزه طبقاتی بوده و هست. اکنون در برابر این تلاشها ما وظیفه داریم برای مردم توضیح دهیم که کدام اهداف واقعی زیر پوشش این توجیه، در حال کشترش است.

در اینجا باید مذکور شد که محدود کردن خصلت انقلاب ایران در قالب یک «انقلاب خد سلطنتی» چنانکه دیدیم، نه تنها تمام آماجهای واقعی انقلاب را بیان نمیکند، بلکه برخی تحولات واقعاً تحقق یافته را هم کتمان ویا بیهای میکند. انکار سایر خصائص انقلاب ایران میتواند هم با انجیزه‌های چپ روانه و هم با انجیزه‌های راست روانه همراه باشد. این انکار، همین‌تواند براین اساس مورد استفاده قرار گیرد که هدف و تلاش عظیم‌خلق در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را انکار کند و هم میتواند براین اساس باشد که وجود هر نوع گرایش خد امپریالیستی و دموکراتیک در نیروهای رهبری کننده انقلاب را منکر شود. شناخت و تحلیل صحیح خصائص انقلاب و تلوین خط مشی صحیح در انقلاب کاملاً ارتباط متقابل باهم دارند.

مرتعصین حاکم مدل‌های است تلاش میکنند نقش بر جسته و انکار ناپذیر سازمان‌ها و احزاب انقلابی را در گسترش انقلاب و در قیام توده‌ای مسلحانه ۲۱ و ۲۲ بهمن پنهان سازند. آنها این‌ظور و اندیش میکنند که در جریان انقلاب، در یک طرف روحانیت و «امت حرب الله» قرار داشت و در طرف دیگر شاه، بعلاوه آنها اکنون بیش از هر زمانی میکوشند مقام و نقش شامخ توده کارگران، بویژه نفتکاران قهرمان، در انقلاب و تأثیر قطبی و تعیین کننده آنان در سرنگونی شاه را به خود و به «تجار محترم» نسبت دهند. هدف و انجیزه اصلی آنان از این تحریفات پنهان کردن خیانت خود به انقلاب و نیز ترس بی پایانشان از طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش و سازمانهای دفاع آنان است. اما واقعیت اینست که در انقلاب بهمن ضربه قطعی برپیکر رژیم شاه را نیروی طبقه کارگر وارد آورد.

ما در اینجا همچنین روی نقش موثر سازمانها و احزاب انقلابی کشور در بسیج توده‌ها و جلب آنان به گسترش مبارزه علیه رژیم شاه، که مستقل از روحانیون پیر و خمینی عمل میکردن، موکدا تاکید میکنیم. سازمان‌ما، که آن روزهای هنوز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نامیده میشد، بویژه در میان همه سازمانهای انقلابی، بر جسته ترین نقش را در تشدید مبارزه در راه سرنگونی قطعی شاه و تمام سلطنت ایفا کرد. حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر گروههای انقلابی نیز مستقل از خمینی و پروانش برای جلب هرچه وسیعتر توده‌ها به سوی انقلاب و تقویت نیروی توده‌ای و عمیق‌معنوی آن حداکثر تلاش خود را بکار گرفتند. تاریخ نقش حسنه و بسیار

روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی، با خرده بورژوازی سنتی، بورژوازی تجاری بازار و ملاکان بطور کلی محکم‌ترین پیوند را داشته است. علاوه بر این در سالهای قبل از انقلاب وجود تضاد میان خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی تجاری - کارفرمائی بازار که مورد یورش سرمایه‌کلان وابسته قرار داشتند و هم‌چنین فنودال - هائی که زمین‌های خود را از دست میدادند. با رژیم شاه از یک سو و سیاست رژیم شاه در زمینه محدود کردن و کم اثر کردن دستگاه روحانیت شیعه از سوی دیگر، همپیوندی روحانیت حاکم با اقشار و طبقات یاد شده را مستحکم میکرد. بررسی مشخص‌تر موضع ایدئولوژیک‌سیاسی، خاستگاه طبقاتی، منابع تامین درآمد و محیط‌های فعالیت روحانیون حاکم نیز سوبه هبین پیوندهاست.

اقشار خرده بورژوازی سنتی ایران نیز نیروی اجتماعی بسیار وسیعی را در بر میکیرند. ویزگی مشترک این اقشار آنست که بر تولید ساده خرده کالائی که در آن تکنیک عقب مانده و ابتدائی بکار می‌رود، متکی هستند و کسب و کار و نقش آنان در اقتصاد کشور بر اثر رشد بورژوازی وابسته و سیطره امپریالیسم بر اقتصاد کشور در معرض تحديد و خطر نابودی قرار گرفته و افلوس و خانه خرابی و از دست دادن امکانات رشد، واقعی ترین چشم اندازی است که فراروی خود می‌بینند. کسبه و پیشه‌وران، صاحبان کارگاه‌های تولیدی، خرده مالکان و صاحبان واحدهای تولیدی مشابه در روستاها، مهمترین کروههایی هستند که ما آنان را زیر عنوان اقشار خرده بورژوازی سنتی ایران معرفی میکنیم. اطلاق عنوان «سنتی» به این اقشار از این نظر نیز مناسب است که بر قدمت سنشاء تاریخی این اقشار اجتماعی، بر خصوصیات فرهنگی، بویژه مذهبی ناشی از آن هم اشاره دارد. منافع اقشار خرده بورژوازی سنتی ایجاد میکنند که سلطه امپریالیسم بر جایات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور درهم شکسته شود و کلان سرمایه‌داری و بزرگ زمینداری وابسته برانداخته شود. باین اعتبار این اقشار دارای خصلت ضد امپریالیستی و مردمی هستند.

اقشار خرده بورژوازی سنتی ایران وسعت و کمیت و نیروی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارند و بمتابه یک نیروی مادی در سراسر کشور درست دهی رویدادها تأثیر (قابل ملاحظه‌ای بر جای میگذارند).

رشد بورژوازی تجاری بازار نیز که در طول تاریخ معاصر ایران همواره با روحانیت و مذهب پیوندهای تنگ داشته است، همواره بوسیله انحصارات امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته به آن سده است و سرمایه‌آن بطور عمده در عرصه تجارت و تا حدی هم ملکداری و اراضی شهری و مستقلات و صنایع تبدیلی و تولید کارگاهی بکار افتاده است. این بورژوازی از دیرباز در راس سیستم سنتی توزیع داخلی کالا قرار داشته است و عرصه عده فعالیت آن روی واسطه‌گری میان مراکز تولید داخلی و بازار داخلی و همچنین واسطه‌گری میان شرکتهای بزرگ وارد کننده کالا و فروشنده‌کان آن در داخل کشور متمرکز بوده است. مر درآمد بورژوازی بزرگ بازاری ایران بطور عده

موثر را در فراخواندن پیگیر خلق به قیام و ارائه رهنمودها و اتخاذ تاکتیکهای بموقع و دقیق، بویژه عمل قهرمانانه سازمان در صبح روز ۲۱ بهمن ماه که تظاهرات متشكل و نیرومند خود را بسوی پادگانهای رژیم هدایت کرد. هرگز از یاد نخواهد بود. نقشی که از یک سو مایه اضطراب و دسپاچگی رهبری انقلاب شد و از سوی دیگر به گسترش قیام مسلح‌انه تودهای کمک کرد. قیامی که به علت تسخیر پادگانها و نهادهای قدرت حاکمه توسط خلق اثر بخشی و نقش مردم را در سیر رویدادها و در سمت دهی اراده رهبری افزایش داد. امری که طبعاً بان صورت مطلوب رهبری نبود. آنچه در روزهای ۲۱ بهمن رخ داد، تأثیر قطعی در سیر رویدادهای بعدی داشته است. ما به این نقش تاریخی خود در قیام شکوهمند بهمن عمیقاً افتخار میکنیم.

انقلاب بهمن از این نظر یک انقلاب واقعی بوده است که برای آن قدرت سیاسی از کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین داران وابسته به امپریالیسم سلب شد و به اقشار طبقات دیگری انتقال یافت. بزبان دیگر انقلاب سیاسی که مهمترین وظیفه آن انتقال قدرت سیاسی از یک طبقه به طبقه یا طبقات دیگر است. در ایران بطور کامل انجام گرفته است. در اثر این تحول رژیم شاه سرنگون شد و جمهوری اسلامی ایران جایگزین آن گردید.

رژیم شاه بطور کلی نماینده کلان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته بود. و بیش از همه از منافع لایه فوکانی آن که در آن گرایش انحصاری در حال رشد بود، دفاع میکرد. دربار شاه خود در راس این لایه قرار داشت.

در آستانه انقلاب سمت گیری روحانیت پیرو خمینی، که به لحاظ وابستگی‌های طبقاتی طیف وسیعی را در بر میگرفت، بطور عده منافع بورژوازی ملی، خرده بورژوازی و لایه‌هایی از زحمتکشان شهر و روستا را منعکس میکرد. با واذگونی رژیم شاد جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت لیبرالهای طرفدار بازار کان و جریان‌های مشابه تشکیل گردید. بخش‌های دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی مشارکت کردند.

در شناخت و تحلیل ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب تا امروز در درجه اول باید گرایشات و سمت‌گیریهای روحانیت حاکم را مورد تحریه و تحلیل قرار داد. رایج ترین و پر نمودترین خصیصه این نیرو البته روحانی بودن، تکیه روی آئینهای کهن اسلامی و مذهبی کردن، ساخت دولتی و تمام حیات اجتماعی و تلاش برای تامین منافع روحانیت بطور کلی است. در این زمینه باید تاکید کرد که هیچ یک از طبقات و اقشار جامعه بجز خود روحانیت به متابه یک قشر اجتماعی، باین تمايل و تلاش روحانیت حاکم توافق کامل ندارند. اما واقعیات سالهای اخیر نشان داده است که در آخرین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی دارای ترکیب و ماهیت طبقاتی معین بوده است. باید تاکید کرد که ترکیب روحانی نیروی سلطه بر حکومت به آن ویژگی خاص بخشیده و در خصلت طبقاتی آن پیچیدگی‌های معین ایجاد کرده است.

است؟ باید براساس تحلیل دقیق اوضاع کشور پس از انقلاب به این مساله پاسخ داده
میشند که در نهایت، کدام مجموعه نیروهای اجتماعی با کدام تمایلات در کشور برتری
دارند؟ نیروهای مدافعه انقلاب، نیروهای بازدارنده انقلاب و یا خد انقلاب؟

در پاسخ باین سؤال، قبل از هر چیز باید توجه داشت که با سرنگونی قهرآمیزو
درهم شکسته شدن و فلجه شدن مائین قدرت دولتی بطور عمد نیروی مستقیم توده‌ها که
وسيعاً از رهبری انقلاب پشتيبانی ميگردد قدرت را اعمال ميگردد.

هر تحلیل از تناسب نیروها و بطور کلی از اوضاع کشور پس از انقلاب تنها
بشرطی واقع بینانه است که برنقش تعیین کننده توده‌های قیام کننده در تناسب نیروها
در کشور بیننی باشد.

به علاوه این نکته نیز شایان توجه است که نه تنها توده مردم علاوه بر از همه
تحت تاثیر روحانیت حاکم قرار داشتند، بلکه در بالا نیز روحانیت حاکم در کلیت خود،
تا حد معینی این طرفیت را از خود نشان میداد که خواسته‌های توده‌های قیام کننده را
منعکس کند.

اگر چه روحانیت حاکم از همان ابتدا با مشارکت احزاب و سازمانهای مترقبی
کشور در حاکمیت سرخستانه مخالفت ورزید و به ائتلاف با نهضت آزادی و برخی از
جریانهای مشابه روی آورد، با این همه، نیروهای ترقی خواه کشور در کشور جوانقلابی
در جامعه و در افشاً و طرد عناصر راستکرا و خد انقلاب و در تقویت مواضع نیروهای
انقلاب در حکومت نقش و تاثیر عملی و معین داشتند. سیر رویدادها در کشور مشخصاً
از عمل سازمانهای انقلابی و مترقبی غیر حاکم تاثیر میکرft.

در عرصه بین المللی نیز انقلاب ایران از حمایت کسترده و فعال همه نیروهای
ترقيقخواه برخوردار بود. بویژه اتحاد شوروی با اتخاذ سیاست قاطع در برابر امپریا-
لیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، نقش بازدارنده عظیمی را در مقابله با صدور
مسلسلانه خد انقلاب و مداخله علیه انقلاب ایفا کرد. توازن نیروهای سیاسی در عرصه
بین المللی به سود حفظ و کسترشن انقلاب تاثیر داشته است.

بنابراین باید گفت که پس از پیروزی انقلاب نظر به نقش تعیین کننده توده‌های
قیام کننده، توازن نیروها در کشور که بسود نیروهای خد امپریالیستی - خد کلان
سرمایه‌داری و خد بزرگ مالکی در حاکمیت تاثیر میگرد و نظریه نقش و تاثیر سازمان-
های مترقبی که در کشور جوانقلابی در جامعه و در مقابله و مهار نیروهای بازدارنده
و نیروهای براندازی انقلاب نقش جدی داشتند، نیروهای مدافعه انقلاب در حاکمیت نیروی
برتر محسوب شده و تعرض انقلاب به مواضع ارتجاج سرنگون شده ادامه داشت. تحت
تأثیر مجموعه عوامل فوق حاکمیت جمهوری اسلامی، بسود توده‌های خلق به یک رشته
اقدامات مشت و مردمی مبادرت و رزید.

مصوبات شورای انقلاب و اقدامات نهادهای جدید قدرت در زمینه سرکوب
جنایتکاران رژیم شاه، مصادره اموال کلان سرمایه‌داران وابسته به رژیم سابق، ملی

همواره از طریق سود عمد فروشی کالا، بورس روی کالا، زمین و مستغلات تأمین میشده
است. این بورزوی از علیرغم مقابله با رژیم شاه دارای گرایشات نیرومند محافظه کارانه،
وایس گرایانه و ارتজاعی است و در بروسه پیش رفت انقلابی ملی دموکراتیک ایران
با انجام وظایف مربوط به تحولات عیق اجتماعی مخالفت میکند و رودرروی آن میایستد.
بپر حال برنامه و اهداف روحانیت حاکم را باید لزوماً از دو جهت مورد بررسی
قرار داد. روحانیت حاکم به رهبری خمینی از یک سو نیروئی است که بد گونه‌ای
کمایش یک پارچه، در جهت مذهبی کردن ساختار دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی
کشور، در جهت تقویت هرچه بیشتر نقش دستگاه روحانیت در اداره کشور و تامین
منافع آن حرکت کرده است. روحانیت حاکم در این زمینه رویه‌مرفت وحدت داشته
است.

از سوی دیگر روحانیت بطور کلی از دیربار باقشار و طبقات معینی در جامعه که
دارای منافع متقاضاند، پیوندهای محکمی داشته و دقیقاً تحت تاثیر این تضادها همواره
حامل گرایشات طبقاتی متقاض بوده است. روحانیت حاکم هیچگاه روی برنامه و سیاست
واحدی برای حل مهمترین مسائل حیاتی کشور، و در راس همه درباره ساختار اقتصادی
وحدت نداشته است. بویژه مروری برویدادها و حرکت روحانیون حاکم در سالهای پس از
انقلاب بروشنسی نشان میدهد که جریانهای مختلف در میان آنان وجود داشته که در برخورد
با بنیانی ترین مساله، جامعه یعنی مساله بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری در دو موضع
کاملاً متضاد قرار گرفته‌اند. یک بخش از روحانیون حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی-
اقتصادی علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بسود لایه‌های باستانی جامعه بوده‌اند.
در حالیکه بخش دیگری از آنان مجده‌دانه کوشیده است بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری
حفظ گردد و راه چپاولگری و رشد آن محلود و مسلود نشود. در این میان نقش ویژه
آیت الله خمینی در آن دوران این بوده است که، برای حفظ وحدت نیروهای حاکم و حفظ
توان کافی برای دفاع از حاکمیت جمهوری اسلامی، تلاش میگرد مأمور تضادها و
تناقضات فاحش درون آن قرار گرد و از طریق مانور روی منافع مشخص هریک از
جناحهای مختلف روحانیت حاکم و موضع کیرهای متناقض و مبهم کاه بسود این و گاه
بسود آن وبا توجه و تاکید مستمر روی وحدت منافع قشری - گروهی آنان جمهوری
اسلامی ایران را رهبری کند.

سرنگونی رژیم شاه و پیروزی انقلاب تناسب نیرو میان طبقات اجتماعی در کشور
را دگرگون کرد و سوالی که با این پیروزی در برابر توده‌های وسیع خلق و همه نیروهای
انقلابی قرار گرفت، این بود که آیا انقلاب پیش خواهد رفت؟ آیا انقلاب میتواند به
آماجهای اساسی خود که مردم آنها را در برابر انقلاب قرار داده‌اند دست یابد؟

هرگونه برخورد مسئولانه با انقلاب و سیر آن در گرو پاسخ به این سوال بود
که تغییر تناسب تیرو در کشور بزبان کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران وابسته به
امپریالیسم و بسود مجموعه اقشار و طبقات غیر حاکم جامعه ما، تا چه میزان بوده

روحانیت حاکم در آن مقطع به این وسیله می‌خواست در ذهن توده‌های خلق این فکر پنهان شود که برای تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای آن برای حفظ مستگیری ضد امپریا- لیستی جمهوری اسلامی و برای تسلط گرایش مردمی بر کشور نه تنها روحانیون قابل اعتمادند بلکه تحقق همه آرزوهای دیرینه خلق نیز قبل از همه در گرو استقرار کامل ولایت فقهه است.

در هر حوال روحانیت حاکم با برکناری بازارگان و اشغال سفارت آمریکا تغییرات فاحشی در اوضاع سیاسی کشور پدید آورد. از یک سو جوضد امپریالیستی در کشور را کسترش داد و توده‌های وسیعی را به این عرصه مبارزه کشید. تاکتیک امپریالیسم برای تقویت مواضع لبرالها در حکومت، تدارک و انتقال تمام قدرت به آنان را خنثی کرد و از سوی دیگر با استفاده از فرست. یک گام بزرگ درجهت فرامهمکردن زمینه‌ها و شرایط صرور برای انحصاری کردن قدرت در دست روحانیت به پیش برداشت.

اما تحولات فوق تضادهای درون حکومت را حل نکرد از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا نیز مدتی پس از اشغال سفارت تعرض تاره‌ای را آغاز کرد که هدف آن درهم شکستن رژیم حاکم و روی کار آوردن رژیم مطلوب خود بود. حمله به طبس، کودتای نوزده، محاصره اقتصادی، گسل نیروهای واکنش سریع و از همه مهمتر نقشه شوم و جنایتکارانه ایجاد حنگ میان ایران و عراق عناصر بر جسته این تعرض در فاصله اوخر ۵۸ تا پاییز ۵۹ بشمار میروند. در میان این توطئه‌ها، نقشه تحمل جنگ به انقلاب ایران از همه خطرناکتر و ضربه آن کاری تر بوده است. پس از شروع جنگ امپریالیسم آمریکا ادامه جنگ و ادامه اشغال بخشی از مین ما را بمنابه عمله‌ترین عامل اعمال فشار از خارج، و دامن زدن به تفرقه و خصومت در میان نیروهای ضد امپریالیستی در داخل کشور را بمنابه عمله‌ترین عوامل فرسایش و نابودی توان انقلاب از درون پکار گرفت. نیروهای دست راستی، محافظه‌کار و مرتजع درون حکومت نیز با استفاده از این اوضاع تعرض و فشار ماضعف را برای متوقف کردن روند اصلاحات اجتماعی آغار کردند و برای همین فشار با صدور فتوای از سوی خمینی روند انجام اصلاحات ارضی متوقف شد. اوضاع موجود بویژه حضور نیروهای وابسته به بورژوازی تجاری در حکومت تبیز به آن امکان می‌داد چباول بی‌امان خلق را چندین برابر افزایش دهد و مواضع خود را در اقتصاد کشور تحکیم کند ادامه جنگ نیز در این راستا بسود آنان تاثیر می‌گذاشت.

تشدید توطئه‌های امپریالیسم بویژه شروع جنگ و پی‌آمدهای آن، تشدید فشارهای جانبی نیروهای ارتجاعی کشور برای تغییر مستگیری جمهوری اسلامی، تضادهای درون حکومت، مغلق ماندن اصلاحات اقتصادی و تشدید فشار روحانیت حاکم برای انحصاری کردن قدرت و تناقض، فاصله در مواضع آن از اواسط سال ۵۹ به تکوین یکی از حادترین بحران های سیاسی دوران پس از انقلاب در کشور منجر گردید که در اوخر سال ۵۹ و اوائل سال ۶۰ به اوج خود رسید.

کردن سیستم بانکی، تصویب و آغاز اجرای قانون احیاء و واگذاری اراضی کشاورزی، تعوییب و اجرای قانون حفاظت صنایع، رعایت نسبی آزادی فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی و از همه مهمتر گسترش مبارزه ضد سلطنتی به ضد امپریالیستی و اخراج آمریکائیان از ایران، لفو بیمان‌های نظامی و قراردادها، باکنسرسوم نفت و برچیده شدن پایگاههای جاسوسی و خرابکاری امپریالیسم در ایران و تبدیل ایران از زاندارم امپریا- لیسم در منطقه به کشوری غیر معتمد همه و همه نشانه زنده بودن انقلاب و پیشرفت آن در راستای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و همچنین نشانه وجود امکانات واقعی برای تداوم انقلاب و گسترش آن است.

با پیشوی انقلاب و با مشخص‌تر شدن صفات بندوهای طبقاتی درون پایگاه اجتماعی حکومت، به گونه‌ای قانونمند تضادهای موجود بین نیروهای حاکم همراه با تشدید گذاشت. منتهی ویژگی‌های خاص انقلاب ایران آن را از پیچیدگی‌های خاص برخوردار می‌سازد که یکی از وجوده بارز آن تناقضات و پیچیدگی‌های ناشی از تداخل و تأثیر متقابل منافع روحانیت به مشابه یک قشر اجتماعی معین و منافع اقشار و طبقات اجتماعی است.

رقا ۱

در اولين ماههای پس از انقلاب دولت موقت بازارگان با اکثر اقدامات شورای انقلاب و دیگر نهادهایی که پس از انقلاب تأسیس گردید و بطور کلی با مستگیری عمومی حاکمیت در آن مقطع البته موافق نبود و آن را «تندریوی» ارزیابی می‌گرد. در آن زمان امپریالیسم آمریکا نیز که با سرنگون شدن شاه و فدادران نوکر خود در منطقه را از دست داده بود، حفظ و تقویت مواضع عناصر میانه رو نظر احزاب بورژوازی لیبرال غرب گرا را به عنوان تاکتیک محوری سیاست خود نسبت به انقلاب ایران دنبال می‌گرد. این تضادها عوامل اصلی سمت دهنده و تعیین‌کننده جهت رویدادهای کشور بودند. اما صحنه تضادهای واقعی موجود در جامعه از این بعنوانتر بود.

در آن روزها حزب جمهوری اسلامی و شخص خمینی برای حاکمیت انحصاری روحانیت بر اساس اصل ارجاعی «ولایت فقیه» تلاش می‌گردند. امری که با مخالفت عموم احزاب و سازمانهای سیاسی کشور و از جمله احزاب بورژوازی لیبرال مواجه بود. سند قانون اساسی که در آن زمان در مجلس خبرگان به تصویب می‌رسید بیانگردیدگاه-

ها و برنامه روحانیت پیرو آیت الله خمینی بود و تفاوت دیدگاه و برنامه آنان را با دیدگامها و برنامه جریانهای لیبرالی غرب گرا در زمینه ساخت سیاسی نظام اقتصادی و سمتگیری سیاست خارجی به نمایش می‌گذاشت. در چنین اوضاع و احوالی روحانیت حاکم عملاً موضوعات مورد اختلاف را بطور عمله روی مورده متوجه کرد که حل آن در جهت مواضع اعلام شده روحانیت حاکم خواست خلق بود و شاخص این مورد هماناً اختلاف سیاست دو جناح حاکمیت نسبت به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا بود.

بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته با مخالفت اقتدار بالائی بورژوازی، و انحصار طلبی و قشریگری مفترط و آزادی ستیزی قرون وسطائی و تلاش برای استقرار کامل سیطره دستگاه روحانیت و مذهب بر دولت و جامعه با مقاومت عموم نیروهای اجتماعی مواجه بود. بنی صدر تلاش داشت با محور قراردادن خصوصیت اخیو، طیف هرجه و سیعتری از طبقات اجتماعی را بسیو خود جلب کند.

از اوخر سال ۵۹ به بعد امپریالیسم، تمام محافظ راستگرا، محافظه‌کار و قشری درون حکومت و نیروهای اپوزیسیون ارتقای فرست را مفتتم شمرده همه تلاش خود را بکار گرفته که با تشید تفرقه موجود در صفوف نیروهای ضد امپریالیستی کشور آنان را بسیو در گیربهای قهرآمیز و نابودی یکدیگر در یک جنگ بی‌فرجام سوق دهنده و علیرغم هشدارها و تلاش‌های مستولانه ما، در گیری‌های خونینی میان نیروهای ضد امپریا- لیستی کشور گسترش یافت و خربه جبران ناپذیری به انقلاب وارد ساخت. سرکوب آزادی سیاسی و یورش به دست آوردهای انقلاب در این عرصه به سیاست رسمی هیأت حاکمه تبدیل شد. تمام مطبوعات غیر حکومتی را تعطیل کردند. امکان فعالیت انقلابی قانونی و علنی را از میان برداشتند و هزاران مبارز را که جز تحقق آماج‌های انقلابی آرزوی دیگری نداشتند، تحت یکگرد قرار داده، بزندان افکنده و به شهادت رسانیدند.

بدین ترتیب برگناری بنی صدر علاوه نتوانست به تقویت مواضع نیروهای ضد امپریالیست و به تضییف مواضع بورژوازی در حکومت بیانجامد. زیرا به موازات آن بر زمینه رشد و تقویت سرمایه‌های بزرگ تجاری، در نتیجه تأثیرات مخرب جنگ در منحرف کردن مسیر رویدادها به زیان انقلاب و در اثر تشید تفرقه و خصوصت در میان نیروهای ضد امپریالیستی کشور و حذف بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان و تضییف مواضع ترقی خواهانه در میان بخشی دیگر تناسب نیرو به زیان آنان تغییر یافته و به ازیان رفقن برتری نیروهای مدافعان انقلاب در حکومت و به استقرار استبداد مذهبی منجر گردید. با این حال نیروهای ارتقای در حکومت در این مقطع نتوانستند به تمام اهداف خود دست یابند. جدال برس اصلاحات اجتماعی - اقتصادی، که اجرای آنها او ملتی قبل متوقف مانده بود در میان جناح‌های حاکمیت حدت تازه‌ای یافت و فشار نیروهای ارتقای برای تغییر سمتگیری ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی تشید گردید. در این دوره گرچه هنوز یک جریان نیرومند در حکومت به انجام اصلاحات دفاع کنده، اما نظریه و فشار توده‌ای عظیمی نیز باو امکان می‌دهد که از انجام اصلاحات دفاع کنده، اما نظریه تناسب منفی نیروها این مبارزه پیش نمی‌رود و بارور نمی‌گردد. در این مدت نه تنها علاوه‌یک از اصول مترقبی پیش اقتصادی قانون اساسی به مرحله اجرا نزدیک نشد، بلکه روزبه روز برفسار نیروهای ارتقای درون حکومت برای تسخیر تمام مواضع قلت و پس گرفتن دست آوردهای انقلاب تشید گردید.

با فشار و تهدید روز افزون امپریالیسم و با ادامه و تشید بحران ناشی از ادامه بی معنا و فاجعه آمیز جنگ پس از فتح خرمشهر، که سنگین ترین ضربات را بر

این بحران و نیز زمینه‌ها و پی‌آمدۀای آن تأثیرات معینی بر ذهنیت توده‌ها بويژه اقتشار متوسط جامعه بر جای می‌نماید و ناراضائی از اوضاع موجود کشور را گسترش می‌داد و در جهت کامن اعتماد مردم به حکومت تأثیر می‌گذاشت. با این وجود در آن زمان روحانیت حاکم هنوز از حمایت توده‌ای وسیعی برخوردار بود، در آن زمان وسیع ترین توده‌های خلق از حکومت می‌خواستند و از آن انتظار داشتند که برای تحقق مواعید خود در زمینه تامین آزادی و عدالت اجتماعی اقدام کند. آنان نه تنها در مقابل تعریض برای سرنگونی رژیم بی‌تفاوت نبودند بلکه در مقابل آن می‌ایستادند. وجود جنگ و حضور نیروهای اشغالگر در خاک ما و مسئولیت حکومت دردفع این تجاوز نظامی مستقیم خارجی نیز موجب می‌شد که توده مردم علیرغم همه تناقضات و تردیدهایی که نسبت به راه آینده حکومت داشتند از کشایش یک جبهه داخلی علیه حکومت استقبال نکنند و برای ایستادگی در مقابل نیروهای اشغالگر فعالانه از حکومت پشتیبانی کنند. این بحران در در عین حالیکه خود، از جمله، از تشید تضادهای درون حکومت ناشی می‌شد. متقابلاً به این تضادها دامن می‌زند. بويژه با انتخاب بنی صدر به عنوان رئیس جمهوری و استقرار نیادهای حاکمیت جدید در طول سال ۵۹ کشمکش میان رئیس جمهور و حزب جمهوری اسلامی روز بروز حادثه می‌شد و فضای کشور را تحت تأثیر خود می‌گرفت. باشکل کیری و مشخص‌تر شدن دسته بندها در بین نیروهای بیرو خمینی، برخی از روحانیون لیبرال و محافظه‌کار غیر وابسته به حزب جمهوری اسلامی و بويژه مخالف مواضع پیشنهاد جستجوی جریانی که بتواند این مخالفت را تقویت کند، جانب بنی صدر را می‌گرفتند. در حزب جمهوری اسلامی نیز صف بندها در حال گسترش بود و یک جناح نیرومندان، از جمله جنتیه، هیاتهای موتلفه و امثالهم ضمن اینکه از موضع به غایت قشری و به غایت ارتقای، علیه بنی صدر که از آزادی صحبت می‌گرد برخاسته بودند، با اصلاحات اقتصادی نیز بشدت مخالفت می‌گردند.

دولتهای امپریالیستی و بويژه اروپائی و اکثر بورژواهای وابسته و غربگرانی در این کشمکش بیطرف نبودند. آنها از بنی صدر حمایت می‌کردند و خود را در حفظ تقویت مواضع او در حاکمیت و در برابر جناح مقابل بیشتر ذینفع می‌دیدند.

از سوی دیگر انحصار طلبی و قشری‌گری مفترط روحانیت حاکم بی‌مو نگرانی تمام خلق بويژه اقتشار متوسط جامعه از سیطره کامل آن در همه شئون زندگی اجتماعی موجب شد که علاوه بر طیف وسیعی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی حکومت، بسیاری از نیروهای دارای تمایلات بورژوا دمکراتیک و حتی برخی از جریانهای انقلابی نیز در مقابل حزب جمهوری اسلامی از بنی صدر که می‌کوشید مردم را به امکان استقرار یک دمکراسی بورژوازی از نوع اروپائی آن تحت رهبری خود امیدوار سازد پشتیبانی کنند.

ناهمکونی و اغتشاش فاحش در صف حامیان بنی صدر، در واقع تا حدمعینی تحت تأثیر تناقضات فاحش در موضع‌گیری و سمتگیری رهبران حزب جمهوری اسلامی و در ترکیب طبقاتی متضاد روحانیت حاکم بود. موضع کیری ضد امپریالیستی و سمتگیری ضد

وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک، بزرگ مالکان خرده بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری نقش و وزن عده را دارند.

بورژوازی تجاری بازاری ایران کرچه در سالهای قبل از انقلاب در مجموع در موضع مخالف سیاست شاه و مورد تعرض بورژوازی کلان وابسته قرار داشت. اما پس از سقوط رژیم شاه به این تعرض در عمل خاتمه داده شد و سربوش سنگینی که موضع بورژوازی بازاری را زیر فشار خود گرفته بود، درهم شکست پیوند و نفوذ و تأثیر عمیق این بورژوازی در روحانیت نیز را نسبت به سایر لایه‌های بورژوازی در موقعیت ممتاز و ویژه‌ای قرار داد و با برهه برداری از این عوامل توانست طی ۵ سال پس از انقلاب با غارت و چباول لکام کسیخته ثروت ملی و حاصل کار رحمتکشان، سرمایه کلان بیاندوزد. این چباول تا آنجا کلان بوده است که حتی برخی عناصر حکومتی، نیز بکرات مجبور به تائید آن شده‌اند.

در یک نگاه کلی باید گفت که تقریباً «مجموعه این بورژوازی از لحاظ گسترش دامنه کسب و کار و میزان سرمایه در سالهای پس از انقلاب نسبت به سایر لایه‌های بورژوازی از رشد به مراتب بینتری برخوردار بوده، تا حائیکه بختی از آن را دیگر امروز نمی‌توان همان بورژوازی بازاری با ویژگیهای قبل از انقلاب بحساب آورد. کسب و کار این بخش، امروز دیگر فقط در ارتباط با تولید و بازار مصرف داخلی قرار ندارد و عملاً در عرصه‌هایی از قلمرو بورژوازی وابسته ایران، به ویژه در کار واردات کالا، حتی صنایع مونتاژ نیز فعال شده و می‌کوشد موضع خود را در این عرصه‌ها گسترش دهد. به گونه‌ای که دیگر به سختی می‌توان خواستها و منافع این بخش از سرمایه‌داران از بازار برخاسته را از خواستها و منافع آن بخش از بورژوازی وابسته که با سقوط رژیم شاه موضع خود را در اقتصاد کشور از دست نداد تفکیک کرد.

اکنون غالیترین نیازهای قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی رسمآ و علناً مناسبات ارباب رعیتی را «مشروع» و مر قانون اصلاحات ارضی و لغو بزرگ مالکی را «غير مشروع» اعلام می‌کنند. دفاع از «مشروعیت» بزرگ مالکی و موجودیت و منافع بزرگ مالکان و بورژوا ملکان یکی از مشخصه‌های سیاست رژیم حاکم بر کشور ماست. تولید کنندگان خرد، اصناف و پیشه‌وران، خرده مالکین و دهقانان نیز همراه بیوندهای وسیعی با روحانیت داشته‌اند. بخصوص توده طلاق و روحانیون جزء اکثراً از همین اقشار برخاسته و از تمایلات آنان تاثیر پذیرفته‌اند. اما این نیروها در رهبری حکومت جائی ندارند و منافع آنان توسط رهبری نادیده گرفته شده و یا لکمال می‌شود. نیروهایی که تمایلات و منافع اقشار و طبقات یاد شده را منعکس می‌کنند نیز هنوز در دهه‌های مختلف دستکاه حاکمه، بویژه در رده‌های پائین آن موضعی را در اختیار دارند. این نیروها که هنوز به آرمانهای استقلال طلبانه وعدالت جویانه خود وفادارند، همچنان امید دارند که جمهوری اسلامی از آن ایشان باید و یا بشود. در حال حاضر موضع و

پیکر نیمه جان انقلاب ایران وارد می‌کرد، و برادر باج خواهی و تشدید تعرض و تهدید بورژوازی بزرگ، بویژه تجار بزرگ بازار که غارت پنج ساله نیز آن رانیرومندیکرد. سرانجام در نیمه دوم سال ۶۱ آیت الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه‌کار و مرتاجع در حکومت را رسماً مورد حمایت قرار داد، و به مقابله آشکار با مدافعان اصلاحات اجتماعی-اقتصادی در حکومت روی آورد و با عقب نشینی و سازش آن عده از مشمولان طراز اول جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع می‌کردند و سلطه ارجاع برگشوار تعرض همه جانبی به دست آوردهای انقلاب گسترش یافت.

باین ترتیب، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نه تنها آماج و آرزوی سترک خلق در انقلاب در زمینه تامین عدالت اجتماعی و حتی نص صریح قانون اساسی خود را بهزیر یا افکند، بلکه با صدور آنچه که به «فرمان ۸ ماده‌ای» معروف شد از سوی خمینی و فرمان‌های مشابه و فراخواندن کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان به رو در روش آشکار با توده‌های قیام کننده و لکمال کردن دست آوردهای آنان در مبارزه علیه کلان سرمایه-داری و بزرگ مالکی برخاست.

همه می‌دانیم که سازمان ما و حزب توده ایران در همه جا، در سالهای اخیر به عنوان بیکری‌ترین دشمنان امپریالیسم و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، به عنوان پیکری‌ترین مدافعان اصلاحات بنیادین اجتماعی-اقتصادی، از جمله اصلاحات مندرج در قانون اساسی شهرت خاص کسب کرده‌اند. همگان ما را بعنوان سرخست‌ترین مبارزان علیه امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم آمریکا شناخته‌اند. پیکری ما در افشاگری امپریالیسم و سرمایه‌داری و نبرد بی‌وقفه و آشتنی‌ناپذیر بر علیه ارجاع در سطح ملی و بن‌المللی دیگر جائی باقی نگذاشته بود که نیروهای طرفدار غارتگری بی‌بند و بار سرمایه‌داری و بازگشت به دامان امپریالیسم، در هجوم به ما به عنوان سرخست‌ترین دشمنان خود تردید کنند. همه دیدیم که چگونه هنوز مرکب فرامین «امام خمینی خطاب به مسئولین کشور و نمایندگان مجلس در آذر و دی ۶۱ خشک نشده بود که بورش و حشیانه به حزب توده ایران آغاز گشت و آوای گریه تبلیغات و اقدامات کین تو زانه ضد شوروی اوضاع کشور را تحت تاثیر خود گرفت. سرکوب خونین و ناجوانمردانه حزب توده ایران بارزترین مظہر تغییر سیاست و سنتگیری حکومت جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. این بورش عملاً به نقطه عطف بارزی در سیاست و سمت‌گیری امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا نسبت به روحانیت حاکم بر کشور ماتبدیل شد. بورش به ما چنان‌که پیش بینی می‌شد، بورش به تمام دستاوردهای انقلاب در جبهه نبرد عدالت پژوهانه و استقلال طلبانه خلق بود. تصمیمات کنفرانس ویلایات بورگ و سیس لندن و سرازیر شدن سیل نمایندگان انحصار امپریالیستی و هجوم کلان سرمایه-داران و بزرگ مالکان به ایران، همه نشانه جلب اطمینان آنها، نسبت به راهی است که روحانیت حاکم پذیرفته است.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز یکدست نیست و جریانهای

در باره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا ۱

بحran اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حادی مینم ما را فرا کرته است. ارجاع حاکم بنایه ماهیت خود نه تنها قادر نیست براین بحران غلبه کند، بلکه سیطره آن خود به عامل اصلی تشدید بحران و تشدید درد و رنج و مشقت توده‌های رحمتکش تبدیل شده است. حکام ارجاعی جمهوری اسلامی که زمانی میلیونها قلب طینده و مشت گره خورده توده‌های خلق را حامی خود داشتند، امروز نه تنها خود را از این قدرت عظیم‌مادی و معنوی محروم کرده‌اند، بلکه هر روز که می‌گذرد، با قلب‌های پر کینه و مشتهای گره کرده بیشتری از همان مردم مواجه می‌شوند. آنها به تعهدی که در پیشگاه خلق سپرده بودند، پشت پارده و در برابر کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان زانو زده‌اند. بروز رفت از بحران و تحقق شمار اساسی انقلاب بهمن، استقبال، آزادی و عدالت اجتماعی، پایان دادن به حاکمیت ارجاع و سپردن زمام امور کشور به نیروهای ملی و دمکراتیک است.

برای رسیدن به مقصد چه باید کرد؟ باید قبل از همه نیروی کافی تدارک دید باید نیروی مردم را سازمان داد، متخد ساخت و بسیج کرد. افشاء هرچه وسیع‌تر سیاست‌ها و اقدامات خد دمکراتیک و خد مردمی رژیم و چهره واقعی عالمان آن برای توده‌های خلق و رهبری فعال مبارزه توده‌ها، آن وظیفه اساسی است که انجام آن می‌تواند خلق را در راستای این هدف بسیج کند. هم اکنون فعالین سازمان ما در سراسر کشور در راه انجام این وظیفه خطیر پیش می‌روند. هیات سیاسی آنچه را که در این زمینه بر عهده سازمان ماست، به دلیل اهمیت آن بطور مشروح دریخش دیگری از گزارش خود به پلنوم کمیته مركزی، که به تشریح اوضاع کشور و وثایف ما اختصاص یافته، مورد بحث قرار داده است.

امر تدارک نیرو هم چنین منوط است به گردآوری هرچه بیشتر نیروهای انقلابی خد امپریالیستی و دمکراتیک کشور، بسط و کسرش مناسبات و همکاریها، و بالاتر از همه، اتحاد آنان در یک جبهه واحد، سرنوشت تلح انتقال شکوهمند بهمن نیز باید به

موقعیت این نیروها در حکومت محلود و محلودتر می‌شود، با این حال نظریه حدت مبارزه طبقات در کشور و تاثیر این مبارزه در دستگاه حاکم حضور این نیروها در حکومت هنوز در برخی موارد در راه پیشرفت سیاست حاکم موافق پدیده می‌آورد و بر اوضاع سیاسی کثیر تأثیرات معین بر جای می‌کند. مصاحب سرمایه‌های متوسط بطور کلی ذیلیه‌های مختلف دستگاه روحانیت و حکومت جمهوری اسلامی منعکس می‌شود.

براین اساس و در آغزین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مدافعان موضع بورژوازی و مالکان بزرگ بطور کلی است و بیش از همه از منافع کلان تاجران حمایت می‌کند. جیت اصلی اعمال فشار از بالا به حکومت جمهوری اسلامی ایران تقویت بازم بیشتر موضع ارجاعی در حکومت است. وجود و حضور نیروهای دارای تعلقات طبقاتی مختلف در دستگاه حکومتی و در پیرامون آن همچنان منشاء تضادها و دسته‌بندی‌های مختلف میان مسئولین حکومت است. متنها در حال حاضر، بر عکس سال‌های پیش، این دسته‌بندی‌ها دیگر بر سر حفظ یا لفو بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری نیست. آنها همه برسر حفظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی با یکدیگر توافق کرده‌اند. آنها برنامه و سیاستی بورژوازی را پذیرفته‌اند که ارگان اصلی آن عبارت است از پیمودن راه سرمایه‌داری حفظ و استگی اقتصاد کشور به سیستم جهانی امپریالیستی و سرکوب احزاب و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک و هر نوع اعتراض حق طلبانه توده‌ای. اهم اختلاف آنها بیشتر حول سهم بورژوازی تجاری در مقایسه با سایر لایه‌های بورژوازی در غارت و چاول ثروت ملی و دسترنج محروم، حول میزان نقش و سهم بخش دولتی از اقتصاد کشور و حدود اختیارات و مداخلات تکنوقراتها و بوروکرات‌های حکومتی در ساخت قدرت سیاسی و اداره امور کشور دور می‌زند.



۱ - ارجاع بر کشور حاکم است و باید به این وضع پایان داده شود و قدرت سیاسی به یک دولت ملی، دمکراتیک انتقال یابد.

۲ - اشتراک مساعی و اتحاد عمل نیروهای ترقی خواه کشور هرچه کترده تر شود و اتحاد آنان در یک جبهه واحد تامین گردد. توافق بر سراین مسائل و راه دستیابی به آماج‌های جنبش انقلابی کشور ما، راه پیروزی و بهروزی خلق زحمتکش را می‌کشید. واقعیت این است که وجود اعتقادات، دیدگاهها و ارزیابی‌های متفاوت در صف نیروهای متفرق ایران امری کاملاً طبیعی و گریزناپذیر است. این اختلافات بهیچوجه نباید وسیله ضدیت و رودر رویی با یکدیگر و یا انکار ماهیت ترقیخواهاند این یا آن نیرو قرار گیرد. مسئولیت انقلابی، مردمی و سیاسی حکم می‌کند که نیروهای متفرق آینده را بنگرند و روی نقاط اشتراک تکیه کنند.

سازمان ما همواره برای اتحاد نیروهای خد امپریالیستی و مردمی کشور نقش و اهمیتی اساسی قابل بوده است. امروز نیز این نقش و این اهمیت به اعتبار خود باقی است. ما باید امروز بازهم بیشتر بر تلاش‌های خود، برای اشتراک مساعی، همکاری، اتحاد عمل و اتحاد همه نیروهای خلق بیافراویم. ما به نوبه خود از هر نوع برخورداری به سوء تفاهم و تفرقه میان نیروهای دمکراتیک ایران منجر شود، خودداری می‌کنیم و مقابلاً انتظار داریم که دیگران نیز، از چنین روشی پیروی کنند.

هر کسی که پیشنهاد اتحاد در یک جبهه واحد را مطرح کند آیا لزوماً باید این را هم پاسخ گوید که این اتحاد تحت رهبری، با سرکردگی کدام نیرو انجام می‌گیرد؟ ما همواره در این باره نظر مشخص داشتیم. ما البته همواره معتقد بوده‌ایم که درجه پیکری و سرنوشت انقلاب ملی دمکراتیک در آخرین تحلیل تابع آن است که این سرکردگی بر عینه کدام قشر و طبقه جامعه قرار می‌گیرد. تجربت تمام خلقهای پیروزمند نشان داده است که تنها رهبری طبقه کارگر و یا سازمان پیرو سوسیالیسم علمی است که پیکری انقلاب ملی و دمکراتیک را تضمین می‌کند. بر همین پایه است که ما حداکثر توان خود را در راه تامین سرکردگی طبقه کارگر بکار می‌گیریم. اما واقعیت نشان می‌دهد که امر سرکردگی فقط به خواست و تمایل ما برای قبول این مسئولیت مربوط نمی‌شود، عامل قطعی در این مورد. قبل از همه بر اساس تناسب قدرت و نفوذ نسبی هریک از نیروهای خلقی در پروسه انتقال قدرت و در آخرین تحلیل به وسیله هریک مردم تعیین می‌شود. بالاخره با تاکید باید گفت که مشروط کردن همکاری‌ها و اتحاد عمل نیروهای خلق به حل مساله سرکردگی، عملی است به غایت تفرقه جویانه که بزیان صالح خلق تائیر می‌کند.

افزایش سهم و نقش طبقه کارگر در جبهه متحد خلق و در راه تحول بنیادین جامعه در گرو حفظ تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردانهای پیشانگ طبقه کارگر و گسترش پیوند سیاسی و سازمانی آنها با طبقه کارگر است؛ افتخار بزرگ تاریخی سازمان ما، مبارزه پیکر و خستگی ناپذیر آن در این راه بوده است.

ما بیاموزد که تفرقه و خصوصی میان نیروهای خد امپریالیستی و مردمی کشور مملکت ترین دشمن درونی خلق است.

اکنون ما از پشت این تریبون، از همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک و خد امپریالیستی کشور دعوت می‌کنیم که بروای پایان دادن به حاکمیت ارجاع و انتقال قدرت به یک دولت ائتلافی ملی و دمکراتیک در یک جبهه واحد متحد شوند. ما برنامه خود برای جبهه متحد خلق را ارائه داده و در عین حال آمادگی خود را هم برای مذاکره با سایر نیروها و به منظور دستیابی به برنامه مشترکی که مورد توافق همه قرار گیرد اعلام می‌کنیم.

برنامه ما برای جبهه متحد خلق منافع مشترک تمام اقشار و طبقات دمکراتیک و ملی میهن ما را نامین می‌کند و می‌جکونه ستایرتی با منافع هیچ یک از آنان ندارد حال اگر رفقاً طرح برنامه پیشنهادی هیات سیاسی کمیته مرکزی برای جبهه متحد خلق را که اکنون به پلنوم عرضه شده است، مورد تصویب قرار دهند، آنگاه این برنامه از سوی سازمان انتشار خواهد یافت و در اختیار همه نیروها قرار خواهد گرفت.

بار دیگر باید تاکید کنیم که اکنون نیروهایی که سمتگیری حاکمیت فعلی را علیه منافع خلق و انقلاب و آرمانهای خود می‌شناسند یعنی همه کسانی که برای رسین به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند می‌توانند و باید بربایه مهمترین و اساسی ترین مساله کشور یعنی ضرورت انتقال قدرت به نیروهای متفرقی به توافق نظر برستند. اختلاف در سایر مسائل، هر چقدر هم که ممکن باشد، اگر وسیله پراکنده کردن و پراکنده ماندن نیروهای ترقی خواه کشور گردد، عملاً بسود بقای حاکمیت ارجاع تمام خواهد شد. نظر و اعتقاد راسخ ما این است که همه نیروهای ترقیخواه باید از طریق مذاکره برای توافق روی یک برنامه واحد بکوشند بد علاوه تاکید می‌کنیم که تازمانی که این توافق حاصل نشده است همکاری و اشتراک مساعی میان سازمان‌ها و احزاب متفرقی کشور در زمینه‌های مشخصی که مورد توافق و عمل طرفین است بسط و گسترش یابد. اختلاف بر سر هیچ مساله‌ای نباید باعث امتناع از همکاری نیروهای ترقی خواه کشور گردد.

اکنون در جنبش ما بعثهای زیادی در باره شکل انتقال قدرت و زمان آن، و اینکه رهبری جبهه خلق در دست کدام نیرو قرار خواهد گرفت و دیگر مسائلی از این دست جریان دارد. اما راست این است که هنوز زمان و روند گسترش رویدادها پاسخ این مسئولها و وظایف ناشی از آن را روشن نکرده است. پاسخ این سوالها را مبارزه و عمل نیروهای ترقی خواه و روندها و رویدادهایی که در آینده گسترش خواهد یافت و در آخرین تحلیل تناسب نیرو میان آنها در پروسه انتقال قدرت خواهد داد.

در حال حاضر مناسب با ضرورتها و نیازهای کنونی جنبش انقلابی کشور ما فقط مسائل اساسی زیر باید مورد بحث و توافق نیروهای ترقی خواه کشور قرار گیرد:

ایران، از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران ارائه داده و از آنان دعوت می‌کنیم که حول این برنامه یا هز بر نامه دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد و زمینه اتحاد همه نیروهای ملی و دمکراتیک ایران گردد، متوجه شویم. بعلاوه نباید تا توافق کامل بودی برنامه مشترک، امر همکاری‌های میان ما و آنها در زمینه‌های مورد توافق عموق بماند. حقیقت اینست که ما و مجاهدین همین امروز در عرصه‌های معینی، از جمله در مبارزه با خاطر بازگرداندن بلاد رنگ صلح به کشور، استقرار دیکراسی در کشور و تامین حقوق دیکراتیک مردم ایران همسو با یکدیگر کام برمی‌داریم. به اعتقاد ما این هم عملی وهم بخشد است که بد عنوان اولین گام در راه رسیدن به یک برنامه جامع و اتحاد کامل در یک جمیع واحد، در هر عرصه‌ای که سیاست و مبارزه دو سازمان هستند. همکاری و اشتراک مساعی ما با یکدیگر گسترش یابد.

جنش ملی خلق کرد بخشی از جنبش رهائی بخش ملی ایران است. این جنبش در طول تاریخ معاصر ایران همواره سلاح نیرومند و اطمینان بخش خلق کرد در مبارزه با خاطر کسب حقوق ملی خویش و نیز از سنگرهای مبارزان میهن دوست و متوفی از انقلابی ایران در مبارزه علیه ارتقای و امپریالیسم بوده است. حزب دمکرات کردستان ایران سازمانگر عده این مبارزه در کردستان بوده است. این حزب اکنون زیر سرکوب و هجوم نیروهای مسلح رژیم، با شعار دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان، علیه رژیم حاکم بر کشور و بسود خواستهای ملی خلق کرد و در جهت خواست تمام خلق‌های ایران مبارزه می‌کنند.

سازمان ما همواره از مبارزه بر حق و عادلانه خلق کرد در راه تامین خودمختاری دفاع کرده است. در شرایطی که ارتقای حاکم علیه آماج‌های انقلاب برخاسته و همه سازمان‌های متفرقی کشور را آماج سرکوب خود ساخته است، در شرایطی که رژیم حاکم، مردم کردستان را آماج حمله قرار داده است، کستریش مناسبات و همکاری‌ها میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان در راه آماج‌های مشترک نه تنها ضروری بلکه وظیفه‌ای مبرم است.

در اینجا همچنین لازمت در باره نیروهایی که در حکومت هنوز از آماج‌های انقلاب دفاع می‌کنند و ما آنان را مسلمانان مبارز نامیده‌ایم، نام برمی و سیاست سازمان را نسبت به آنان توضیح دهیم. نیروهایی که از یک طرف هنوز امیلووارند جمهوری اسلامی از آن آنها باشد و یا بشود و از سوی دیگر از کستریش حمایت آشکار خمینی از نیروهای راستگرا و مرتبع و هوادار غارتگری کلان تاجران و بزرگ مالکان بینانند. آنچه قبل از همه در این رابطه باید گفت آنست که آنها قبل «امام خمینی» با بیانگر آمال و آرزوهای خود یافته بودند، اما امروز پس از خیانت آشکار رهبرانی که برگزیده بودند، عملاً سرگردان و پراکنده مانده و فاقد رهبری خاص خود هستند. خمینی علیه تشكل آنان است. این پراکنده‌گی و فقدان رهبری تا امروز عملاً به موقعیت آنان خلق ایران بسط یابد. ما برنامه خود برای جبهه متحد خلق را به همه نیروهای ترقی خواه

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، به متابه دوگردان پیشانگ طبقه کارکر ایران در سالهای اخیر در عمله ترین مسائل همواره موضع یکسانی داشته‌اند، حفظ و تحکیم این وحدت برای جنبش انقلابی طبقه کارکر و تمام خلق اهمیت اساسی دارد. ما همچنان وظیفه داریم با حداکثر تلاش و حداکثر احساس مسئولیت انقلابی در این راه، در راه وحدت همه جانبی این دو گردان نیرومند و کارآزموده طبقه کارکر ایران کام برداریم. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران هر دو خواهان گستریش همکاری‌های همه جانبی بایکدیگر و حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی دو سازمان و بسط آن وحدتی همه جانبی هستند. ما همچنان هرگونه پیشرفت در این راستارا بسود خلق و در راس آن بسود طبقه کارکر ایران می‌دانیم و در راه آن از هیچ کوششی فروگزار نخواهیم کرد.

در شرایطی که ارتقای حاکم حزب توده ایران را مورد رذیلانه‌ترین اتهامات و ددمنشانه‌ترین سرکوبها قرار می‌دهد، در شرایطی که چماق سرکوب امپریالیسم و ارتقای متوجه حزب توده ایران است، ما دفاع همه جانبی از حزب توده ایران را بمنابه یک وظیفه انقلابی و میهنه قاطع و پیگیر به انجام رسانیده و می‌رسانیم. سیاست و سمتگیری هیات حاکمه همکاری و اتحاد همه نیروهای خند امپریالیست دمکراتیک و انقلابی را بیش از پیش ضروری کرده است. ما منتعین و دیگر گروههای چپ مشابه را به اشتراک مساعی، همکاری و اتحاد عمل با دیگر نیروهای ترقی خواه کشور، در راه دستیابی به اهداف مشترک فرا می‌خوانیم، ما همواره در این راه تلاش کرده‌ایم. ما همواره این گروهها را بسوی همیستگی با جنبش کمونیستی و کارکری جهان و به مبارزه فعال علیه سکتاپاریسم و انتساب طلبی فرا خوانده ایم متساقنده این گروهها در سال‌های اخیر با انتساب بدترین دشمنانها به سازمان عملاً به بوقاری یک فضای سالم برای مباحثه ایدئولوژیکی و حل مسائل مورد اختلاف لطمه زده‌اند. اما اکر از این دشمنان ها مرف نظر کنیم، در برنامه و در سیاست ما و آنها زمینه‌ها و موارد مشترک اساسی وجود دارد که می‌توان و باید بربایه آنها در جهت همکاری‌ها و کمک‌های متقابل آغاز به کار کرد. ما فکر می‌کنیم همکاری‌های متقابل ما علیه امپریالیسم، علیه ارتقای حاکم در راه صلح و آزادی و در راه استقلال و عدالت اجتماعی امکان پذیر و لازم است. این همکاری‌ها یقیناً بسود جنبش است و در مناسبات متقابل ما نیز تأثیر مثبت بر جای خواهد گذاشت.

اوپای کنونی کشور و سیاست و سمتگیری خند دمکراتیک و خند مردمی هیات حاکمه، همکاری و اشتراک مساعی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران را در راه آماج‌های مشترک ضروری می‌سازد و آن را به امری مبرم مبدل می‌کند. ما در این راه تلاش خویشیم کرد که علیرغم اختلاف نظرهای موجود، همکاری‌های متقابل ما در هر سه جبهه مبارزه خند امپریالیستی، آزادیخواهانه و عدالت پژوهانه خلق ایران بسط یابد. ما برنامه خود برای جبهه متحد خلق را به همه نیروهای ترقی خواه

اوپاع سیاسی کشور در حال حاضر

میین ما ایران، اکنون روزگار بس دشوار و خوبنباری را میگذراند. انقلاب بزرگ بهمن، این شراره شکوهمند عزم و رزم توده‌های میلیونی، برای توپه‌های امپریالیسم بس کرد کی آمریکا و خیانت رهبران جمهوری اسلامی را شکست می‌یابید و آماج‌های والای آن پایمال ارتیاع میکردد. امروز حکومت در همه سمتها سیاستهای ارتیاعی را گسترش می‌دهد. تثبیت راه رشد سرمایه‌داری به قیمت حفظ و تحکیم وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، آزادی غارتگری لجام گسیخته رحمتکشان توسط سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، برقراری روابط اسارتیار با امپریالیسم، دامن‌زن به هیستری شوروی سنتیزی و کمونیزم سنتیزی و اعمال خشن ترین سرکوب و ستم بر خلق کرد و دیگر اقلیت‌های ملی و مذهبی پایمال کردن حقوق زنان در جامعه و خانواده، دشمنی با علم و سنتیز با فرهنگ ملی ایران رئوس برنامه و سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

ادامه جنگ ایران و عراق، لفو همه حقوق و آزادیهای دیگر ایشان برقراری شدید - ترین شکل حفقار و استبداد و سرکوب خونین حرکات اعتراضی و مطالباتی کارگران و رنجبران به ابزارهای اصلی اجرای این سیاست و برنامه و حفظ و تحکیم حاکمیت تبدیل شده است. تلاش برای پراکندن مفهوم خلق و سرکوب و نابودی سازمانهای انقلابی و مقاومت و مبارزه مردم پایه سیاست ارتیاع حاکم است.

مصالح ملی و منافع مردم پیش از هرچیز و بیش از همه اتحاد نیروهای خلق ایران و اتحاد با جامعه کشورهای سویاالیستی و رژیم‌ها و نیروهای ضد امپریالیستی در جهان را میطلبید. ارتیاع حاکم با پراکنند و در هم شکستن نیروهای خلق در داخل و گستین هرگونه همبستگی و دوستی کشور ما با کشورها و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست جهان، به خلاف مصالح ملی، خواستها و آرمان مردم عمل میکند. ارتیاع حاکم میکوشد با گرد آوری همه نیروهای متوجه در کشور و بهره مندی هرچه بیشتر از پشتیبانی غرب و وابستگان آن، فرمانروائی خود را حفظ و تحکیم کند. کاریست این سیاستها به تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق و به گسترش جنبش اعتراضی

نظرما این است که این نیروها اگر بخواهند درجنیش استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت جویانه خلق ما جای خود را داشته باشند، لزوما باید مشکل شوند و به مردم ثابت کنند که به مسئولیت وضع موجود کشور بر عهده آنهاست و نه با آنچه که این حکومت می‌کند، موافقند. اینکار قبل از همه مستلزم آنست که مسلمانان مبارزه خلیفات و تضادهای جریانهای راستگرای مختلف در بالا دلخوش نکنند و بدانند که حل شدن در هریک از این جریانها، آنها را فقط به آلت دست خائنین به انقلاب تبدیل خواهد کرد. در هر حال فعلا وظیفه ما این است که از هر مورد مخالفت مبارزه و ایستادگی آنان در برابر ارتیاع حاکم حمایت کنیم و هر مورد عقب نشینی و تسليم را محکوم و افساء کنیم، بعلاوه وظیفه مهمتر ما این است که به این نیروها کمک کنیم. حقایق را در باره حکومت و اوضاع کشور در یابند و بدانند که خمینی، شورای نگهبانش و دیگر زمامداران حکومت که بنام اسلام از کلان تاجران و بزرگ مالکان پاسداری می‌کنند، تا زمانی که قدرت را در دست دارند هیچیک از آرزوهای مردم برآورده نخواهد شد این نیروها باید دست یاری دیگر نیروهای میهن دوست و مردمی ایران را برای پایان دادن به حاکمیت این مرتجلین و تشکیل یک دولت ائتلافی ملی دیگر ایشان را بفشارند.

رفقا!

کامیابی سازمان ما در دستیابی به اهدافی که فراروی خود قرار داده است در توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه هرچه وسیعتر بنشایدین خود هرچه پیکرتر عمل کنیم. به همان میزان که نقش و تاثیر ما در اوضاع سیاسی کشور و در مبارزه توده‌های وسیع رحمتکشان بالا میکیرد. استقبال هرچه وسیعتر توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه هرچه وسیعتر توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه نیروی ملی و دیگر ایشان و اتحاد آنان در جبهه متعدد خلق را گستردۀتر می‌کند. در این رابطه باید وظایف عملی و مشخص سازمان را با توجه به اوضاع کنونی کشور مورد بحث قرار دهیم، نظر به اهمیت این مسئله، فصل بعدی گزارش سیاسی تحت عنوان «اوپاع سیاسی و وظایف ما»، تماما به این امر اختصاص یافته است.



نحوی، ۱۷۷ میلیارد ریال میرسد. طبق آمار دولتی خسارات واردہ بر ایران تنها تا پایان سال ۱۶۳ میلیارد و ۹۷ میلیون دلار است که سهم خسارات مستقیم آن به ۸۰ میلیارد دلار بالغ میشود.

برایست ادامه جنگ در عدای به عامل کار آند و مؤثر تقویت نیروهای راستگرا

در حکومت و وسیله پیاده کردن اهداف و اپسکرایانه و خد خلقی توسط آنان تبدیل شد. در حال حاضر ادامه جنگ از عوامل تهیید استقلال، حق حاکمیت و تمامیت ارضی مینهن ماست. سازمان فدائیان خلق ایران (اکتیریت) پس از فتح خرم‌شهر، در برخورد با مسئله جنگ تا امروز همراه و هر راه با حرب توده ایران از یک سیاست اصولی، مسئولانه و مطابق با صالح ملی ایران پیروی کرده است. ما (پس از فتح خرم‌شهر) ادامه جنگ را فقط به نفع محاذل حاکمه آمریکا و به زیان دو کشور ایران و عراق اعلام کردیم و همواره مخالف گشیل نیرو بداخل خاک عراق و موافق برقراری فوری آتش بس و صلح بر اساس حق حاکمیت و تمامیت ارضی طرفین برای قرارداد ۱۹۷۵. عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل تمام مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره بوده‌ایم. ما امروز نیز همچنان از همین سیاست اصولی پیروی میکنیم.

ادامه جنگ با مخالفت و اعتراض روز افرون توده‌ای خلق مواجه است. اکنون دیگر بدرستی میتوان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن، کشور میباشد. سازمان ما در شهرها و روستاهای کشور نقش کاملاً موثری در کسریش این جنبش بر عینه کرفته است. شعارها و رهنمودهای ما در مقابله با این جنگ خانمانسور در میان توده‌ها نفوذ میکند و با استقبال روز افرون مردم میهن مواجه است. ما مبارزه در راه بارگردانیمن صلح بین دو کشور را در صدر وظایف خود قرار داده‌ایم. ما باید بسیج مردم علیه جنگ و برای صلح را بازهم بمشترک کشورش دهیم. باید بازهم بیشتر زیانهای جنگ و مسئولیت هیات حاکمه در تحمیل آن به مردم را افشاء کنیم. ما خواهان آن هستیم. و در این راه تلاش میکنیم که مبارزه همه احزاب، سازمانها، گروهها، مخالف و شخصیت‌های ملحدوت و مینی بر سرت ایران هم آهنج شود و همکاری بین آنان در مبارزه بخاطر صلح کسریش یابد. آرزوی مردم ماست که تلاش برای اشتراك مساعی، هماهنگی و اتحاد عمل همه احزاب، سازمانها و شخصیت‌های متفرقی و صلح خواه ایران علیه ادامه جنگ با نتایج موثر و ثابت مواجه گردد.

ما برای کوشش‌های صلح طلبانه کشورها، سازمانها و مجامع بین المللی و مخالف صلح دوست‌جهان نیز که در راه قطع بادرانگ جنگ اهتمام می‌ورزند، اهمیت ویژه‌قائلیم تلاش‌های سازمان ملل متقد، در زمینه محدود کردن جنگ البته تأثیر مثبت داشته است. ما از این تلاشها استقبال کرده. و تلاش می‌کنیم که این مجاھدات و اقدامات مجامع بین‌المللی بوبزه سازمان ملل متحد و جنبش غیر متعملها، ادامه و کسریش باید از همۀ انسانیون و سازمان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی باهر عقیده و جهان بینی. در سعرش پیگردی‌های کسریش و شکنجه و آزار دستنشانه هستند، نه تنها

و مطالباتی مردم منجر شده است و امکان ادامه حیات آنرا، بدون توسل به سرکوب و غلط‌بین بیشتر به آغوش دشمنان خلق دشوار و دشوارتر ساخته است.

رقنا ۱

در راس سیاستهای خائنانه ارجاع حاکم و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا که بر خد مصالح ملی و علیه خواستها و آرمان مردم مین ما جویان دارد، ادامه جنگ ویرانگر توسط رهبری جمهوری اسلامی قرار دارد، حکومت برای شعله‌ور نگهداشتن آتش جنگ بهر قیمت هر روز دردهای تازه‌ای بر دردهای مردم می‌افزاید. جنگ ایران و عراق به تشویق و تحریک امپریالیسم آمریکا و توسط رژیم صدام با هدف مدور خد انقلاب و تجویه کشور آغاز شد. اما مقاومت دلیوانه مردم ما این هدف را خنثی کرد و سرانجام پس از ۲۰ ماه نبرد قهرمانانه در سوم خرداد ۱۳۶۱، به پیروزی‌های قطعی در دفع تجاور دست یافت. اما با این وجود، آیت الله خمینی با این حساب که میتواند مردم مارا، که در چشم فتح خرم‌شهر عالیترین احساسات مین پرستانه را به نمایش گذاشتند، در راه آماج های مداخله‌گرانه بسیج کند علی‌غم هشدارهای مسئولانه و مین پرستانه ما فرمان ادامه جنگ تا سرنگونی صدام را صادر کرد و بدینگونه انقلاب و کشور را در مسیر توطئه‌ای قرارداد که امپریالیسم آمریکا و ارجاع منطقه تدارک دیده بودند. اما همانطور که پیش بینی می‌شد، حساب‌های او غلط از آب در آمد و طولی نکشید که جنگ شکل فرسایشی و سرانجام بخود گرفت.

اکنون هر روز بر عمر جنگ افزوده میشود، موضع کشور ما در تائین منافع و حقوق ملی، ضعیفتر و حضور و مداخله امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، بیشتر میشود. ارجاع حاکم که خود را در بربائی جمهوری اسلامی در عراق ناتوان می‌یابد با اینکه می‌فند دستیابی به هلفه‌ای که از ادامه جنگ فرا رود خود قرارداده بود شکست خورده است، تلاش میکند تا با شعله‌ور نگهداشتن آتش جنگ این شکست را پنهان سازد. ادامه جنگ در حال حاضر از یک سو وسیله کنار آمدن با ارجاع منطقه غرب و از سوی دیگر در خدمت پنهان کردن خیانت و جنایات بیشمار ارجاع از مردم قرار گرفته است.

این جنگ مصائب بزرگ پرشماری برای مردم ما بیار آورده است. تاکنون از دو سو تقریباً ۲۰۰۰ نفر کشته، دو میلیون آواره، دهها هزار نفر کمشده و حدفا هزار نفر معلول شده‌اند. برابر گزارش رسمی خود حکومت ۴٪ بودجه کشور صرف جنگ میشود. در پنج استان، بخش اعظم تولیدات خوابیده و چندین شهر مهم و صنعتی روسیه کشور ویران شده است. مطابق گفته رئیس جمهوری اسلامی طی سه سال، از ۶۰ تا پایان سال ۶۲ مبلغ حدود ۱۳۰۰ میلیارد ریال صرف هزینه‌های جنگ شده که اگر هزینه در نظر گرفته شده در بودجه سال ۶۳ را نیز بر آن بیافزاییم به رقم

های جاسوسی غرب اخذ شده است. استفاده می شود. زندانیان سیاسی در ایران فاقد هر کونه حقوق اجتماعی و بشری، فاقد هرگونه تامین جانی و فاقد ابتدائی ترین امکانات زیستی هستند.

در پیدادگاههای رژیم، مطلقا هیچ قانونی وجود ندارد که بر انتقامجوئی سبعانه مشتمل به اصلاح قضات شرع کوچکترین مهاری بزند. بازگردانیدن دموکراسی به کشور، هدف مشترک و مقدم مبارزه همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشاگرانیات رژیم، علیه آزادی و دموکراسی و بسیج همگانی علیه آن و مبارزه در راه استقرار دوباره، دموکراسی در کشور را وظیفه مبرم خود اعلام میکند و دیگر نیروهای خلق را به مبارزه مشترک در این راه فرامیخواند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درهمه‌گانی مبارزه همه نیروهای دموکراتیک در دفاع از آزادیهای سیاسی، به ویژه آزادی زندانیان سیاسی پیگیرانه تلاش میکند.

سازمان ما از طریق ارگان مرکزی سازمان تشکیل یک نهاد مشترک برای دفاع از زندانیان سیاسی را پیشنهاد کرده و فراخوان و برنامه روشنی را برای دفاع از زندانیان سیاسی ارائه کرده است.

امروز و در این گردهمایی تاریخی بار دیگر این پیشنهاد را تکرار میکنیم رسانید که نیروهای مبارز: سازمان مجاهدین خلق، حزب دمکرات کردستان، و دیگر سازمانها و گروههای چپ و انقلابی را به فضای همراهی و مشترک در راه تامین آزادیهای سیاسی و دفاع از زندانیان سیاسی دعوت میکنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به اقدامات مجتمع و محافل بین المللی در حمایت از زندانیان سیاسی ارج میکند. ما در این روزهای دشوار تاریخ کشورمان بار دیگر از همه نیروهای ترقیخواه جهان دعوت میکنیم که بر حمایت خویش، از مبارزه مردم ما برای پایان دادن به رژیم ترور و اختناق حاکم بر کشور بافرایند.

ارتجاع حاکم افزون برناشود آزادیهای سیاسی، دیگر آزادیهای دمکراتیک را نیز نفی و پایمال کرده است. امروز طبقه کارگر و توده‌های رنجبر کشور ما از هر کونه امکان و حق تشكل و مبارزه قانونی در دفاع از حقوق خویش محروم کشته‌اند. حکام جمهوری اسلامی در طول سالهای اخیر همواره تلاش کرده‌اند سندیگاهها و شوراهای کارگری را منحل و مسخر کنند و یا آنها را به افرم فشار علیه کارگران مبدل سازند. آنها همواره تلاش کرده‌اند کارگران برای خود سندیگا و شورای مستقل ایجاد کنند. دیگر اقتدار رحیمکشان نیز همینکونه زیر فشار قرار دارند و از حق ایجاد تشکلهای صنفی و طبقاتی و دفاع قانونی از حقوق خود محرومند رژیم می‌کوشند. دھقانان را در حالت پراکنده‌گی نگهادارد تا دربرابر دولت و مالکین دست بسته باشند. دھما هزار کارگر و کارمند و آموزگار و استاد به دلایل عقیدتی، بدليل عدم متابعت از ایدئولوژی و سیاست حاکم، بدليل طرفداری از انقلاب و استناع از جاسوسی برای رژیم از کار اخراج

عضویت ساده در هریک از احزاب و سازمانهای انقلابی، بلکه صرف داشتن یک اعلامیه از این سازمانها یا صرف خواندن یا نگهدارتن یک کتاب و یا حتی تنها پیوند خانوادگی یا دوستی با یک انقلابی کافیست تا افراد را آماج پیکرد و شکنجه و دمکرات و ابستکان دیگر سازمانهای و جلادان آن قرار دهد. فدائی و توده‌ای و مجاهد و دمکرات و ابستکان دیگر سازمانهای انقلابی چپ از نظر رژیم، فی نفسه مجرم و از پیش محکوم شناخته می‌شوند. رژیم حاکم تاکنون هزاران انقلابی و میهن پورست را به شهادت رسانده است. در این میان بیش از هزار نفر از شهدا از زنان مبارز کشور مابوده‌اند. هزاران نفر از آنان نوجوانانی بودند که تنها جوشان داشتن قلبی گرم برای آزادی میهن و سعادت مردم بود. در میان شهیدان، مادران هفتاد ساله و کودکان سیزده ساله کم تیستند.

رفقا!

همه ما که امروز در اینجا گرد آمدیم، هریک مدتها در زندانهای شاه بسر برده‌ایم. با دریغ و اندوه بسیار باید بگوئیم بسیاری از همزمان و همزجیران ما، بسیاری از رفقا و دوستان مبارز ما که سالهای طولانی را در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم شاه، در کنار ما بسر آورده بودند امروز دیگر در حالیکه هنوز داغ شکنجه‌های رژیم سرنگون شده شاه را همچون مدل افتخار بر پیکرهای خون نشانده داشتند. توسط جوخه‌های اعدام رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شدند. کشتار این شریف ترین فرزندان میهن و مردم سیاه‌ترین لکه ننگ بر دامن بخون آلوده ارتجاع است. بیاید در اینجا با دیگر پیاخیزیم و با سکوت رزم‌جوابانه خویش خاطره تابناک آنان را همه شهیدان خلق را گرامی بداریم. (یک دقیقه سکوت اعلام شد).

از همزمان خود بیاموزیم و از خاطره تابناکشان الهام بگیریم. از آنان که در میدانهای تیغ همچنان استوار رو به امپریالیسم و ارتجاع فریاد کشیدند زنده باد مردم، زنده باد انقلاب، مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع.

رفقا!

امروز دھما گروه مسلح با عنوانین و ظایف عجیب و غریب، به تعقیب و پیکر و سرگوب مردم و انقلابیون مشغولند. رژیم با تکاء دھما دارو دسته مسلح مخفی و علنی، با شبکه‌گسترده‌ای از زندانها و شکنجه‌گاهها به خیال خام خود میخواهد انقلاب و جنبش انقلابی خلق ما را نابود کند. وضع زندانهای جمهوری اسلامی و چگونگی بازجویی و محکمه آنان آئینه تمام نمای این نیت فاشیستی رژیم است. در جویان «پیکرده»، «تحقیق» و «محاکمه» مجازات زندانیان در ایران آمیزه‌ای از شیوه‌ها و وسائل قرون وسطائی و نیز اسلوب‌ها و تکنیکهای فوق مدرنی که از سازمان-

کرد با مبارزه سراسری مردم ایران و جلب پشتیبانی مردم سراسر ایران از جنبش ملی خلق کرد تلاش میکند.

مردم سراسر ایران از جنبش ملی خلق کرد تلاش میکند. تلاش حکومت این است که زنان را با توصل به انواع فشارها از محیط‌های کار و فعالیت سیاسی و اجتماعی بیرون براند و مانند بردگان در چار دیواری آشپزخانه و خانه، بی بصره از هرگونه حقوق انسانی و اجتماعی به تمام معنی اسیر سازد. در این‌جاوهای کار هر روز عرصه برزنان تنگ‌تر میشود. زنان را از محیط‌های فعالیت اجتماعی طرد میکند. بسیاری از کارها و بسیاری از پستها، رسماً برای زنان منوع شده است. در راه آموزش دختران و زنان دشواری‌های گوناگونی پیدید آورده‌اند و میکوشند برای آنها از اساس سیستم جداگانه «آموزشی» سرهمندی کنند. مطابق آمار دولتی در سال تحصیلی ۱۰ - ۶۹ دانش آموزان دختر یک میلیون و هشتاد هزار نفر کمتر از پسران بودند. این تفاوت ده سال پیش از آن یک میلیون نفر بوده است. عمال رژیم و قیحانه حقی در جزئیات زندگی شخصی زنان کشور کنکاش و دخالت میکنند و زنان شریف میهن ما را صرفاً بدليل عدم متابعت از پوشش موربدست ارتجاع مورد اهانت‌های و قیحانه فرار میکنند، بد زنان میبرند و به شلاق میکشند.

رفقا!

تجویه نا برابریها و ستمگری اجتماعی، مسخ و انکار اصول عدالت خواهانه قانون اساسی و رویکردانی آشکار از انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی اکنون سیاست رسمی حکومتگران است. حکومت جمهوری اسلامی حافظ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و بیش از همه تامین کننده منافع کلان تاجران است و راه را برای غارت بی‌امان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان بازگذاشته است.

اکنون در کشور ما ۵۰۰ هزار خانوار (بیش از ۲۵ میلیون نفر) دهقان بی‌زمین و خلود بیش از یک میلیون خانوار (بیش از ۵ میلیون نفر) کم زمین هستند که مجموعاً ۴۲٪ کل دهقانان کشور را تشکیل میکنند. این تعداد از دهقانان کلاً ۴۵ درصد از زمینهای کشاورزی را در اختیار دارند. برابر اعتراف مسئولین رژیم خلود ۴۳ درصد دهقانان کمتر از ۲ هکتار زمین کشاورزی در اختیار دارند. در حالیکه ۲۱٪ زمینهای بار آور در تملک ۲۶ هزار بزرگ مالک قرار دارد. از هنگام تصویب قانون اصلاحات ارضی در شورای انقلاب و تشکیل هیات‌های هفت در خرداد سال ۱۳۵۹ تا اواسط سال ۱۳۶۱ تنها مجموعاً ۷۲۵ هزار هکتار زمین به کشاورزان و اکذار شده بود که ۵۰ هزار هکتار آن از زمینهای موات بوده است. جمع کل خانوارهایی که تا آن‌زمان صاحب زمین شدند تنها ۹۵۸۷۶ خانوار بوده است.

حکومت جمهوری اسلامی در اواسط سال ۵۹ با تأیید آیت الله خمینی اجرای

شده‌اند. کارگران، دهقانان، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان و دیگر افسار مردم امروز مبارزه خویش را علیه این اقدامات رژیم کسریش میدهند.

حکومت جمهوری اسلامی واضح بی‌سابقه ترین تغییض‌ها براساس مذهب، عقیده و ملیت است. این تغییض‌ها در عرصه آموزش و پرورش بجائی رسیده که حتی کودکان به جرم وابستگی خانوادگی با نیروهای انقلابی و اقلیتی‌های مذهبی، یا از تحصیل محروم میشوند و یا در محیط اموزش زیر شدیدترین فشارها برای شستشوی مغزی قرار میگیرند. فشار قرار دارند. سازمان ما با همه امکاناتی که در اختیار داشته از حقوق اقلیتی‌های دینی دفاع کرده و کوشیده است تا مبارزه آنها را در راه تامین حقوق حقه خویش سمت دهد و مردم را به حمایت از مبارزه آنان فراخواند. این وظایف امروز با تاکید بیشتری در برابر ما قرار دارند. فدائیان خلق تفرقه افکنی و اشاعه شوونیسم مذهبی در صفوغ خلق را قاطع‌انه افشاء میکنند و همد سازمانهای انقلابی و میهن پرست، خصوصاً نیروهای مبارزه مسلمان را به مبارزه هرجه کسریه تر در این راه دعوت می‌نمایند.

دانش زدن به تعیین میان ملیتی‌های مختلف کشور ما نمودار دیگری از عملکردهای خدموکرایی ارتقای حاکم است. رژیم با انکار ویز کهنه‌های ملی، قومی و مذهبی خلق‌های ساکن کشور، حقوق آنان را لکدکوب کرده و مانع شرکت خلق‌ها در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور است.

اکنون بیش از پنج سال از تهاجم حکومت علیه خلق کرد میکنند. در طول این مدت هزاران زن و مرد و پیر و جوان هم میشن ما در میدانهای جنگ براذر کشی در کردستان جان خود را از دست داده‌اند. برابر آمار کنکره ششم حزب موکرات تاکنون ۲۵ هزار نفر از مردم عادی کردستان جان خود را از دست داده‌اند.

رژیم که خود را از نابودی مبارزان کرد ناتوان میبیند، فشار را روی مردم پی - - دفاع روستاهای کردستان تشید میکند. رژیم اخیراً در برخی از روستاهای کردستان به کوچ اجباری روستائیان دست یاریده است. رژیم روستاهایی را که از جنبش ملی خلق کرد حمایت میکنند و مبارزان کرد را بیناد میدهند، به توب می‌بندد. همچنین رژیم اخیراً طی بخشندامه‌ای به همه ادارات در سراسر کشور دستور داده تاکردها را شناسائی کنند. جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خودمختاری برای کردستان مبارزه میکند. یک ریکن هم جنبش سراسری مردم ایران است. علیرغم لشکرکشی نظامی مکرر به کردستان، علیرغم بمحاران و حشیانه و قتل عام‌های بی‌رحمانه مردم بیکناه، رژیم از درهم شکستن جنبش ملی خلق کرد عاجزمانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت) لشکرکشی بد کردستان و سرکوب وحشیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را مکوم بیکنانه سازیان، مردم سراسر ایران را از جنایات رژیم در کردستان و از خواستهای بر حق خلق کرد آگاه می‌سازد. و بیکرانه از مبارزه بر حق و عادله مردم کردستان در راه کسب حق خود مختاری پشتیبانی میکند. سازمان در راه تحکیم همبستگی مبارزه خلق

آوریم به اعتراض مقامات رسمی کشور ۷۰٪ واردات از کشورهای امپریالیستی و ۲۰٪ واردات از کشورهای وابسته به امپریالیسم بویژه از ترکیه و پاکستان و برزیل است. سیاست رسمی رژیم همان طرح نواستعماری تکیه بر مادرات نفت و واردات کالاهای مصرفی است. علیرغم شعارهای دروغین حکومت در مورد «خود کفائی اقتصادی» رشد واردات به بهای نابودی تولید ملی در ابعاد نجومی بالاگرفته است و حجم کالاهای وارداتی در سال گذشته به مرز ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. بموجب آمار اعلام شده، واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی و محصولات غذائی در ۱۰ ماه سال ۶۲ از لحظه‌زن ۲۸ درصد و از لحظه ارزش ۴۲ درصد افزایش داشته است. حجم واردات گذشته در سال ۶۲ در مقایسه با سال ۵۷ درست است چهار برابر افزایش را نشان میدهد. که نمودار ورشکستگی اقتصاد کشاورزی در اثر سازیزیر شدن کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی از جهان سرمایه‌داری است.

برای توضیع روشن تر سمتگیری رژیم، بدینیست حقایق دیگری را نیز در این زمینه خاطر نشان کنیم. بسیاری از شرکتهای امپریالیستی همچنان آزادانه در اقتصاد کشور فعالند. تنها شمار انحصارات ایتالیائی که در ایران فعالیت دارند به ۵۰ شرکت رسیده که حجم قراردادهای آنها به ۶ میلیارد بالغ می‌گردد. حجم مبادلات بازار کانی با کشورهای امپریالیستی بطور شتابان رشد پیدا کرده است. در سال ۶۲ حجم صادرات آلمان فدرال به ایران ۱۰۰٪ افزایش را نشان میدهد. صادرات آمریکا به ایران طی یارده ماه سال ۱۹۸۳، ۱۷۱ میلیون دلار تخمین زده می‌شود که رشدی معادل ۸۰٪ را منعکس می‌کند. سهم واردات ایران از انگلستان روزبه روز در حال افزایش است و هم‌اکنون ماهیانه به حدود ۵۰ میلیون لیره استرالینگ رسیده است. باموافقت رژیم انحصارات ژاپنی، در مهمترین رشته‌های تولید و خدمات فعال مابشاع هستند. قرارداد تجملی و نابرابر بتروشیمی ایران و ژاپن یک نمونه بر جسته است که دریوز کی رهبران رژیم در محرب امپریالیستها را به نمایش می‌گذارند. ماهیت سیاست رژیم موقعي عربیانتر رخ می‌نماید که مذکور شویم که حجم مبادلات بازار کانی با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در مقایسه با سالهای قبل حدود ۷۰٪ کاهش یافته است. اشتباخ رژیم به کشورهای رابطه با امپریالیستها اکنون، تابدان پایه است که وزیر صنایع سنگین رژیم آشکارا از ضرورت تحکیم و استنکی اقتصادی کشور به امپریالیسم، آنهم از تربیونهای رسمی و نیمه رسمی دفاع می‌کند.

برخلاف روح و نص قانون اساسی که نقش عمدۀ را در اقتصاد کشور بر عهده بخش دولتی و تعاونی گذاشته است، به موجب برنامه ینج ساله اول، ۶۲٪ سرمایه گذاری در صنایع سبک و سنگین بر عهده بخش خصوصی گذاشته شده است. و این در شرایطی است که بکفته وزیر معزول صنایع، ۷۵٪ مواد اولیه کارخانه‌ها و ۹۵٪ ماشین الات مورد نیاز صنایع مؤید این حکم است که تثبیت راه رشد سرمایه‌داری و غارتکری مجموع این حقایق مؤید این حکم است که تثبیت راه رشد سرمایه‌داری و غارتکری

قانون اصلاحات ارضی را متوقف کرد. و در اواسط سال ۶۱ پس از رد طرح نیم بند اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان، تعرض ارتقاب عربای بازیس گرفتن زمین از دهقانان و بازگردانیدن بزرگ، مالکان فراری به روستاهای کشور آغاز شد. امروز در نقاط مختلف کشور، دهقانان با هجوم مجدد بزرگ مالکان روبرو هستند. تعرض رژیم علیه منافع دهقانان زحمتکش چنان گسترش یافته که حتی در بسیاری از نقاط کشور املاع دستاوردهایی که دهقانان طی مبارزات طولانی خویش علیه رژیم ستمشاهی بدان نایل شده بودند را، در بر می‌گیرد، نمونه بارز این امر قانون مربوط به ابطال استناد و اکذاری اراضی موقوفه مصوب اسفند ماه ۶۲ مجلس شورای اسلامی است. مطابق این قانون ارتقابی استاد و اکذاری زمینهای اوقاف به زارعین صاحب نسق در گذشته با طل شده است.

دهقانان محروم در چنین شرایطی دسته دسته راهی شهرها می‌شوند و در بیرون‌لهم و حلی آبادهای حاشیه شهرها زندگی رنجبار خویش را سپری می‌کنند. رژیم دهقانان آواره و مهاجر را زیر فشار شدید قرار داده، آنها را از استفاده از طرح جیره بندی به اصلاح بسیج اقتصادی محروم می‌سازد و حتی با تشکیل گشته‌های ویژه‌ای از افراد مسلح آنان را شناسائی و دستگیر می‌کنند و به زور از شهرها بیرون میرانند. با این همه به گفته شهیدار تهران در سال جاری هر روز ۱۵۰۰ نفر روستائی تنها به شهر تهران مهاجرت کرده‌اند.

لایحه ده سار تبدیل شده بنام «دولتی کردن تجارت خارجی» از سوی شورای نگهبان مردود اعلام شد و به جای آن مصوبه‌ای بس ارتقابی که دولت را خدمتکزار کلان تاجران می‌شناسد بنام «نحوه اجرای تجارت خارجی» صورت قانونی یافته است. در پرتو فناوری مکرر آیت الله خمینی در حمایت از آزادی تجارت و تجار غارتکر، کلان تاجران بر شریانهای اقتصادی کشور، چنگ اندخته و بی آنکه نقشی در تولید ثروت‌های جامعه داشته باشند، از طریق چیاول مردم و اصحاب استقلال کشور سودهای هنگفت می‌اندازند. فعالیت اقتصادی کلان تاجران یکی از عمدۀ ترین عوامل گرانی و تورم در سطح کشور است.

بنابرۀ گزارش بانک مرکزی حجم پول در یايان سال ۶۲ نسبت به سال ۵۷ حدود ۳ برابر گردیده است. به اعتراض وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در سال ۶۲ بخش «خدمات» ۲۸۰ میلیارد تومان «ارزش افزوده» داشته است. در حالیکه در بخش‌های تولیدی (صنعت و کشاورزی) نصف ویا ثلث آن هم نبوده است. بعبارت دیگر «تجار محترم» با حمایت سران رژیم، تاکنون صدها میلیارد از درآمد و ثروت ملی را بغارت برده‌اند.

بر خلاف نص صریح قانون اساسی آیت الله خمینی در چهارم شهریور ماه امسال بار دیگر به صراحت تمام سپردن تجارت خارجی بdest تجار بخش خصوصی را مورد تأیید قرار داد. نقش استقلال شکن این سیاست، موقعی آشکار می‌شود که بخاطر

میهن ما که در راه تامین استقلال کشور خود حماسه‌های بی‌مانند آفریده‌اند و سنگر به سنگر علیه موضع امپریالیسم و عمال و وابستگان آن جنگیده‌اند اقدامات استقلال‌شکن رژیم را با مقاومت و مبارزه شتابکیر خویش مواجه می‌سازند. در این راه افشاء توئدهای امپریالیستیها برای بد کجراه گشاندن سازمانهای خند امپریالیست و انقلابی، پاشیدن تخم تفرقه و نفاق در صفوی نیروهای ملی دموکراتیک کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. سازمان ناپاداریت انقلابی در راه ختنی کردن این توئدها و تلاش‌های محیانه امپریالیسم و نیروهای ارتقایع، با تمام قوا میرزد.

رفقا ۱

توده‌های دهها میلیونی کشور نه تنها سیاست و سمتگیری حکام جمهوری اسلامی را تائید نمی‌کنند، بلکه علیرغم حقوقان و سرکوب شدید و بی‌سابقه‌ای که بر کشور حاکم شده است، در راه تامین خواستها و کسب حقوق خود مبارزه می‌کنند. جنبش توده‌ای در وضع فعلی خصلت اعتراضی و مطالباتی دارد. اعتراض علیه ادامه جنگ و علیه نابرابری اجتماعی عمومی ترین مضماین اعتراض و مبارزه توده سرد زحمتکش است. سیاست رژیم در اعمال تبعیض و نقض حقوق دموکراتیک مردم با مقاومت توده‌ای روپرورست. مردم سیاست رژیم ذر جلب و فراخواندن کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان فراری و انتقال اموال و زمین‌های مردم به آنها را محکوم می‌کنند. خواستها و مطالبات اقتصادی عمدۀ ترین موضوع مبارزه توده است. این مبارزه گرچه هنوز پراکنده و عموماً موضعی است. اما مشخصاً با آگاهی سیاسی در آیینه‌ده و دارای جمیت‌گیری سیاسی معین در مخالفت با سمتگیری و سیاست رژیم است.

افشاگری نیروهای انقلابی بویژه فدائیان خلق و توده ایها در باره ماهیت و سمتگیری سیاست رژیم موجب آن شده است که توده‌های وسیعی از مردم از حقایق کشور آگاه شوند و راه مقابله با آن را در پیش کیرند. سیاست رژیم در سرکوب همه احزاب سازمانهای انقلابی و پایمال کردن همه آزادیهای سیاسی، تعطیل تمام مطبوعات غیر حکومتی، کشتار دهها هزار جوان بیکناه میهن دوست و متربقی و قشون کشی علیه هر اعتراض به حق توده‌ای نیز همه و همه به روند سلب اعتماد مردم از حکومت دامن می‌زند. اعتراض علیه آزادی کشی کسترش بازهم بیشتری می‌یابد.

در وضعیت فعلی توده‌ها به اشکال متفاوتی اعتراض و مبارزه خود را دنبال می‌کنند. حرکات اعتراضی، کمکاری و تحصن، تظاهرات و درگیریهای موضعی و محلی خود انگیخته، مراجعت و اعتراض دسته جمعی به مسئولین، مقاومت منفی و عدم تیکن به مقررات و تحکمات حکومت اشکال مبارزه توده‌ایست. شکل عمومی این مبارزات قهرآمیز نیست.

هم اکنون فدائیان خلق، اعضاء و هواداران سازمان در سراسر کشور مطابق خط

بی‌امان کلان سرمایه‌داران، حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم را ناگیر بر ساخته است. هم از این روست که برای سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و در راس همه کلان تاجران، برطرف کردن هرچه سریعتر «سو تفاهمات» با غرب امپریالیست مساله مرکزی است. زیرا شاهراهی که کاروان سودهای بی‌پایان اینان از آن میگذرد، همان شاهراه چباول انحصارات امپریالیستی است. حاکمیت گنوی جمهوری اسلامی ایران در این شاهراه گام گذارده و در چنین مسیری راه می‌سپارد.

مناسبات اقتصادی کستره و نابرابر رژیم با امپریالیستهای آلمان فدرال، ژاپن، ایتالیا، انگلیس و دادوستدهای مخفیانه و با واسطه و بی‌واسطه آن با آمریکا، نموداری از سمتگیری خند ملی در سیاست جمهوری اسلامی است. امپریالیستها در جویان کنفرانس ویلیامزبورگ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. مشافرت اخیر گنثیر وزیر امور خارجه آلمان تسریع آن شدند. در کنفرانس اخیر سران دول بزرگ امپریالیستی در لندن، تصمیمات ویلیامزبورگ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. مشافرت اخیر گنثیر وزیر امور خارجه آلمان فدرال پس از کنفرانس لندن، بعنوان نماینده امپریالیسم آلمان و سفير حسن نیت غرب امپریالیست و دلال گفتگوهای در برده رژیم با امپریالیسم آمریکا گستره و ژرفان سمتگیری ارتقایعی، رژیم را در جهتی مغایر مصالح ملی و آماج‌های انقلاب بهمن هرچه روشنتر به نمایش گذاشته است.

همکاریهای کسترش یابنده و شتابکیر حکومت با رژیمهای مرجع منطقه بویژه رژیمهای ترکیه و پاکستان، احیاء رسمی پیمان آمریکا ساخته آر - سی - دی بعنوان زمینه و مقدمه گسترش همکاریهای نظامی و اطلاعاتی، همکاری و هماهنگی با ترکیه در سرکوب مبارزات خلق‌های کرد ساکن ایران و عراق و کمکهای همه جانبی به خند انقلاب افغان نمودار اقدامات ارتقایعی رژیم علیه مصالح ملی کشور ماست. این اقدامات در نقطه مقابل اهداف خند امپریالیستی انقلاب و مردم ما قرار دارد. توطئه علیه انقلاب افغانستان، اعلام عدم حمایت از یکپارچگی و وحدت جنبش فلسطین، حمایت و سعی در دارو دستدهای مرجع و قشری عراق با پوشش اسلامی جمیت جلوگیری از رشد وبالندگی جبهه نیروهای انقلابی و مردمی عراق، نمونه‌هایی از مقابله حکام جمهوری اسلامی با جنبش انقلابی در کشورهای رشد یابنده است. چنین روندی در تقابل آشکار با منافع ملی کشور ما و تهدید انکار نایبری اعلیه استقلال سیاسی و منافع ملی کشور ماست. این روند کشور ما را به جبهه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا می‌کشاند. این مهمترین خطی است که میهن ما را تهدید می‌کند. سازمان ما به مثابه سازمان بیکرترین میهن برستان ایران با همه امکانات خود این سیاستها و اقدامات رژیم را افشاء کرده و میکند. ما با تمام نیروی خود از استقلال ملی و منافع ملی کشور خود دفاع می‌کنیم. افشاء این ساستها و بسیه همه اقتدار طبقات خلق علیه تلاشهای استقلال شکن و ایران بر بادده ارتقایع حاکم وظیفه تاخیر نایبر و بنیادین همه نیروهای انقلابی است. مردم

به اتگای نیروی خود در مقابل گارفرمایان و دولت قرار گیرد و از هشتی و زندگی خود دفاع کند. فعالین ما با تمام امکانات و با استفاده از تمام اشکال مبارزه توده‌ای، مبارزه کارگران در راه افزایش دستمزد را تقویت می‌کنند و سازمان میدهند.

در یک سال اخیر مبارزه کارگران در زمینه مساله مسکن و طبقه بندی مشاغل جای برجسته‌ای داشته است. در اکثر واحدهای تولیدی علیه مقررات طرح طبقه‌بندی مشاغل و در جمیت تغییر آن به نفع کارگران مبارزه و حرکت وجود داشته است. این مبارزه دامنه وسیعی بخود گرفته و در چندین مورد به اعتراض کشیده شد که نمونه شاخص آن اعتراض کارگران قهرمان شرکت ساسان است. اعتراضی که توسط عمال «حکومت اوین» به خون کشیده شد. تعاونیهای مسکن کارگری نیز در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای یافته و به یکی از تشکلهای نیرومند کارگری تبدیل شده است. همانکنون حدفا تعاضی مطرح کنیم. سازمان با اتکا به تجارب ارزشمندی که آموخته است روز بیرون سیم سایشته‌تری در هدایت جنبش توده‌ای بر عهده می‌گیرد.

جدیت بیشتر این دو نخواست هم کارگران را دنبال کند. عوامل سرکوبگر رژیم در کارخانجات و میحيطهای کارگری، که اکثراً یا تحت پوشش انجمن‌های اسلامی عمل می‌کنند و یا رسماً از طرف سپاه و دادستانی در دایره حفاظت و «انتظامات» گمارده شده‌اند، سعی می‌کنند با حربه اخراج و چماق زندان توده کارگران را به اطاعت و تسليم و ادارن. در ماههای اخیر حربه اخراج بدون توجه به هرگونه ضابطه و قانونی علیه فعالین جنبش کارگری بکار گرفته می‌شود. رژیم می‌کوشد با وجود ارتضی عظیم بیکاران، طبقه کارگر را از اعتراض و مطالبه بازدارد. رژیم می‌خواهد اخراج را به وسیله اصلی خود در مقابله با حرکات و اعتراضات توده‌ای کارگری بدل کند. اما نکته امید بخش در اینجا اینست که در ماههای اخیر نمونه‌های حمایت عملی و موثر کارگران از فعالین کارگری که به دلیل دفاع از حقوق کارگران اخراج می‌شنوند، افزایش چشمکیری داشته است. یکانه راه عملی مقابله با این توشه کیف خدکارگری هم همین است. ما باید بکوشیم اتحاد و همبستگی کارگران این حربه را از دست سرمایه‌داران و دولت خارج کنند.

همه میدانیم که جنبش کارگری ایران فقط به همان میزان که متعدد و متسلک می‌شود قادر است به اهداف اقتصادی و سیاسی خود دست یابد. چاره رنجیران در وحدت و تشکیلات است. هم از این روست که بویزه‌های انقلاب به این سو مساله تشکل صنفی- انقلابی، سندیکائی و سیاسی طبقه کارگر همواره از حادترین موضوعات جنبش کارگری و انقلابی ایران بوده است. تشکلهای صنفی - انقلابی کارگری که در جریان انقلاب تحت عنوان «شوراما» در بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی شکل گرفته بود به تاریخ پایانی تقویت موضع نیروهای ارتضاعی در حاکمیت مورده هجوم واقع شد. اما این هجوم بر اثر مقاومت سرسختانه کارگران به تمام اهداف خود دست نیافت و «شوراما» در بسیاری از واحدها با مضمون سندیکا (تشکل صنفی کارگری) به حیات خود ادامه داد.

مشی، سیاست و رفاههای مشخص سازمانی در جنبش روبه گسترش توده‌ای نقش مؤثری بر عهده دارد. اعضاء و هواداران سازمان با جنبش توده‌ای پیوندهای عمیق برقرار می‌کنند و در هر کجا که باشند در هدایت مبارزه مردم‌بسوی پیروزی، بسوی تسخیر مواضع تازه‌تر و مستحکم‌تر فعلانه تلاش می‌کنند. دستگاه رهبری سازمان و مسئولین بخشی‌ای مختلف نشکلیات، بویزه در سال جاری، تمام تلاش خود را بکار گرفته‌اند که سازمان همه امکانات خود را برای پیروزی و بسط و ژرفش اعتراض و مطالبه مردم بکار گیرد. تبلیفات سازمان گسترش یافته و در پرتو آن توده‌های وسیع خلق در می‌یابند که فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌توانند مورد اطمینان و انتکاء قرار گیرند. ما سوپر شده‌ایم بوسیله پخش تراکت در سطح وسیع، شعارها و مطالبات توده‌ها را در سطح جامعه مطرح کنیم. سازمان با اتکا به تجارب ارزشمندی که آموخته است روز بیرون سیم سایشته‌تری در هدایت جنبش توده‌ای بر عهده می‌گیرد.

جنبش توده‌ای کارگری، که در حال حاضر رشد یافته‌ترین بخش جنبش توده‌ای است، در مرکز توجه و کانون فعالیت ما قرار دارد. در سالهای اخیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) و حزب توده ایران عملاً در سازماندهی و هدایت مبارزه توده کارگران و در اشاعه شناخت طبقاتی و آگاهی سیاسی در صفو طبقه کارگر نقش تعیین کننده درجه اول را ایفا کرده‌اند. بارزترین نمود این نقش در جنبش قانون کار علیه پیش‌نویس توکلی، وزیر کار سابق و در راه تلوین قانون کار مترقبی با مشارکت کارگران متجلی شد. طومار نویسی علیه پیش‌نویس کذاشی بیش از یک می‌هزار نفر کارگر زحمتکش را در بر گرفت. رقمی که در تاریخ جنبش کارگری ایران بیسابقه است. این مبارزه که اوج خود را در نیمه دوم سال ۶۱ و نیمه اول ۶۲ بارد پیش‌نویس توکلی و برکناری خود وی پشت سر گذاشت هم‌اکنون در مقابله با پیش‌نویس تازه ادامه دارد. آگاهی کارگران در این مبارزه تا آنجا رشد یافته است که رژیم حتی اگر پیش‌نویس خد کارگری راهم به تصویب برساند هرگز قادر نخواهد شد آنرا به تائید کارگران برساند. در دو ساله‌آخر مساله دستمزد برای کارگران هر روز حدت بیشتری یافته است.

در شرایطی که تورم و گرانی بیداد می‌کند و در شرایطی که به اعتراف خود حکام‌جمهوری اسلامی سود سالانه کلان تاجران و دیگر سرمایه‌داران بزرگ به هزاران میلیارد ریال سرمیزند و چنان غارت می‌کنند که در بیست سال گذشته بیسابقه بوده است و در حالیکه بار این جنگ خانمانسور هر روز زندگی و معیشت زحمتکشان راساخت و سخت‌تر می‌کند. رژیم به ظالمانه ترین شکل ممکن از سال ۵۸ تا حالاً حداقل دستمزد کارگران را در همان سطح ۶۵ ریال نگاهداشته است. ارزش واقعی این مبلغ نسبت به سال ۵۸ به کمتر از نصف آن رسیده است. و افزایش دستمزد از عده ترین مضماین مبارزه مطالباتی کارگران است. بیشترین اعتراضاتی که در یک ساله اخیر رخ داده به انحصار مختلف در این رابطه بوده که برجسته‌ترین آن اعتراضات قهرمانانه کارگران دخانیات است.

سیاست رژیم در دفاع از منافع سرمایه‌داران، طبقه کارگر را ناگزیر ساخته است.

خود گرفتند و آنها را دریناه سرنیزه زاندارم و پاسدار برای پس گرفتن زمین از دهقانان بپرسنستاها فرستادند، این مبارزه شکل حادی به خود گرفته است. دهقانان در برابر حکم حکام شرع و در برابر پاسدار و زاندارم از خود مقاومت دلیرانهای نشان میدهند. روئیم هر گز موفق نشدند و نخواهد شد به سادگی زمین را از چنگ صاحبان واقعی آن درآورده به فشودالها بسپارد. روئیم برای اینکار خود را رود روى دهقانان قرار داده و در بسیاری نقاط کشور برای درهم شکستن مقاومت دهقانان به روز اسلحه متولّ شده است. اکنون دهقانان را به جرم پسندادن زمین به مالک فراری دستکیر میکنند و به زندان و شلاق میکشند.

در تمام این مدت رفقاء ما در مبارزه علیه بزرگ مالکی پیگرانه از دهقانان دفاع کردند و از فعالترین نیروها در این عرصه مبارزه بوده‌اند. ما طی سالهای اخیر کوشیدیم از وعده‌های زمامداران جمهوری اسلامی چنان نیرویی ساخته شود که دیگر کسی نتواند بسادگی از آنها بگذرد. شعار «بند جیم و دال را اجرا کنید» به شعار پرجسته جنبش دهقانی بدل شد و آن را قوی تر کرد. تاجرانی که امروز روئیم دیگر قادر نیست بدون اسلحه و زندان مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان جنبش ضد بزرگ مالکی را زنده نگاهداشته است. با اطمینان باید گفت که بذری که در روسنستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفته که نه سرنیزه زاندارم و سپاه و نه فربیکاری های سرتجمین هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه رحمتکشان علیه بزرگ مالکی پایان دهد. ویا وضع را بحال سابق درآورد. در وضعیت فعلی بسیج و هدایت سیاره دهقانان علیه بزرگ مالکی بپیزه علیه بازگشت بزرگ مالکان به روسنستاها در سرکر فعالیت فعالین دهقانی ما قرار دارد. با اطمینان باید گفت که این مبارزه بازم کشش و ذره بیشتری خواهد یافت.

علاوه بر این توده دهقانان، بخصوص درجایی که بزرگ مالکی برانداخته شده است، برای استفاده از وام، کود، بذر و ماشین آلات کشاورزی و دیگر نیازهای تولید کشاورزی و همچنین علیه تبعیض ناهنجار میان شهر و روستا از نظر خدمات رفاهی مبارزه میکنند. در یکساله آخر صدها مورد مراجعته دسته جمعی، تحصین طومارنویسی، درگیری های خشونت آمیز و اجتماعات و راهپیمانی های دهقانان با خواست شخص از قبیل وام، ماشین آلات، مقابله با آفات و همچنین برای آب و برق برای روستا، توزیع عادله از رات و کالاهای کوبنی، تقاضای کشیدن راه وغیره از طرف روسنستایان بوقوع پیوسته است.

واردات بی رویه محصولات کشاورزی توسط حکومت و کلان تاجران، میلیونها دهقان هم میهن ما را ورشکست و از هستی ساقط و آواره شهرا کرده است. بخشی از نیروی دهقانان عملاً به حلی آبادهای کنار شهرها و بصفوف محرومان آن منتقل شده است. نیروی دهقانان مهاجر، مبارزه توده ای محرومان شهری در این مناطق راکه با شعار های خاص خود از قبیل تامین نان، آب، برق، مسکن و غیره جریان دارد، حادتر گرده است. مهاجرت از روستا به شهر چنان وسیع است که نمیتواند در آینده ای نه چندان دور به

علیرغم فشار شدید حکومتی کارگران در برخی از رشتدها موفق شدند برخی تشکلهای کارگری از جمله برخی سنديکاهای را نيز حفظ كنند.

پس از چونش کامل سیاست و مستکبری رهبران رژیم فشار هیات حاکمه بر تشکلهای کارگری بازهم بیشتر شد. بپیزه محافظ وابسته به حزب جمهوری اسلامی کوشیدند یا تشکلهای کارگری را متلاشی کنند و یا عناصر ارتجاعی و ضد کارگری در آنها، مهار کار را در دست گیرند. با این حال در محافظ کارگری ضرورت ایجاد و گسترش و تحکیم تشکلهای مستقل کارگری روزبه روز با وضوح بیشتری درک میشود و مورد تاکید قرار میگیرد. در حال حاضر این ساله در مقابل ما قرار دارد که با تغییر شرایط عده ترین اشکال تشکل کارگری کدامست؟ در این شرایط سرکوب و خفغان میباشد با تمام نیرو در راه حفظ، ایجاد و گسترش انواع تشکلهای رسمی و مستقل منفی - توده ای کارگری از قبیل سنديکاهای، شوراهای نمایندگان کارگران، تعاونیهای کارگری و غیره با استفاده از تمام امکانات و ابتکارات تلاش کرد. در عین حال باید تلاش کرد عناصر مرتاج، ضد کارگر و خائنی را که در راس تشکلهای کارگری حکومتی قرار گرفتند، افشاء گردند و همراهی این تشکلها از دست آنان خارج شود.

پیشبرد صحیح این وظایف در وضعیت کنونی مستلزم آنست که برای رهبری این مبارزه و برای تداوم رهبری صحیح و موثر، مبارزه کارگران بطور کلی هسته های مخفی مشتمل از آگاه ترین و با تجربه ترین عناصر فعال جنبش کارگری بوجود آید. در حال حاضر در بسیاری از واحدهای تولیدی مبارزه کارگران عملاً توسط همین هسته های رهبری میشود. تعداد نقش و اهمیت هسته های مخفی فعال کارگری در جنبش کارگری ایران روبه افزایش است. در این هسته های بسیاری از فعالین کارگری که وابستگی سیاسی و سازمانی خاصی ندارند نیز شرکت می کنند... ایجاد و تقویت این هسته های در ایجاد، حفظ و گسترش تشکلهای علنی کارگری و هدایت آن در سمت منافع طبقه کارگر نقش جدی دارد. ما در وضعیتی قرار گرفته ایم که جنبش منفی - طبقاتی کارگران ایران عملاً نیازمند تلفیق هشیارانه فعالیت مخفی و علنی است. بدون هریک از این دو، دیگری ناکافی و ناتوان است.

سرونشت جنبش انقلابی خلق ما در آخرین تحلیل با پیشرفت تلاش ما برای سازمانیابی منفی و سیاسی طبقه کارگر ایران گره میخورد. خط مشی و برنامه سازمان با هدف استراتژیک پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و هدایت کشور توسط نیروهای ملی و دموکراتیک در جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی که از طریق فعالیت وسیع تبلیغی و افشاگرانه اعضا و هواداران سازمان در جامعه عرضه میشود، عمله ترین عامل و خانم پیشرفت این تلاش ماست.

چهار سال پیش از این زمانی که رژیم حاکم واگذاری املاک بزرگ مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین را مغلق کرد، مبارزه توده دهقانان علیه بزرگ مالکی تشدید شد. از دو سال پیش که سران مرتع جمهوری اسلامی، بزرگ مالکان قراری را تحت بناء

یکی از محکمترین دوامی انقلاب از نیروهای انقلابی و متفرقی بود. ظاهراً چنین بنظر میرسد که ارتیاج حاکم در تسخیر دانشگاه موفق بوده است. لکن با اطمینان باید گفت دانشگاه همچنان آتشزیر خاکستر است. مبارزه انقلابی و جنبش دانشجویی چنان در دانشگاه ریشه کرده است که برای ریشه کن کردن آن فقط باید خود دانشگاه را از دل جامعه ریشه کن کرد. بیمهوده نبود که ارتیاجی ترین جناح های حاکم صراحتاً تلاش کرده اند. دانشگاهها را برای همیشه تعطیل نگاهدارند. اما علیرغم تبعیغ تسفیه جنون آمیزی که منجر به اخراج هزاران دانشجوی ترقی خواه شد، علیرغم قتل عام بیسابقه هزاران دانشجوی ترقی خواه و علیرغم سیطره جو خفغان و پلیسی و کسیل بدون کنکور و خودسرانه هزاران عنصر وابسته به ارتیاج تحت عنوان دانشجو به دانشگاهها با اطمینان باید گفت که مبارزه انقلابی از نو در دانشگاهها جوانه میزند و از ریشه می روید.

دور نیست زمانی که جنبش دانشجویی نیز دوباره قدر افزاد و جنبش کار گری، مبارزه دهقانان و پیکار زنان و دیگر نیروهای اجتماعی رامدد کار گردد. سران رویم البته تلاش میکنند جلوی این روند را بگیرند. آنها در این راه گستاخی را به حد کمال رسانیده اند. لغو کامل اعتبار کنکور و رو دی و گریشن دانشجو از طریق «محاکمه شرعی» داوطلبین و برائت از داشتن هر نوع فکر و گرایش متروقی، تدوین آئین نامه انصباطی فاشیستی علیه دانشجویان که سندي فوق ارتیاجی و به غایت ضد دانشجویی است و بالاخره تشکیل رسمی دو شعبه دادگاه در دیوان عالی کشور برای صدور حکم قطعی اخراج برای دانشجویان «فالد المقیده» از بارزترین نمونه های این تلاش رژیم است.

آنچه را که در مورد دانشگاهها گفتیم باید در مورد مدارس نیز تکرار کنیم. با این تفاوت که در مدارس و در برخورد با نوجوانان رژیم می کوشد علاوه بر حریه سرکوب از حریه فریب بیش از هرجای دیگر استفاده کند. تبلیغ افکار ارتیاجی بویزه «تبلیغ جنگ» عملاً بخش مهمی از وقت مدارس را به خود اختصاص داده است. اینکه بنایه اعتراف خود حکومت ۵۳ درصد افراد بسیج را مصلیں تشکیل میدهد. اینکه در دو ساله اخیر در بسیاری از کلاس ها بیش از نیمی از شاکردان در جبهه شهید شده اند، از نفرت انگیزترین اسناد اقدامات ضد مردمی و ضد انسانی ارتیاج حاکم است.

با اینحال دانشجویان و دانش آموزان حقایق کشور را در کمیکنند. برای آنها برای اکثریت عظیم تمام جوانان، جمهوری اسلامی بیش از پیش جاذبه خود را از دست میدهد. هم اکنون نیروهای دانشجویی و دانش آموزی در مبارزه علیه ارتیاج حاکم بویزه علیه جنگ و اختناق نقش جدی دارند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره درهدایت مبارزه نیروهای جوان نقش فعال داشته است. در سالهای اخیر دمہا هزار نفر از آگاهترین و پیکرترین و انقلابی ترین جوانان کشور، تحت رهبری سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) فعال ترین نقش ها را در مبارزه توده های دانشجو و دانش آموز بر عهده داشته اند. لازمه

بحر آن وسیعی فرازروید. ما باید علاوه بر مبارزه علیه بزرگ مالکی این وجهه مبارزه و مطالبات دهقانان را نیز مورد توجه جدی قرار دهیم. سازمان ما همواره افتخار آن را داشته که سنگر مطمئنی برای احراق حقوق زنان باشد، زنان فدائی که بیش از یک سوم کل اعضای سازمانند. همیشه یکی از فعلاترین نیروها در کار توده ای در میان زنان بوده اند. دیدگامها و اقدامات قرون وسطایی رژیم و تهاجم کین توزانه آن علیه حقوق و شخصیت زنان، نیروی مقاومت بالقوه وسیع و نفرت ریشه داری را در میان آنان ایجاد کرده است. جنبش انقلابی میهن ما می تواند و باید به این نیرو تکیه کند و آنرا مستشکل سازد. تشکل های توده ای زنان در شرایط فعلی البته کوچک و پراکنده اند. اما قادرند در مقابل یورش رژیم مقاومت کنند و نقش و تاثیر عملی قابل ملاحظه ای در جنبش اعتراضی خلق داشته باشند.

مبرازه علیه تبعیضات وحشتناک در زمینه حقوق زن در خانواده و در جامعه که قدم به قدم توسط حکام مرتعج جمهوری اسلامی اعمال می شود، مبارزه علیه توپه راندن زنان از محیط فعالیت اجتماعی و تولیدی به کنج خانه، علیه محروم کردن زنان از امکانات آموزشی، علیه ممنوعیت اشتغال زنان در مشاغل حساس و مهم، مبارزه علیه اجبار زنان به پوشیدن لباس مورد پسند ارتیاج همه و همه اجزائی لاینفک از جنبش دموکراتیک و همکانی خلق علیه ارتیاج حاکم است. ما میتوانیم در این مبارزه نقش باز هم فعال تری بر عهده گیریم.

امروز سیاست ضد دموکراتیک و به غایت ارتیاجی هیات حاکمه بحر آن اجتماعی حاجی را در جامعه ما دامن زده است. کسترش بی سابقه اعتیاد، فساد اخلاقی، جنایت و خشونت، رشد لجام کسیخته ارتشاء و اختلال و سوء استفاده از قدرت، افزایش سراسام آور تعداد بیسواندان، ترویج رسمی فرهنگ ستیزی و هنر ستیزی و لکدکوب کردن میراث غنی فرهنگ ایرانی، رواج کستاخانه «فرهنگ» تزویر و دروغ و ریا و خرافات در جامعه ترویج رفتار بغاایت اهانت بار و بیشرمانه بازنان، تشدید بیم و نکرانی نسبت به آینده و احساس اضطراب و عدم امنیت در تمام زمینه ها، عدمه ترین مظاهر و پیامدهای حاد این بحر آن اجتماعی است. سیاستها و اقدامات قرون وسطایی هیات حاکمه عامل اصلی حدت بین بحر آن است.

این سیاستها و اقدامات خشم و نفرت توده های وسیع خلق، کارگران و دیگر جمیکشان و بیش از همه روشنگران خلقی را برانگیخته و نیروی مقاومت وسیعی علیه ن ایجاد کرده و پایان دادن به آن را به سطح یک خواست عام دموکراتیک فرازوریانده است. سازمان ما باید افشاء بی امان این انتظام اخلاقی، معنوی و فرهنگی را که ارتیاج کانات بسیار مساعد و هم از ضرورت حتمی برخوردار است.

هدف رژیم از فاجعه جنایت باری که نام «انقلاب فرهنگی» بر آن نهاد و از وقفه ه ساله در کار دانشگاهها، سرکوب جنبش دانشجویی ایران و گرفتن سنگر دانشگاه

در این راه مهد شیوه‌های تبلیغ کتبی و شفاهی، مستقیم و غیر مستقیم را به مبتکرانه تربیت شکل ممکن هرچه وسیع‌تر بکار گیرد. کار سیاسی فعال در میان اقتدار گوناگون جامعه، هدایت مبارزه روزمره آنان و تلاش برای بالابردن سطح تشکل توده‌های خلق وظیفه مبرم عناصر پیشو ار انقلابی در این مرحله از پیشرفت جنبش خد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ماست. سازمان در انجام این وظیفه به نیروهای خود رهنمود داده است که در زمینه افشاگری سیاسی، بودن شعارها و مواضع مهم سازمان بویژه از طریق پخش تراکت و شعار بوسیله و در زمینه کار توده‌ای در میان تمام اقتدار خلق بویژه کار در میان توده‌های کارگری را در مرکز توجه خود قرار دهد.

هرگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) موفق شود مبارزه در راه حفظ و تحکیم وحدت پیش‌امنگ طبقه کارگر و مبارزه در راه بسط همکاری، اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و خد امپریالیستی کشور و اتحاد آنان در جبهه متحد خلق را با انجام وظایف فوق گره زند و هم‌امنگ سازد، آنگاه با اطمینان باید کفت عمر این روزهای تیره و تاری که بر خلق ما تحمل می‌شود بسیار کوتاه تر از آن خواهد شد که سران رژیم می‌پندارند.

افزایش این نقش تقویت سازمان جوانان و توجه جلدی‌تر رهبری سازمان به مبارزه و مسائل جوانان است.

زمامداران جمهوری اسلامی در رابطه با مساله فعالیت سیاسی پرسنل نیروهای مسلح از روش مزورانه‌ای پیروی می‌کنند. آنها از یک طرف فتوای مذهبی افراد ارتشد و سپاه نباید در احزاب و سازمان‌های سیاسی وارد شوند و از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی را مستثنی می‌کنند و ارتشد و سپاه را جولانگاه تبلیغات ارتجاعی و انحرافی عمال این حزب ساخته‌اند. مترجمین حاکم علیه فعالیت انقلابی در صفوف نیروهای مسلح کینه توزانه عمل می‌کنند. آنها سال گذشته ده نفر از شریف تربیت فرماندهان و افسران را به جرم وفاداری به میهن و انقلاب ناجوانمردانه به جوخدام اعدام سپردند و طبق اعلام حاکم شرع دادگاههای نظامی حدود ۲۰ نفر از پرسنل ارتشد نیز به داشتن گرایش انقلابی در جهت مواضع سازمان ما متهم و دستکیر شده‌اند. آنها در عوض ارتجاعی تربیت عناصر وابسته به حجتیه و سلطنت طلبان را به کارفاخرخواندند و به پست‌های حساس کماردند. رکن دوم ارتشد را با همان پرسنل و با همان وظایف دوباره احیاء کرده‌اند. لکن هیچ‌یک از این اقدامات نتوانسته است رهبران حکومت را به مقصود برساند. ایده‌ها و موالح انتقلابی در میان نیروهای مسلح نفوذ می‌کنند. در ارتشد و در سپاه مخالفت با ادامه جنگ و دیگر سیاست‌های حاکمیت گسترش روز افزون می‌یابد.

آیت الله خمینی سپاهیان پاسدار و ارتشدیان را مکررا تهدید می‌کنده افکار سابق را از سر برداشته و الا با آنها نیز همان خواهد کرد که با دیگران کرده است. با این حال نارضائی و عدم اعتماد به حقانیت و صلاحیت رهبران جمهوری اسلامی و تمایل بشرط در مبارزه انقلابی خلق در نیروهای مسلح کشور یک پدیده روبه رشد است.

برای سرنوشت کشور و انقلاب اهمیت حیاتی دارد که پرسنل نیروهای مسلح در هر سطح و به هر سمعتی که ممکن است به خلق وفادار باشند و از دست آوردهای انقلاب دفاع کنند. در این رابطه ختنی کردن تبلیغات و تمیدات ارتجاع حاکم و ترویج افکار و مواضع ترقی خواهانه در صفوف نیروهای مسلح کمال اهمیت را دارد. سازمان مأ علیرغم تلاش‌های مذبوحانه ارتجاع که می‌کوشد از نفوذ و رخنه اندیشه‌ها و افکار انقلابی به صفوف نیروهای مسلح جلوگیری کند، همواره با تمام نیرویه این وظیفه ملی، انقلابی و میهن پرستانه خود عمل کرده و خواهد کرد.

رفقا!

بررسی‌های فوق، که جهات مختلف اوضاع کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار اد نشان می‌دهد که در مرحله کنونی مبارزه برای بیان دادن به حاکمیت ارتجاع بر شور و استقرار دولت ملی و دمکراتیک مستلزم تدارک نیروی کافی است و وظیفه مبرم ا در این راستا قبل از همه بسط و توسعه هرچه بیشتر افشاگری سیاسی است. سازمان باید

فعالیت سازمان در فاصله دو پلnom

رفقا ۱

کمیته مرکزی و کادرهای اصلی یکرشته تدبیر حفاظتی خاص را به اجزا گذاشت. هدف این تدبیر از بین بردن و بی اثر کردن اطلاعات گرد آوری شده توسط رؤیم درباره محل کار و زندگی و مراکز فعالیت دستگاه رهبری و از بین بردن امکان ضربه به دستگاه رهبری سازمان بود.

در این دوره نفوذ فعالیت سازمان در محیط‌های کارگری تقویت شد و سازمان پیوند موثری با مبارزه کارگران و تشکلهای آنان برقرار کرد. کسترش این پیوندها در افزایش سهم کارگران در میان اعضای سازمان تأثیر داشت. در پایان سال ۶۱ سهم کارگران در میان کل اعضا به ۲۰ درصد رسید. رشد سازمان جوانان نیز چشمگیر بود. به گونه‌ای که شمار اعضای آن باشمار اعضای سازمان برابر گردید. سهم زنان در میان اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حدود ۳۳ درصد و در سازمان جوانان نزدیک به ۵۰ درصد بود. زنان همواره در سازمان ما چنین سهم قابل ملاحظه‌ای گذاشته‌اند.

در دوره مورد گزارش مناسبات و همکاری میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران بسط و کسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. هیات سیاسی در این زمینه قطع نامه پلنوم‌های اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ را راهنمای قرار عمل خود بود. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که بویژه اجرای قطع نامه پلنوم مرداد ۶۰ که «مشاوره و همکاری» میان دو سازمان را مورد نظر قرار میداد در نزدیکی و یکانگی نیروهای سازمان و حزب نقش قاطعی ایفا کرد.

باتهاجم جنایتکارانه و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران و تغییر بنیادین شرایط فعالیت سازمان، هیات سیاسی بلافاصله یکسلسله تدبیر عاجل درجهت حفاظت جدی‌تر دستگاه رهبری سازمان و تامین امنیت کادرهای اصلی اتخاذ نمود. هیات سیاسی مهمترین وظیفه تمام سازمان را تلاش در راه تامین شرایط ادامه کاری رهبری و حفظ کادرهای مسئول سازمان قرار داد. شکل کار حوزه‌ها و کمیته‌های سازمانی درجهت تطبیق با شرایط تازه تغییر کرد. تغییرات بنیادین در نحوه سازماندهی و ارتباطات نیروهای سازمان و برای تقویت مقاومت در برابر تشدید فشار و پیگیرد پلیسی در دستور کار عاجل رهبری قرار گرفت. در اینجا بار دیگر باید تاکید کرد که فدآکاری و کار ایثارگرانه اعضاء و هواداران سازمان، در زمینه تامین امنیت کمیته مرکزی و کادرهای مسئول آن و در ختنی کردن نقشه‌های رژیم علیه سازمان نقش بکلی بی‌پلی ایفا کرد.

رژیم برای نابودی قطعی سازمان ما نقشه‌های دور و درازی را در سوداشت. عمل اوین در تابستان و پائیز گنشته بر اساس اطلاعاتی که مدتی برای گردآوری آن تلاش کرده بودند پورش وسیعی را برای بدام انداختن کمیته مرکزی آغاز کردند. آنها وسیع ترین عملیات تعقیب و مراقبت و حداکثر استفاده از شکنجه اسیران را برای رسیلن به نیت پلید خود بکار گرفتند. این پورش عملا هیچ نتیجه چشمگیری برای آنان نداشت. با این همه رژیم طی سه ساله اخیر به تدریج موفق شده است چند نفر از اعضاع مشاورین کمیته مرکزی و عده بیشتری از کادرهای مسئول سازمان را اسیر سازد و مورد وحشیانه

گزارش فعالیت تشکیلاتی، هیات سیاسی دو دوره کاملا مقاومت را منعکس می‌کند. در دوره اول که تا پایان سال ۶۱ ادامه می‌یابد، امر کسترش نوسازی و تحکیم سازمان های حزبی در سراسر ایران و انتباط هرچه بیشتر آنان با موادین لینینی زندگی حزبی که در فاصله دو پلنوم مرداد ماه ۶۰ و خرداد ماه ۶۱ پیش رفته بود، همچنان ادامه یافت.

در این دوره وسیع ترین عضوگیری در تمام طول تاریخ سازمان بانجام رسید. طی این عضوگیری، وضعیت سازمانی کلیه نیروهای تشکیلات، برنامه‌ی برنامه و اسناد سازمان روشن گردید.

طی این دوره کمیته‌های ایالتی سازمان تماما بازسازی شدند. سازمان ایالتی تهران و کمیته رهبری آن به متابه نیرومندترین و مهمترین تشکیلات ایالتی سازمان، کمیته‌های نواحی آن و کمیته‌های بخش‌های تابع هرناحیه نیز تجدید سازمان یافته یا تشکیل گردیدند. کمیته‌های شهر یا هیات‌های مسئولین موقعت در شهرهای مختلف ایران بازسازی و یا تشکیل گردیدند. بدین ترتیب در این دوره سازمان موقق شد در ۱۵۰ شهر یعنی اکثریت قریب به اتفاق شهرهای ایران، تشکیلات خود را مستقر سازد.

در این دوره تشکیلات جوانان سازمان بر اساس اسناد سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) مصوب خرداد ماه ۶۱ تجدید سازمان یافت و بنام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) فعالیت خود را در سراسر ایران کسترش داد. سازمان جوانان هزاران فدائی جوان را به عضویت پذیرفت و در خود سازمان داد. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که در سالهای ۶۰ و ۶۱ هیات سیاسی متاسفانه با مراعز نیروی کافی برای ایجاد و کسترش سازمانهای خارج از کشور توجه کافی مبنول نداشت.

پیشرفت کار وسیع سازمانگرانه در این سالها که علیرغم جوشید فشار و حفغان و تضییقات روزافرون دستگاههای سرکوب رژیم علیه سازمان، صورت گرفته است پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بشمار می‌رود.

نظر به تغییر اوضاع سیاسی کشور پس از بحران حاد سال ۶۰ و استقرار دستگاه های سرکوب رژیم، هیات سیاسی به منظور تامین امنیت تشکیلات بویژه امنیت اعماق

از همه مهمتر انتشار دوره جدید نشریه «کار» ارگان کمیته مرکزی سازمان است. «کار» پس از دو سال وقفه از نو انتشار یافت و در کار بسیج و تجهیز نیروهای سازمان نقشی حیاتی بر عهده گرفت. هم اکنون همه ماهه «کار» به کوشش خلاقانه واحدهای تشکیلات در هزاران نسخه چاپ و در سراسر کشور توزیع میشود. در حال حاضر کار یگانه نشریه انقلابی در ایران است که در این شرایط خفغان و سرکوب در ایران از نظر انتشار مرباید.

این سطح وسیع منظماً انتشار می‌یابد. در شرایطی که روزیم به دروغ مدعی است همه سازمانهای انقلابی را نابود کرده و آنقدر نیرومند است که کسی را یارای اعتراض نیست. بخش وسیع تراکتها، اعلامیه‌ها و دیگر موضعگیرینهای سازمان هر روز اهمیت بیشتری کسب می‌کند. هیات سیاسی با توجه به اهمیت تبلیغ به میله تراکت و هم چنین شعار نویسی و پخش اعلامیه در این زمینه رهنمودهای خود را به تیروهای سازمان ابلاغ کرده است. واحدهای تشکیلات و توده وسیع هواداران از این رهنمود استقبال کرده‌اند. هم اکنون تلاش‌های فداکارانه اعضاء و هواداران سازمان نام پرآختار سازمان ما، نام سازمان فدائیان خلق ایران (اکبریت) را در چنین توده‌ای رحمتکنیان می‌نمانم طبیع افکن می‌سازد و نقش و تاثیر آن را در روند و بادها گسترش میدهد.

رویدادها نتیجه میدهد. با اینحال باید کفت علیرغم همه کارهای انجام شده در این زمینه هنوز باید کارهای زیادی انجام دهیم. مسئله مهم در این زمینه یافتن راههای گسترش دامنه و افزایش بازده فعالیت تبلیغی در این شرایط خفقان است. فعالیت تبلیغاتی در خارج از کشور نیز در طول دو ساله اخیر گسترش یافته است. نشریه «اکثریت» با محتوای تبلیغی سیاسی بطور هفتگی منتشر می‌باید و در سطح بیش از بیست کشور جهان توزیع می‌شود. ترجمه مهمترین موارض اعلام شده سازمان نیز در کشورهای مختلف در

اختیار نیروهای ترقی حواه فرار می بیند. در دوره مورد گزارش به دلیل شرایط موجود در زمینه انتشار نشریات ترویجی کار چشمگیری صورت نگرفته است. در این رابطه فقط باید از نشریه «آموزشیایی از انقلاب و سوسیالیسم» نام برد که پس از خود یکسال وقفه از اوایل سال جاری مجدد انتشار یافته است. هیات سیاسی تلاش می کند فعالیت ترویجی سازمان را در جهت پاسخ گیری به نیازهای حنین و سمعت بخشند.

تویی به پیرامی پیشنهاد می‌کرد که این سیاستها و فعالیت‌های سیاسی کمیته مرکزی چنین است سیمای عمومی ارزیابی‌ها، سیاستها و فعالیت‌های سیاسی کمیته مرکزی در دوران مورد گزارش از جانب هیات سیاسی از توجه کمیته مرکزی به گزارش هیات سیاسی تشکیل شده باشد؛ حتیکثیر این سیاست را آزادی، رفاه آرزو و میکنم.

پیروز باد مبارزه مردم ایران در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرگ بر امپریالیسم و ارتقای

تربیت شکنجه‌ها قرار دهد. از برخی از رفقاء اسیر، از جمله رفیق آتوشیروان لطفی از یکسال پیش تا امروز کوچکترین اطلاعی انتشار نیافتد است. تشکیل این پلنوم با حضور اکثریت قاطع اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی نشان میدهد که علیرغم بکارگیری همه حربه‌ها، رژیم در دستیابی به اهدافی که علیه سازمان ما فراروی خود را در داده بود، شکست خورده است.

در طول سالهای ۶۲ و ۶۳ توجه عمده رهبری در زمینه مسائل سازمانی به کار بست اشکال مناسب سازماندهی و ارتباطات تشکیلات سازمان در سراسر ایران معطوف بوده است. این روند هم چنان در حال پیشرفت است. ایجاد تغییرات ضرور در ساخت سازمانی و حفاظت نیروها از دستبرد پلیس بیشترین نیرو و انرژی کمیته‌های تهران و شهرستانها، ادر ده سال اخیر به خود اختصاص داده است.

پیشرفت موفقیت آمیز فعالیت سازمانگرانه در دو ساله اخیر مقاومت تشكیلات را در برابر یورش‌های رژیم افزایش داده و شرایط فعالیت توده‌ای، تبلیغاتی و سارمان-گرانه را برای واحدهای سازمانی نیز حفظ کرده است. با این وجود، در امر رهبری تشكیلات نقش‌هایی وجود دارد، هنوز باید مشکلات زیادی را حل کرد.

و اقیانات نشان می‌لهد که سازمان ما کامیابی‌های بسیار چشمکیری در عرصه فعالیت سازمانی بدست آورده و توانسته است نقشه‌های دشمن را برای نابودی دستگاه رهبری سازمان و درهم شکستن تشکیلات آن خنثی سارد. حفظ دستگاه رهبری سازمان از گزند دشمن که برای تداوم فعالیت آن دارای اهمیت حیاتی است، پیروزی بزرگ جنبش کارگران و کمونیستی ایران است.

١٦

باتضییر اوضاع و یورش سرکوبگرانه رژیم طی دو سال اخیر و ظایفبس سنگین تری در زمینه فعالیت تبلیغی و ترویجی بر عهده سازمان قرار داشته است. در این دوره تجزیه و تحلیل روندها و تحولات اوضاع سیاسی و مستگیری و سیاست حاکمیت، و ظایفسا در زمینه افشاری آن، اهمیت کاملاً ویژه‌ای داشت. هیات سیاسی در این شرایط حاد به این وظیفه خطیر خود عمل کرد. در این رابطه بلافضله هیات سیاسی دور تازه‌ای از فعالیت تبلیغی و ترویجی را آغاز کرد. «بولتن داخلی» که در آن زمان یکانه تریبون بیان مواضع و نظرات سازمان بود. تا پائیز ۶۲ متد او ما انتشار می‌یافتد و در سراسر کشور توزیع می‌گردد. بعلاوه اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کمیته مرکزی درباره حادترین مسائل کشور در دوره مورد گزارش در پاسخ گویی به نیازهای جنبش انتشار یافته و توسط نبپروهای سازمان به میان مردم برده شده است. بعلاوه در یکسال اخیر دو مصاحبه مهم تحت عنوان «مسائل انقلاب و مواضع ما» در شهریور و در بهمن ۶۲ نیز انتشار یافته و در سراسر کشور به وسیع ترین شکل ممکن جاپ و پخش شده است. این مصاحبه‌ها در توضیح رویدادهای کشور و تجهیز نیروها نقش موثری داشته است.

«قطعنامه در باره اوضاع جهان»

شوری از مبارزات مردم کشورهای تحت سلطه وسیعاً پشتیبانی می‌کند و به ملل رها یافته در پیشرفت اجتماعی و ساختمان جامعه نوین یاری میرساند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مساعی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در راه حفظ صلح جهانی و قطع مسابقه تسلیحاتی و خلخ سلاح همکانی، در پشتیبانی قاطع او مبارزه بر حق خلقها در راه رهائی ملی و پیشرفت اجتماعی و از ساست لنینی همزیستی مسالمت آمیز آنان قاطعانه حمایت می‌کند و جنگ صلیبی ریگان علیه کمونیسم و اتحاد شوروی را شدیداً محکوم می‌نماید.

۴ - مبارزه در راه صلح، حفظ تمدن جامعه بشری و حق انسان برای زیستن به جزء لاینفک استراتژی انقلابی تبدیل گردیده است. کمونیستها رسالت تاریخی خود می‌دانند توده‌های مردم را از خصلت عمیقاً ضد بشری جنگ وحدی بودن خطر شعلهور شلن آن آگاه و همه نیروها را علیه آن بسیج و متخد سازند. جنبش صلح و مبارزه در راه محدود کردن سلاحهای هسته‌ای دامنه و عمق بیشتری پیدامی کند و طیفه‌ای جدید از نیروهای اجتماعی به آن می‌پیوندند. تناسب نیروها در مقیاس جهانی به سود تقویت مواضع مدافعان صلح همچنان در حال تغییر است.

۵ - رویدادهای جهان امروز حاکی از آنست که بحران عمومی سیستم جهانی امپریالیستی بیش از پیش روبه حلت می‌رود تفاضل بین کشورهای امپریالیستی در گستره مای مختلف اقتصادی سیاسی تشید می‌شود. بیکاری در این کشورها اوج جدیدی یافته و در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت به رقم بیسابقه ۲۳ میلیون نفر در سال ۱۹۸۳ رسیده است. سرمایه‌داری انحصاری بر حقوق و منافع رحمتکشان یورش می‌آورده، از هرینهای تامین اجتماعی می‌کاهد و اتحادیه‌های کارگری را تحت فشار قرار می‌لهد. در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفت مبارزات کارگران علیه سیاستهای ارتقای سرمایه‌داری انحصاری در حال گسترش است.

۶ - موقفيت و پیروزیهای سوسیالیسم جهانی در حال گسترش است. اقتصاد کشورهای سوسیالیستی با رشد موزون و بلون بحران به پیش می‌رود. سیستم جهانی سوسیالیسم گسترش می‌یابد و دمکراسی سوسیالیستی تکامل ییدا می‌کند. زندگی رحمتکشان برایر پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود بازهم بیشتری می‌یابد. در کشورهای سوسیالیستی مردم به آینده خود با اطمینان می‌نگرند.

۷ - مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی در کشورهای رشد یابنده گسترش می‌یابد. رژیم‌های دیکتاتوری و فاشیستی متزلزل شده و تکیه‌گامهای خود را از دست می‌دهند. ملل رهائی یافته در جهت تشییت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابیان گامهای بلندی به پیش بر میدارند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مبارزات مردم السالوادور، شیلی، نامیبیا، صحراء، آفریقای جنوبی، پاکستان، فیلیپین و بنکلاڈش برای سرنگونی ریزیمهای دست نشانده عمیقاً پشتیبانی می‌کند و توطئه‌های امپریالیسم جهانی برای درهم شکستن

۱ - امپریالیزم جهانخوار آمریکا بدرس کردگی دارو دسته ریگان، به متابه همارترین و تجاوز کارترین جناهای وابسته به انحصارات صنعتی - نظامی آمریکا و متخدین آن در ناتو با تشید مسابقه لجام کسیخته تسلیحاتی و با استقرار موشکهای میانبرد در خاک کشورهای اروپای غربی می‌کوشند جهان را به لبه پرتگاه جنگ هولناک هسته‌ای سوق دهند. امپریالیزم جهانی بسر کردگی امپریالیزم آمریکا بدینوسیله میخواهد از شتاب روز افزون دگرگونیهای بنیادی در جهان بکاهد، و به برتری نظامی بر اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی نائل آید، مواضع از دست داده را باز پس گیرد و هژمونی خود را بر جهان مسلط گرداند.

۲ - امپریالیزم جهانی بسر کردگی امپریالیزم آمریکا برای سرکوب جنبشیهای رهائی بخش و برای سرنگونی حکومتهای ملی و مترقی و تحمل اراده خویش به خلقهای آنها، تجاوزات خود را در آمریکای مرکزی، خاورمیانه و در دیگر مناطق جهان تشید

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سیاست جنگ افزوغانه و تجاوز کرانه امپریالیزم آمریکا را قویاً محکوم می‌کند. جنایات و توطئه‌های امپریالیزم آمریکا در منطقه و جهان علیه استقلال و آزادی خلقها را افشاء می‌کند و چهره واقعی امپریالیزم جهانی بسر کردگی امپریالیزم آمریکا را بمتابه دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان برای توده‌های مردم آشکار می‌سازد.

۳ - اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خواهان حفظ و تحکیم صلح جهانی هستند و می‌کوشند از گسترش مسابقه تسلیحاتی و تشید تشنج جهانی جلوگیری کنند. آنها خواهان بسط مناسبات دوستی و همکاریهای سازنده میان کشورهای دارای نظامهای گوناگون اجتماعی هستند. جامعه کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد

«قطع‌نامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران»

- ۱ - انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی - ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت و سیعترین افشار خلق. اشکال مبارزه و خواستهای مبتنی بر تأمین عدالت اجتماعی یک انقلاب مردمی بود.
- ۲ - انقلاب در مرحله سیاسی متوقف نماند. اقدامات ضد سرمایه‌داری در این انقلاب کسترش نیافت و تعرض عليه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی به الغاء آن منجر نشد.
- ۳ - با پیروزی انقلاب، رژیم شاه به متابه زاندارم امپریالیسم و نماینده کلان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم سرنگون شد. جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت نهضت آزادی و برخی از جریانهای مشابه تشکیل گردید. بخشی‌ای دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی ایران مشارکت کردند.
- ۴ - در آستانه انقلاب روحانیت پیرو خمینی به لحاظ طبقاتی طیف گسترده و ناهمگونی را دربر میگرفت که سمتگیری آن بطور عمد منافع بورژوازی ملی، خرده بورژوازی و لایه‌هایی از رحمتکشان شهر و روستا را منعکس میگرد.
- ۵ - روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی با خوده بورژوازی سنتی، بورژوازی تجاری بازار و ملاکان محکم‌ترین پیوندها را داشته است. روحانیت حاکم که حامل گرایشات طبقاتی معتقد بود، در عین حال به متابه یک قشر اجتماعی برای تأمین منافع خود، مذهبی کردن ساخت دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور تلاش میکرد.
- یک بخش از روحانیت حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی اقتصادی علیه کلان

حکومتهاي انقلابي کوبا، نيكاراگوا، كامبوج، اتيوبى و آنکولا و دیگر کشورهاي مستقل و مترقي و تجاوز وحشيانه به گرانادا را بشدت محکوم کرده و از تلاش دولت و مردم اين کشورها در پي ريزی جامعه نوين قويا حمايت مي کند. جنبش عدم تعهد در عرصه بين الملل اهميت بيشتری كسب مي کند. سازمان فدائيان خلق ايران (اکثريت) از جنبش علم تعهد و از يكپارچگي آن فعالانه پشتيبانی مي کند.

۸ - پيکار سرخтанه ميهن پرستان لبنان و رزمندگان فلسطين و ايستادگي و پايداري دولت سوريه، آمريكا و متدين آنرا مجبور کرد که نيروهای خود را از خاك لبنان برون برند و قرارداد ننگن لبنان - اسرائيل ملغى اعلام گردد. اين امر يكپيروزی تاریخي برای مردم لبنان و خاورمیانه و يك شکست فضاحت بار برای امپریالیسم آمريكا و دولت صهيونیستی اسرائیل بشمار مي آيد. سازمان ما از پيکار قهرمانانه ميهن پرستان لبنان عليه اشغالگران عميقاً پشتيبانی مي کند.

سازمان فدائيان خلق ايران (اکثريت) معتقد است که خروج تمام نيروهای اسرائیل از سرزمين هاي اشغالی اعراب و شناسائي حق ملت فلسطين برای تشکيل دولت مستقل خود خواست بحق خلق فلسطين و يگانه راه حل واقعی مسئله خاورمیانه است.

۹ - جنبش خلق فلسطين هم اکنون در معرض خطناکترین توطئه هاي تفرقه افکنانه امپریالیسم و صهيونیسم قرار دارد. سازمان فدائيان خلق ايران (اکثريت) که همواره دفاع پيکير آرمان خلق فلسطين بوده است اين توطئه ها را محکوم مي کند و ضمن ارجاع کذاري به تلاشهای سئولانه سازمانهای چپ فلسطين برای تأمین وحدت صفواف رزمندگان فلسطينیها، از سازمان آزادبخش فلسطين بعنوان تنها نماینده مردم فلسطين قويا پشتيبانی مي نماید.

۱۰ - انقلاب ثور افغانستان على رغم دشواریهای عظیم که زائیده دسایش امپریالیسم و کملکهای دول منطقه بویژه دولت نظامی پاکستان و ارتجاج ایران به باندهای جنایتکار است، با موفقیت به پیش می‌رود. پایگاه خود را مستحکم می‌سازد و به دستاوردهای جدید نائل می‌آید. سازمان ما از مبارزه مردم افغانستان به رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان برای ساختن کشوری آزاد و آباد با تمام نيرو پشتيبانی مي کند و جنگ اعلام نشده امپریالیسم آمريكا و مزدوران آنرا عليه دولت انقلابي افغانستان محکوم مي کند.

۱۱ - امپریالیسم آمريكا بادامن زدن به جنگ فرسايشي و خانمان براذردار ایران و عراق حضور نظامي خود را در خليج فارس، دريای عمان و اقیانوس هند گسترش ميدهد. دولت ریگان با دستاويز قرار دادن امنیت کشتيراني در خليج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خليج فارس و دريای عمان مستقر ساخته است. اين نيروهاها باید فوراً از منطقه خارج شوند. اقیانوس هند و خليج فارس باید بمنوان منطقه صلح و عاري از سلاحهای مستهاد اعلام گردد و اختلاف میان کشورهای منطقه بدون دخالت امپریالیستها و بطرق مسالمت آميز ما بين طرفین حل و فصل شود.

خواهان حفظ استقلال کشور و یا انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مستند. در حال حاضر موقعیت این نیروها در حاکمیت محدود و محلودتر می‌شود، اما قادرند در راه تعریض ارجاع حاکم موافق پدید آورند و تأثیرات معینی بر سیاست کشور بجا گذارند.



سرمایه‌داری و بزرگ مالکی بود. بخش دیگر مجданه می‌کوشید کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی حفظ گردد.

نقش ویژه آیت الله خمینی این بود که برای حفظ جمهوری اسلامی سیاست‌مانور میان جریانهای درون حکومت را دنبال میکرد.

۶ - در اثر مبارزه طبقاتی حادی که در سالهای پس از انقلاب در کشور و در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جریان داشت، ترکیب و تناسب نیروها در حاکمیت دستخوش تحول گشت.

پس از انقلاب نظر به نقش تعیین کننده توده‌های قیام کننده در توازن نیروها که بسود نیروهای خد امپریالیستی، خد بزرگ مالکی و خد کلان سرمایه‌داری در حاکمیت تأثیر می‌گذاشت و حضور فعال سازمانهای خد امپریالیست و مردمی که در گسترش چو انقلابی در جامعه نقش جلی داشتند نیروهای مدافع انقلاب در حکومت نیروی برتر محسوب می‌شدند و تعریض انقلاب به مواضع ارجاع سرنگون شده ادامه داشت.

زیر تأثیر مجموع عوامل یاد شده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب به اقدامات مثبت و مردمی دست رد.

۷ - امپریالیزم و جریانهای وابسته به آن و نیز نیروهای اجتماعی و راستگرای درون حکومت که بر زمینه رشد و تقویت سرمایه‌های بزرگ تجاری مواضع خود را مستحکم میکردند در اوائل سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ همراه با جریانات قشری حداقل تلاش خود را برای تشدید خصوصیت و تفرقه بین نیروهای ترقیخواه کشور بکار گرفتند. این توپه در کنار توپه امپریالیستی تحمیلی جنگ به نابودی بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای ترقیخواه کشور و تقویت نیروهای راستگرا و محافظه‌کار در حکومت منجر گردید.

۸ - با گسترش روند فوق همراه با گسترش مغرب سیاست ادامه جنگ در فرسودن نیروهای مدافع انقلاب، پس از دفع نیروهای متغیر در نیمه دوم سال ۶۱ آیت الله خمینی نیروهای راستگرا و محافظه‌کار و مرتجع در حکومت را رسمًا مورد حمایت قرارداد، به مقابله آئمکار با مدافعان اصلاحات اقتصادی اجتماعی برخاست و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را به پس گرفتن سرمایه‌ها و املاک خود فراخواند و با عقب‌نشینی و سازش آن عده از مستولان اصلی جمهوری اسلامی که از اهداف انقلاب دفاع میکردند و سیطره ارجاع بر کشور، تعرض همه جانبه به دستاوردهای انقلاب گسترش یافت.

سرکوب خونین و ناجوانمردانه حرب تode ایران بارزترین ظاهر تغییر سیاست و مستکبری حکومت جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

۹ - حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هنوز یکدست نیست و جریانهای وابسته به بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک، بزرگ مالکان و خرد بورژوازی در آن حضور دارند که در این میان نمایندگان بورژوازی بزرگ تجاری نقش و وزن عمدی را دارند.

در دستگاه حکومتی بویژه در رده‌های پایین آن هنوز نیروهایی وجود دارند که

مبارزه دو سازمان در استقرار صلح و علیه اختناق و ارتقای حاکم بر گشور، امکان همکاری دو سازمان را فراهم آورده است.

۶ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مبارزات حزب دمکرات کردستان در راه تامین خودمختاری برای مردم کردستان پشتیبانی می کند. گسترش مناسبات و همکاریها بین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان بسیم خواستهای دموکراتیک خلق کرد و تمام مردم ایزان است.

۷ - مسلمانان مبارزی که با شعار آزادی و با ایده‌الهای استقلال طلبانه وعدالت پژوهانه در انقلاب شرکت داشتند و به آرمانهای خود وفادارند، اکنون در معرض دشمنی ارتقای قرار دارند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مبارزه و مقاومت مسلمانان مبارز در برابر ارتقای حاکم دفاع می کند و آنان را به مبارزه مشتمل ش اشتراك مساعی با دیگر نیروهای ترقیخواه علیه سیاست رهبران جمهوری اسلامی و در راه تحقق شعار استقلال و آزادی، عدالت اجتماعی فرامیخواند.



قطعه‌نامه درباره خط‌مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان طراح نوین طبقه‌کار گر ایران، تحقق شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را هدف عاجل خود قرار داده و در این راه پیکار می‌کند.

سيطره ارتقای برگشور به مانع عمله در راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده است شرط دستیابی به این آمادجه و جهت اصلی مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پایان دادن به حاکمیت ارتقای است.

۲ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و خد امپریالیستی در جبهه متحد خلق برای تشکیل یک دولت ائتلافی جهت تحقق آمادجه های دموکراتیک و ملی مبارزه می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برنامه پیشنهادی خود را بعنوان برنامه این جبهه ارائه میدهد و در عین حال برای تدوین برنامه مشترک که مورد قبول همه نیروهای جبهه قرار گیرد آماده مذاکره است.

۳ - افزایش نقش و سهم طبقه کارگر در جبهه متحد خلق و در راه تحول بینایین جامعه در گرو حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردانهای پیشامنگ طبقه کارگر و گسترش پیوند سیاسی و سازمانی آنها با طبقه کارگر است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه گسترش هرچه وسیعتر همکاریهای برادرانه با حزب توده ایران، حزب طراح نوین طبقه کارگر ایران و حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی میان دو سازمان و گسترش آن به سطح وحدتی همه جانبه کام بر میدارد.

۴ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منشعبین از سازمان و گروههای چپ مشابه را به همکاری و اتحاد با نیروهای انقلابی، دموکراتیک و خد امپریالیستی کشور علیه امپریالیزم، علیه ارتقای حاکم و در راه صلح، استقلال آزادی و عدالت اجتماعی و بسوی همبستگی با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و مبارزه علیه انشعاب طلبی فرامیخواند.

۵ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان مجاهدین خلق ایران را به همکاری و اشتراك مساعی برای پیشبرد مبارزات خلق ایران در راه صلح، علیه امپریالیزم، در راه دمکراسی و بخاطر تامین عدالت اجتماعی فرامیخواند.

بيان مدافعان صلح برای قطع جنگ و برقراری صلح مبارزه می‌گند.
۳ - حکام جمهوری اسلامی همچنان به سرکوب خوین نیروهای متفرقی کشور و
پیمان کردن همه حقوق و آزادیهای دموکراتیک، فردی و اجتماعی مردم، به شکنجه و
کشتار بی‌سابقه و گروهی زندانیان سیاسی ایران و جوانان آزاده کشور و به تجاوز
کستانه به حریم زندگی خصوصی مردم ادامه میدهند.

رژیم با دست زدن به این جنایات خشم و نفرت مردم ایران و همه بشریت متفرقی
را برانگیخته است وسعت این تبهکاریها جبهه وسیعی را علیه آن بسیج کرده است.
سازاره علیه ترور و اختناقی که بر مردم ما تحمیل میشود، در کشور و در دنیا در حال
کشتش است. استقرار دموکراسی در کشور، هدف مشترک و مقدم مبارزه همه نیروهای
ملی و دموکراتیک ایران است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افتشای جنایات رژیم
علیه آزادی و دموکراسی و بسیج همگانی علیه آن و مبارزه در راه استقرار دموکراسی
در کشور را وظیفه مبرم خود اعلام میکند و دیگر نیروهای خلق را به مبارزه مشترک در
ابن راه فرا می‌خواند.

۴ - جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خودمختاری برای کردستان مبارزه می‌گند.
جزء تفکیک ناپذیر جنبش ملی - دمکراتیک مردم ایران است. علی رغم لشکرکشی نظامی
مکرر به کردستان، علی رغم بمباران وحشیانه وقتل عامهای بیرحمانه مردم بیکناه، رژیم
از درهم شکستن جنبش ملی خلق کرد عاجز مانده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لشکرکشی به کردستان سرکوب وحشیانه.
مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم میکند و مردم سراسر ایران را به مبارزه
علیه جنایات هیات حاکمه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواستهای بر حق خلق
کرد فرامیخواهد. سازمان پیکر انده از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب
خودمختاری پشتیبانی میکند.

۵ - هیات حاکمه جمهوری اسلامی برای غلبه بر مشکلات خود، راه نزدیکی به
امپریالیسم را به کشور تحمیل می‌کند، راهی که استقلال کشور را در معرض جدی‌ترین
خطرات قرار داده است. تکیه بر قراردادهای تابرابر با انحرافات امپریالیستی و باز
کردن دروازه‌های کشور بروی آنان، دامن زدن به کارزار ننگین شوروی ستیزی
و کمونیزم ستیزی، هم پیمانی با رژیم‌های آمریکایی ترکیه و پاکستان، مشارکت در جنگ
اعلام نشده امپریالیسم و ارتقای علیه افغانستان انقلابی از عناصر راهی است که ارتقای
حاکم در پیش گرفته است. امپریالیسم آمریکا خواهان ادامه این راه است و تلاش میکند
رمهیان جمهوری اسلامی را به تسليم هرچه بیشتر و ادار سارد، افتشای سیاستهای استقلال
شکننه هیات حاکمه، افتشای ماهیت ارتقای جریانات وابسته به امپریالیسم، سلطنت
طلبان و دیگر نیروهای ارتقای غیر حاکم و تقویت پیکر جبهه مبارزه ضد امپریالیستی
و استقلال طلبانه و جلب حداکثر نیروها بسوی آن رگن اساسی خط ممنی سازمان بوده و
خواهد بود.

«قطعنامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ای و وظایف ما»

۱ - ادامه جنگ، احیاء نظام سرمایه‌داری وابسته آزادی غارتکری لجام کسیخته
سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، بازسازی موضع اقتصادی و الزاماً سیاسی امپریالیسم،
سرکوب کینه توزانه همه احزاب و سازمانهای متفرقی و انقلابی، اعمال خشن‌ترین نوع
شخصیت و حقوق زنان در خانواده و جامعه، دشمنی با علم و ستیز با فرهنگ ملی ایران،
رئوس برنامه عمل و بیاست حکام ارتقای جمهوری اسلامی ایران است. کاریست این
سیاستها به تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق و به کشتش جنبش اعتراضی
و مطالباتی مردم منجر شده است. اکنون امکان ادامه حیات ارتقای حاکم بدون توسل
به سرکوب وسیع تر دشوار و دشوارتر میشود. افتشای پیکر و بیوقفه سیاست و برنامه
عمل هیات حاکمه جمهوری اسلامی ایران و بسیج هرچه وسیعتر توده‌های خلق علیه ارتقای
حاکم، وظیفه اصلی و مبرم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

۲ - امپریالیسم خواهان ادامه جنگ ایزان و عراق است تا موضع خود را در
منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و در کشورها مستحكم سارد. ادامه جنگ وسیله‌ای در
دست ارتقای حاکم برای سازش با امپریالیسم و تحکیم حاکمیت طبقات ارتقای علیه ارتقای
است.

برقراری صلح بین دو کشور همسایه ایران و عراق براساس اصول عدم تجاوز،
احترام به تمامیت ارضی دو کشور، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل مسالمت
آمیز اختلافات فيما بین ضربه محکمی به توطئه‌های امپریالیسم و ارتقای در کشور و در
منطقه است:

مردم ایران از ادامه این جنگ متنفرند. صلح مبرم‌ترین خواست مردم است. جنبش
عتراضی علیه جنگ هر روز پرداخته میشود و به فرآگیرترین و نیرومندترین جنبش
طالباتی مردم فراموشید.
صلح فرآگیرترین شعاری است که میتواند مبنای همکاری همه نیروهای انقلابی،
مکراتیک و صلح دوست ایران قرار گیرد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تمام
برو و با استفاده از تمام ابتكارات و امکانات، در راه بسیج مردم و در راه بسط همکاری

میشود. اشکال عمدۀ مبارزه کارگران عبارتند از اعتساب، کم کاری و انواع اعتراضات دسته جمعی، تشکلهای کارگری تغییر شکل می‌یابند و بر شرایط تازه منطبق میشوند. تشکلهای علنی، سندیکاهای شوراها، هیات‌های نمایندگی، تعاقنی‌های کارگری در گسترش مبارزه توده کارگران نقش اساسی دارند. هسته‌های مخفی فعالین کارگری در رهبری مبارزه کارگران نقش برجسته‌ای می‌یابند و هدایت پیماری از تشکلهای علنی، سندیکاهای شوراها و اتحادیه‌های تعاقنی را بر عهده می‌گیرند. ایجاد هسته‌های مخفی منتشرکل از فعالین جنبش کارگری در واحدهای تولیدی برای رهبری مبارزه توده‌ای کارگران هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. جنبش توده‌ای کارگری میدان اصلی فعالیت انقلابی سازمان است و سازماندهی و ارتقاء جنبش کارگری در صدر وظایف آن قرار دارد.

۱۰ - سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی هیات حاکمه به تشخیص و روشنگی اقتصاد کشاورزی و مهاجرت توده‌ای دهقانان منجر شده، توده دهقانان علیه این وضع به اشکال مختلف در سراسر کشور مبارزه میکند. سیاست هیئت حاکمه دایر بر دفاع از بزرگ مالکان با مقاومت و اعتراض دهقانان روبروست. رژیم بسیاری از دهقانان را بخارط مقاومت در برابر مالکان بزرگ به زندان افکنده است. مبارزه علیه بزرگ مالکی و بطور مشخص علیه بارگشت بزرگ مالکان به راستاها عده ترین وحدات‌ترین موضوع مبارزه دهقانان است. فعالین سازمان در این مبارزه توده‌ای شرکت میکنند و میکوشند مبارزه توده‌های دهقانی و آگاهی آنان را ارتقاء دهند. سازمان بر اهمیت شرکت در جنبش دهقانی و ضرورت افشای سیاست‌های ضد دهقانی هیات حاکمه تاکید جدی دارد.

۱۱ - مسئله زنان به یکی از حادترین مسائل اجتماعی کشور ما بدل شده است. تلاشهای فوق ارتجاعی رژیم برای لکدمال کردن شخصیت و تمام حقوق اساسی و مسلم‌زنان و ارتکاب جنایات هولناک و اعمال توهین آمیز علیه زنان، خشم و نفرت عمومی را برانگیخته است. جنبش زنان برای دفاع از حقوق پایمال شده زن علیه نابرابری اجتماعی و بیدادگری ارتجاع حاکم گسترش می‌یابد. زنان ایران رکن مهم و نقش آفرین جنبش دموکراتیک و انقلابی میهن‌اند فعالیت انقلابی با استقبال روزافزون وسیع توده زنان مواجه است. سازمان باید سازماندهی و ارتقاء جنبش توده‌ای زنان را مورد توجه جدی قرار دهد.

۱۲ - سیاست ضد دموکراتیک و بقایت ارتجاعی هیات حاکمه، بحران اجتماعی خادی را در جامعه ما دامن زده است. گسترش بیسابقه اعتیاد، فساد اخلاقی و جنایت و خشونت، رشد لجام گسیخته ارتشاء و اختلاس و سوء استفاده از قدرت، افزایش تعداد بی‌سوادان، فرهنگ ستیزی و هنر ستیزی جنون آمیز و رواج گسترده «فرهنگ» تزویر وریا و حرافات در جامعه، ترویج ناشایستگی‌ترین رفتارها با زنان، گسترش بیم و نگرانی نسبت به آینده و ایجاد اضطراب و احساس عدم امنیت فردی و اجتماعی، عده ترین مظاهر و بیامدهای سیاست مرتعجن حاکم برکشور ما در زمینه مسائل اجتماعی، خشم و اعتراض همه انتشار خلق، کارگران و دیگر زحمتکشان و توده روشنگران را برانگیخته

۷ - سیاست هیات حاکمه در جهت احیاء و تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته و آزادی غارتکری لجام گسیخته سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، به تشذیب نابرابری اجتماعی و خامت زندگی زحمتکشان منجر شده است. زحمتکشان ایران زیربار تورم را کارگری و بیکاری و بجهه کشی غارتکرای سرمایه‌داران و مالکان بزرگ که خانه خرابی و فقر روزافزون دچار نمود.

۸ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دفاع حکومت از کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را افشاء میکند و راه تأمین عدالت اجتماعی را به توده‌های خلق می‌نمایاند. سازمان میکوشد تمام زحمتکشان برای براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری و تأمین عدالت اجتماعی بسیج و متخد کردد.

۹ - در عصر ما انقلابی بودن بدون پیکار علیه اپریالیسم و سرمایه‌داری و بدون همبستگی با سوسیالیسم واقعاً موجود، بی معناست. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تجهیز طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با آموزش‌های سوسیالیسم علمی و جهان‌بینی طبقه کارگر و در راه تقویت و اشاعه انقلابی در جنبش ضد اپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران مبارزه میکند.

۱۰ - افشاء ماهیت و مقاصد تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی ترویج برتری راه حل‌های سوسیالیستی و دست‌آوردهای سوسیالیسم واقعاً موجود، اشاعه روحیه انترناسیونالیستی و میهن پرستانه در میان زحمتکشان و همبستگی با جنبش کمونیستی و کارگری جهانی برای تقویت و تعمیق گرایش انقلابی در صفوف خلق اهمیت اساسی دارد و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیکرانه در این راه پیکار میکند.

۱۱ - تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق با مقاومت و اعتراف می‌دارد. روبروست، حکومت او اعتماد و پشتیبانی اکثریت توده‌های وسیع خلق برخوردار نیست. توده‌ها به اشکال مختلف مخالفت خود را با ارتقاء حاکم نشان می‌دهند. ادامه حیات ارتجاع حاکم بدون توسل به سرکوب دشوار و دشوارتر می‌شود.

۱۲ - جنبش توده‌ای در وضعیت فعلی خصلت مطالباتی و اعتراضی دارد. عده ترین موضوع این مطالبات قطع جنگ و مهارگرانی و بیکاری است. کم کاری، اعتساب، مراجعته دسته جمعی به مقامات، ظاهرات در گیری‌های خود انگیخته، موضعی و محلی و مقاومت منفی اشکال عمومی مبارزه توده‌ای به شمار می‌روند. در روندهای جاری شکل عمومی این مبارزات قهرآمیز نیست. سازمان تلاش می‌کند مبارزات اعتراضی و مطالباتی توده‌ای گسترش یابد و توده‌های هزج وسیع تری را در برگیرد.

۱۳ - سازمان من کوشید این مبارزات رزفا گیرد و هرچه بیشتر سازمان یابد.

۱۴ - در وضعیت کنونی جنبش کارگری رشد یافته ترین بخش جنبش مطالباتی و اعتراضی خلق است. سرکوب خشن مبارزات حق طلبانه کارگران سیاست رسمی هیئت حاکمه است. جنبش مطالباتی و اعتراضی توده کارگران گسترش و عمق می‌یابد. خواستهای این جنبش عدالت اقتصادی است و در آمیخته با آگاهی سیاسی و طبقاتی دنبال

برنامه ما برای جبهه متحد خلق

- شرط ضرور برای تامین استقلال همه جانبه ملی. تامین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تامین عدالت اجتماعی در کشور، پایان دادن به جاگیریت ارتقای و تشکیل یک دولت ملی دموکراتیک است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی کشور در جبهه متحد خلق برای دستیابی باین هدف مبارزه میکند.
- سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این برنامه را بعنوان برنامه این جبهه پیشنهاد میکند و آمادگی خود را برای مذاکره با سایر نیروهای ملی و دموکراتیک ایران به منظور دستیابی به برنامه مشترکی که موردن توافق همه آنان قرار گیرد. اعلام میکند: در زمینه تامین حاکمیت ملی و دموکراتیک
- ۱ - انحلال بلا درنگ کلیه ارکانهای سرکوب و سازمانها و نهادهای نافرمانی حقوق دموکراتیک مردم و حاکمیت خلق.
 - ۲ - لغو کلیه قوانین و احکام ارتقای نافرمانی حاکمیت خلق در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اقدام برای تدوین و تصویب قوانین دموکراتیک و مترقبی.
 - ۳ - استقرار نظام شورائی جهت اداره امور کشور از طریق تشکیل شوراهای مردمی در ده، بخش و در محله، شهر، شهرستان و استان بوسیله انتخابات آزاده منظور اداره امور محلی، با حق کنترل و نظارت بر ارکانهای دولتی.
 - ۴ - برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین نمایندگان مردم ایران برای مجلس بمنابع عالیترین ارگان قدرت دوکشور و یکانه نهاد ذیصلاح در تصویب و تفسیر و تنقیح کلیه قوانین کشور و در انتخاب هیات دولت و رئیس جمهور و اعمال نظارت بر کار آنها.
 - ۵ - تامین شرایط برای انتخابات آزاد برای عمومی، مساوی، مستقیم و مخفی با رعایت و تضمین حقوق تام و بدون تبعیض در هر انتخابات.
 - ۶ - اعلام و تضمین استقلال کامل قوه قضائیه و تامین شرایط برای انتخاب قضاة و هیاتهای منصفه از طریق انتخابات عمومی و دموکراتیک.
- در زمینه حقوق و آزادیهای دموکراتیک

است. فعالیت توده‌ای و انقلابی در این میدان از اهمیت جدی و امکانات بسیار برخوردار است و باید مورد توجه جدی فعالین سازمان قرار گیرد.

۱۳ - فعالیت انقلابی در صفوف نیروهای مسلح ارتتش و سپاه اهمیت بیشتر و کسب میکند. ارتقای حاکم از نفوذ افکار میهن پرستانه، مردمی و انقلابی در صفوف نیروهای مسلح، بینناک است و تلاش میکند افکار ارتقای و ضد انقلابی و روح جدایی از مردم را در میان ارتش و سپاه اشاعه دهد و آنان را به ابزارهای سرکوب مردم رحمتکش بدل کند. باید به شکل ممکن تلاشهای هیات حاکم برای جلوگیری از اشاعه افکار انقلابی و مردمی در ارتش و سپاه و جلوگیری از فعالیت پرسنل متفرق نظامی و انتظامی و توطئه سرکوب آنان را افشاء و خنثی کرد. باید برای جلب توده‌های هرچه وسیع‌تری از پرسنل نیروهای مسلح به سوی مبارزه انقلابی تمام تدبیر لازم را بکار گرفت.

۱۴ - حکومت در میان جوانان پایگاه خود را از دست میدهد. بیکاری و عدم اطمینان به آینده و نیز تلاش حکومت برای قربانی کردن جوانان در تنور جنگ اعتراضی علیه وضع موجود و علیه ارتقای حاکم را در میان جوانان دامن میزند. توده جوانان بویژه دانشآموزان و دانشجویان علیه علم سیزی و ارتقای گری حکومت و برای برخورداری از حق آموزش و امکانات پرورشی مبارزه میکنند.

کار توده‌ای در میان جوانان و فراخوان آنان به سنگر سازمان باید بازهم بیشتر بسط یابد. سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) باید برای رهبری این مبارزات بیش از پیش فعال گردد.



- ۶ - همبستگی با جنبش‌های انقلابی، رهائی‌بخش و مترقبی، اتخاذ سیاست تقویت جنبش غیر متعبدها، جبیه بایداری و جنبش رهائی‌بخش خلق فلسطین.
- در زمینه مسئله ملی
- ۱ - تضمین حق خودمختاری خلق‌های ساکن کشور در اداره امور خود.
 - ۲ - رسمیت زبان اقلیت‌های ملی در مناطق خودمختار در کنار زیان فارسی.
 - ۳ - لغو تقسیمات کشوری نفاق افکنانه، تنظیم تقسیمات کشوری براساس ملیت اهالی مناطق مختلف کشور.
 - ۴ - رفع هرگونه تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلق‌های آذربایجانی، کرد، بلوج، ترکمن، عرب، ارمنی و فارس و سایر اقلیت‌های ملی و اقلیت‌های مذهبی ساکن ایران، تلاش در راه از میان برداشتن عقب ماندگی‌های ناشی از ستم ملی.
- در زمینه اقتصادی
- ۱ - لغو کلیه قواردادهای نابرابر و زیان آور که به کشور تحمیل شده است، براندازی مواضع انحصارات و دول امپریالیستی در اقتصاد کشور، ملی گردن سرمایه‌های بزرگ وابسته، اجتناب از اتکاء به سرمایه خارجی در توسعه اقتصادی کشور.
 - ۲ - تعیین بخش دولتی و تعاونی بعنوان ارکان اصلی اقتصاد ملی ایران و کنترل و نظارت بر بخش خصوصی و تامین شرایط فعالیت آن بعنوان مکمل دو بخش نخست. تمرکز رشته‌های کلیدی اقتصاد در مالکیت و مدیریت دولت.
 - ۳ - دولتی گردن بازار کانی خارجی و پایان دادن به سیاست درهای باز، سپردن توزیع عمد کالاهای وارداتی و محصولات واحدهای بزرگ تولیدی و تمام کالاهای اساسی به مرآکز دولتی، حمایت و تقویت تعاونی‌های مصرفی، حمایت از کسب و کار و منافع شبکه خرده فروشی بخش خصوصی، قیمت گذاری کالاهای مبارزه با بورس بازی و واسطه‌گری و اختکار و گرانفروشی.
 - ۴ - اجرای پلادرنک اسلامات ارضی بنیادین از طریق واکذاری املاک فئودالها و زمینداران بزرگ و اوقف به دمقابان بی زمین و کم زمین و ایجاد و گسترش تعاونیهای تولیدی در بخش کشاورزی.
 - ۵ - کمک به افزایش بذرخواری کارگاه‌های کوچک تولیدی و خدماتی و حمایت از سرمایه‌داران کوچک و متوسط در برابر انحصارات پشتیبانی از فعالیت سودمند آنها در جهت تقویت تولید ملی.
 - ۶ - تأکید بر گسترش بنیادین صنعت کشور از طریق پی ریزی و گسترش منابع مادر و کلیدی، جلوگیری از بهره برداری نامعقول نفت، برنامه ریزی علمی برای تغییر منابع مونتاژ به صنعت مستقل.
 - ۷ - تجدید نظر در بودجه گذاری و سیاست مالیاتی برای تامین نیازهای رشد کشور و توزیع عادلانه درآمد ملی به سود طبقات زحمتکش و کاهش ستم ملی.

- ۱ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو پیگرد تمام مبارزان تحت تعقیب رژیم و برخورداری تمام آنان از حقوق کامل یک شهروند کشور. بازگردانید تمام کسانیکه در راه دفاع از انقلاب و در نتیجه سیاستهای ارتজاعی هیات حاکمه جمهوری اسلامی کار خود را از دست داده‌اند، به کار قبلی و جبران خسارات واردہ به همه آنان.
- ۲ - شناسائی و تامین حق آزادی کامل و بدون تبعیض برای مطبوعات، اجتماعات، ناظهرات و تشکیل سازمانها و احزاب ملی و مترقبی، سندیکاهای اتحادیه‌ها و دیگر سازمانهای صنفی، آزادی بیان، عقیده، دین قلم، آزادی کامل انتخاب شغل، محل سکونت، مسافرت، تابعیت، دفاع در محاکم، برخورداری از امنیت قضائی و مجازات متحاولین به این حقوق.
- ۳ - شناسائی و تامین حقوق برابر و بدون تبعیض انتخاب کردن و انتخاب شدن برای کلیه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، عقیده، سواد، ملیت و موقعیت اجتماعی آنان.
- ۴ - لغو هرگونه تبعیض درحقوق فردی و اجتماعی افراد براساس مذهب و رعایت اصل تفکیک دستگاه روحانیت از دستگاه دولت، احترام به عقاید و مقدسات مذهبی مردم و جلوگیری از ایجاد خصوصیت و تفرقه میان مردم تحت عنوان شیعه و سنی و مسلمان و از این قبیل.
- در زمینه سیاست خارجی و برای تحکیم حاکمیت ملی
- ۱ - دفاع از تماییت ارضی، کوشش در راه تحکیم استقلال سیاسی و تامین استقلال اقتصادی کشور.
 - ۲ - تصفیه کامل عمل امپریالیسم و ارتजاع از نیروهای نظامی و انتظامی کشور. تجهیز دستگاه فرماندهی نیروهای مسلح با افسران مونی به انقلاب و وفادار به خلق، شناسائی و تامین حق شرکت افراد نیروهای مسلح در زندگی سیاسی کشور، دموکراتیک کردن مناسبات در سازمانهای نیروهای مسلح.
 - ۳ - لغو قواردادهای نابرابر علمی یا سری که بوسیله امپریالیسم و رژیم‌های ارتजاعی به کشور ما تحمیل شده‌اند، جلوگیری از مداخلات و غارت امپریالیستی در کشور، علم و رود در هر نوع دسته بندی و پیمان نظامی تجاوز کارانه.
 - ۴ - اتخاذ سیاست خارجی و برقراری مناسبات با سایر کشورها بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، همکاری‌های برابر حقوق، گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای سوسیالیستی، ضد امپریالیستی و ترقیخواه شراسر جهان.
 - ۵ - دفاع از مسلح جهانی و امنیت خلق‌ها و مبارزه علیه جنگ افزوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و مبارزه در راه قطع مسابقد تسليحاتی و خلع سلاح عمومی، مبارزه در راه انعقاد قرارداد امنیت جمعی در خلیج فارس و اقیانوس هند، انعقاد قرارداد عدم تجاوز و حسن همچواری با تمام کشورهای همسایه.

موسسات آموزش عالی، حذف هرگونه خرافات و کلیه مطالب ضد علمی و ضد ملتی از کتب آموزشی.
- لغو فوری هرگونه تبعیض در حق تحصیل براساس عقیده، جنسیت و ملیت و دین.

- تامین آزادی و فعالیت نویسندها و هنرمندان و سازمانها و انجمنهای آنان، بیان راه پیگیری با همه آثار فرهنگ امپریالیستی و ارتقای اینها در جامعه، کوشش در جهت احیا و تقویت فرهنگ ملی ایران و همه‌خلقهای آن، تامین شرایط لازم برای شکوفایی هنر در جامعه، برنامه‌ریزی جهت ایجاد فرهنگستان ایران.

5 - بهداشت و درمان
تجدید نظر در توزیع امکانات بهداشتی و درمانی کشور به سود رحمتکشان، کوتاه کردن دست سرمایه‌داران از تجارت روی سلامت مردم، کسترش خدمات رایگان بهداشتی و درمانی، تضمین حق برخورداری از بیمه بمتابه حق همگانی.

* * *

چنین است رئوس کلی برنامه پیشنهادی ما برای جبهه متحده خلق، برنامه‌ای که اجرای بی خلاصه آن توسط دولت ملی دموکراتیک میتواند اساسی ترین خواستها و منافع مردم ایران را تامین نماید. این برنامه با منافع واقعی هیچیک از افشار و طبقات خلق مغایر ندارد و در راستای عالیترین خواست و منافع تاریخی آنان قرار دارد. بسود منافع تاریخی مردم ایران است که نیروهای ملی و دموکراتیک بر اختلافات درونی چیره شوند و برخواستها و اهداف مشترک تکیه کنند و دریک جبهه واحد، متحد گردند. از این رو سازمان فدائیان خلق ایران (اکبریت) به نوبه خود، با تمام امکانات در راه رسیلن به برنامه مشترک پیکار میکند و بار دیگر همه نیروهای خلق را به اتحاد و عمل مشترک در این راه فرا میخواند.



۸ - اتخاذ تدابیر خود برای دموکراتیزم گردن بخش دولتی و قراردادن آن در خدمت خلق مبارزه قاطع علیه هرگونه فساد در دستگاه دولتی.

در زمینه اجتماعی

۱ - حقوق کار

- تنظیم قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی برای این اصول دموکراتیک.

- تعیین حداقل دستمزد برای این محاسبه دقیق حداقل معیشت یک خانواده رحمتکش و قانونی کردن افزایش سالانه آن متناسب با افزایش هزینه زندگی، برداخت مزد مساوی در برابر کار مساوی.

- تضمین بی قید و شرط حق تشکیل آزادانه سازمانهای دموکراتیک و صنفی (سنديکا، شورا اتحادیه، تشکل‌های تعاونی) برای کلیه کارگران و رحمتکشان شهر و ده و برای کلید کارگران موسسات و ادارات دولتی و غیر دولتی.

- تامین حق مشارکت کارگران و رحمتکشان در برنامه ریزی و اداره تولید.

- شناسائی حق کار و تامین کار برای بیکاران.

- شناسائی قانونی ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه برای کارگران و کارمندان و تلاش در راه تامین آن.

- منوعیت کار کودکان و تعیین حداقل سن قانونی کار برابر با ۱۵ سال.

- تضمین بلا قید و شرط حق انتساب برای تمام کارگران و رحمتکشان.

۲ - حقوق زن

- اعلام و تضمین برابری کامل حقوق زن با مرد در جامعه و خانواده.

- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره کشور و تلاش در جهت تامین شرایط آن.

- تضمین حق زنان در تشکیل سازمانهای توده‌ای و مستقل و دفاع بیشکل از حقوق خود.

۳ - در زمینه مسکن

- اتکاء به بخش دولتی و تعاونی جهت تامین مسکن مناسب و ارزان برای کارگران و رحمتکشان شهر و ده.

- غیر قانونی کردن تجارت و بورس بازی روی زمینهای شهری و اختصار مسکن.

- اختصاص بین رایگان و سایر تسهیلات به تعاونی‌های مسکن کارگری و کارمندی.

- کاهش فوری اجاره بجهات مسکن و حمایت از حقوق و منافع مستاجران.

۴ - در زمینه فرهنگ

- اتخاذ تدابیر فوری برای ریشه کن کردن بیسواندی.

- همگانی کردن آموزش ابتدایی و راهنمایی در سراسر کشور. ذکر گونی‌بنیادی نظام آموزشی کشور از طریق شناسائی و اعلام حق تحصیل بمتابه حق مسلم افراد کشور و کوشش در جهت تامین آن از طریق رایگان کردن آموزش در کلیه مراحل آن. کسترش

دنبال میشود سیاستی است ارتقای که بسود امپریالیسم آمریکا تمام میشود. ادامه جنگ از طرف هیات حاکمه هم وسیله ایست برای فرونشاندن اعتراض شما و هم وسیله ایست برای سازش با آمریکا و ارتقای منطقه، با هدف تحکیم حاکمیت ارتقای بر کشور. هم میهنان مبارز ۱ متعدد شوید و با تمام نیرو و امکانات و با استفاده از تمام استکارات جلوی ادامه جنگ را بگیرید. از قربانی شدن جوانان در میدانهای جنگ جلوگیری کنید. برای پایان دادن به این جنگ بی فرجام و برقراری آتش بس و صلح. علیه ارتقای حاکم مبارزه کنید!

ارتقای حاکم برای پیشبرد سیاست و برنامه خود زیر پوشش مذهب استبدادخشن کم نظری را به کشور ما تحمیل کرده است. رژیم ارگانهای سرکوب و نهادهای جاسوسی خود را مدام کسترش میدهد و با آخرین تجارب دستگاههای جاسوسی غرب و ساوک سابق مجهر میکند. این ارگانها سالانه بخش عظیمی از بودجه کشور را مصرف میکنند تا مبارزات حق طلبانه شما را سرکوب کنند. آنها دهها هزار کارکر و دهقان، روشنگر و کارمند، پیر و جوان و زن و مرد را در زندانهای خود اسیر کرده‌اند. آنها زنان و مردان آزاده و مردم دوست را در شهرها و روستاهای کشور شکار میکنند و در سیاه چالهای خود به بند میکشند. جان دهها هزار فرزند اسیر شما در زندانهای جمهوری اسلامی در خطر است. شکنجه و اعدام به حربه عادی هیات حاکمه در رویاروئی با منافع خلق مبدل شده است. اما تاریخ بارها ثابت کرده است که حکومتها که به شکنجه و اعدام تکیه میکنند پابرجا نخواهند ماند. علیرغم اینهمه جنایت، رژیم نه تنها موفق نشد احزاب و سازمانهای انقلابی را نابود کند، بلکه هر روز که میگذرد با مقاومت فعالتر و موثرتر آنان که توانا ناشی از حمایت پیداریغ شمامست مواجه میگردند.

هم میهنان مبارز ۱ علیه ترور و اختناق حاکم بر کشور، علیه شکنجه و اعدام اعتراض کنید. پرده از جنایات ارتقای بردارید. از زندانیان سیاسی دفاع کنید و بفر شکل ممکن که میتوانید از مبارزان و آزادیخواهان و انقلابیون پاک باخته که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیکار میکنند حمایت کنید. ایمان داشته باشید که مبارزه و مقاومت متعدد شما آزادی و دموکراسی را به کشور ما باز میگرداند و طومار حاکمیت استبداد و ارتقای را درهم میپنجد.

هم میهنان عزیز!

آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی که زمانی از حمایت محرومان سحبت میگردند امروز جانب کلان تاجران بازار را گرفته و از تو دست سرمایه‌دارهای بزرگ را برهمستی شما باز کرده‌اند و از بزرگ مالکان حمایت میکنند. آنها اصول اقتصادی قانون اساسی خود جمهوری اسلامی را نیز بدبور افکنده. دولتی شلن تجارت خارجی را لغو کرده و قانون اصلاحات ارضی را با طل اعلام کرده‌اند. آنها کلان سرمایه‌داران را که انقلاب شما آنها را فراری داده بود دوباره به کشور دعوت کرده. کارخانه‌ها، املاک و اموال خلق را به آنها پس میدهند.

پیام پنجم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

هم میهنان عزیز!

از انقلاب با شکوه بهمن ۵۷ که با همت والا و حماسه آفرینی شما به پیروزی رسید. نزدیک به شش سال میگذرد، انقلاب طومار سلطنت و رژیم استبدادی شاه را در نوردید. به سلطه امپریالیسم آمریکا برکشور پایان داد و حکومت کلان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته را برانداخت و راه تحقق امیدهای بزرگ شما را باز کشود. شما که در تظاهرات چندین میلیونی خود با قلبای تپنده و مشتهای کره کرد، فریاد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را طین انداز کردید. میخواستید سلطه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا را درهم بشکنید. به دیکتاتوری و استبداد در هر شکل آن پایان دهید و سرنوشت خود و کشور را بدست گیرید. بی عدالتی و فقر را ریشه‌کن کنید و حقوق و منافع همه اقوام خلق را تامین نمایید. شما قیام کردید که دهقان صاحب زمین شود. شرایط کار و زندگی کارگران بفروغ یابد. بیکاری از بین برود و همکان صاحب خانه شوند و تعیض علیه زنان و ستم بر خلقهای غیر فارس خاتمه یابد. آری. شما با این آرمانها در انقلاب شرکت کردید. شما از هیچ فدایکاری و جانبازی در این راه دریغ نکردید.

اما برادر توطئه‌های امپریالیسم و خیانت رهبران جمهوری اسلامی، آماجهای اجتماعی و اقتصادی انقلاب تحقیق نیافت. رهبران جمهوری اسلامی که با تکیه بر اعتماد شما قادر به کف آوردن و پس از پیروزی انقلاب تا مدتی در راه مردم کام زدند. بالاخره به کلان کوتفتند. هیات حاکمه جمهوری اسلامی سیاستهای ارتقای را در همه جهات کسترش میدهد.

تشدید میکند. هیات حاکمه با ادامه جنگ خانمانسوز کشور را ویران میکند و منافع ای ما را به مخاطره می‌اندازد. سیاست ادامه جنگ که توسط رهبران جمهوری اسلامی

هم میهنان عزیز!

شماست و از مبارزه شما در راه گسب خود اختارتی با تمام نیرو دفاع میکند.
کارگران عزیز!

حیات جامعه بسته به کار شماست. شما ستون انقلابید. در مبارزه بخاطر صلح، استقلال آزادی و عدالت اجتماعی، نیرو و نقش اصلی از آن شماست. شما کارگران پیشوتوترین و نیرومندترین بخش جامعه و جنبش خلقید. شما هستید که به آرزوهای دیرین خلق جامد عمل میپوشانید.

کارگران مبارز ۱ علیه ارتیاع حاکم، علیه امپریالیسم در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی متحد شوید و راهنمای راهگشای اتحاد تمام مردم ایران گردید. به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان پیشانگ طبقه کارگر ایران و زمینه پیکر راه کارگران و زحمتکشان بپیوندید و مین خود را به راه صلح و استقلال، براء عدالت و آزادی واقعی هدایت کنید.

کارگران مبارز ۲ مبارزات مطالباتی و اعتراضی را گسترش دهید. در راه حفظ و ایجاد سازمانهای صنفی خود از هیچ کوششی فروگذار نکنید. این سازمانها را به سنگر مبارزه خود بدل سازید. قدرت شما در تشکل شماست. رژیم قادر نیست در برابر مبارزات متحد و متسلک شما بایستد و به خواست شما تن ندهد.

دهقانان ایران ۱ زمینهای که در جریان انقلاب مصادره گردید یا بدست آوردید، حفظ کنید. بزرگ مالکان را به روزتا راه ندهید. متحد و مشکل شوید و علیه رهبران حکومت و عوامل خد دهقانی آن مبارزه را گسترش دهید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تحقق آرزوهای شما مبارزه میکند. از مبارزه سازمان ما حمایت کنید و به آن بپیوندید.

زنان مبارز ایران ۱ هیات حاکمه حقوق شما را در جامعه و در خانواده لکدکوب میکند و میکوشد تا شخصیت شما را تحیر کند. زنان نیمی از مردمند. متحد شوید و علیه هیات حاکمه مبارزه خود را گسترش دهید. شما قطعاً قادرید با نیروی اتحاد و مبارزه خود ارتیاع حاکم را همچون رژیم شاه به زانو افکنید. در این راه سازمان ماتکید گاه مطمئن و سنگر استوار شماست.

پرسنل انقلابی و میهن دوست ایران ۱ سیاست هیات حاکمه، جلوگیری از اشاعه آکاهی انقلابی و فعالیت سیاسی در صوف نیروهای مسلح و جلوگیری از شرکت شما در تعین سرنوشت کشور است. این سیاست را افتاء کنید. دربرابر توظیه تصمیمه نیروهای ترقیخواه از نیروهای مسلح هوشیار باشید. این توظیه را خنثی کنید. در راه جلب هرچه وسیعتر پرسنل انقلابی به سوی مبارزه به طرق مقتصی تلاش کنید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از خواست و مبارزه حق طلبانه شما با تمام قوا دفاع میکند.

جوانان عزیز ۱ سران مرتعج رژیم به فکر آینده شما نیستند. آنها نه تنها راه تحصیل را بروی شما باز نمیکنند. بلکه بیکاری و سرگردانی را نیز به شما میکنند. آنها میخواهند بزرور شما را راهی جبهه‌های بی بازگشت جنگ سازند.

هم میهنان مبارزاً علیه این سیاست خد مردمی رژیم مبارزه گنید. اجازه ندهید حاکم کنند. علیه هدستی سران رژیم با بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته و علیه چپاولکری کلان تاجران، که نورچشم حکومت گشته‌اند، اعتراض کنید و بروزید. هم میهنان عزیز!

سران حکومت جمهوری اسلامی که تا دیروز «مرک بر آمریکا» را شعار خود گرده بودند و از استقلال طرفداری میکردند، امروز درهای همه بازارهای کشور را بروی امپریالیست‌ها باز کرده و سیاستی در پیش گرفته‌اند که بر خلاف مصالح ملی ماست. این سیاست وابستکی اقتصاد کشور به امپریالیستها را حفظ میکند و دهقانان و سرمایه‌داران کوچک و خرد پاراخانه خراب و ورشکست میکند. سران رژیم قراردادهای نابرابر و تحمیلی با انحصارات امپریالیستی غرب اضاء میکنند و برای خوشنام آنان بسون کوچکترین بهانه و دلیل اتحاد شوروی و کشورهای طرفدار استقلال و آزادی ایران را مورد تهمت و اقترا قرار میدهند. سران جمهوری اسلامی با رژیمهای ارتیاعی و فاشیستی ترکیه و پاکستان علیه خلقهای هرسه کشور هم پیمانی میکنند. آنها علیه مردم افغانستان با باندهای جنایتکار مردور آمریکا همکاری میکنند. آنها به دستجات رامن، قاجاقچی و آدم کش افغانی پول وسلحه و بایکاه میدهند که علیه مردم ایران و افغانستان دست به جنایت زنند.

هم میهنان مبارز ۱ علیه سیاست استقلال شکن و ایران برباد ده این مرتجمین بپا خیزید. نگذارید سران رژیم ایران را به راهی ببرند که یک بار دیگر میهن ما به زاندارم امپریالیسم آمریکا تبدیل شود و سربرید کان امپریالیسم بر مقدرات آن حاکم شوند. از استقلال و سربلندی خود دفاع کنید. نگذارید حکام جمهوری اسلامی به نام دین و اسلام و بخاطر سود کلان سرمایه‌داران با امپریالیستها علیه شما همدستی کنند. متحد شوید و علیه امپریالیسم جهانخوار و علیه ارتیاع حاکم با قدرت مبارزه کنید. هیچکس رایارای ایستادگی در بوابر نیروی متحد و مصمم شما نیست. پیروزی در این مبارزه از آن شماست.

هم میهنان عزیز ۱ ارتیاع حاکم هر روز در کردستان دست به جنایت تازه‌ای می‌زنند. مردم زجردیده کردستان جز جنگ و بیماران از این حکومت چیزی نمی‌بینند. پرشماست که علیه کشتار مردم کردستان و علیه ادامه این جنگ برادرکشی اعتراض کنید. از هم میهنان کرد خود حمایت کنید. فقر و تندگستی و جنگ و ویرانی زندگی را به هم میهنان کرد ما تیره و تار کرده است. اجازه ندهید این فاجعه‌ادامه‌یابد. مردم مبارز کردستان ۱ رژیم قادر نیست مبارزه و آرزوی برحق شما را درهم‌شکنند نواست شما برحق است و حق پیروز است. همدوش و همراه با مردم سراسر ایران به بارزات حق طلبانه خود ادامه دهید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پشتیبان

هم میهنان مبارز!

جو انان مبارز! علیه سیاستهای ارتقای اجتماعی رژیم اعتراض کنید. برای گسترش امکانات آموزشی و پرورشی و علیه بیکاری مبارزه کنید. نیرو و توان خود را در راه خدمت به خلق و به میهن خود بکار گیرید. فردا از آن شماست.

ارتقای جاکم بر کشور به راهی قدم گذاشتند و پیش میروند که شاه آمریکائی در پایان آن راه بست مردم بزیر کشیده شد. ما اعتقاد راسخ داریم ممانعه که نیروی مشکل و متحد شما رژیم فرتوت سلطنتی را به زباله‌دان تاریخ افکند. قادر است به حاکمیت ارتقای بزرگ شور پایان دهد و سرنوشت کشور را به یک دولت ملی دموکراتیک که در راه آماج‌های انقلاب گام برمیدارد بسپارد. اینان راسخ داریم که بار دیگر ابرهای تیره استبداد قرون وسطایی از آسمان ایران خواهد رفت و خورشید آزادی درخشش آغاز خواهد کرد و مبارزه متحد شما در راه ساختن ایرانی آزاد، دموکراتیک، مستقل و آباد پیروز خواهد شد. پیروزی از آن شماست.

باودان باد خاطره شهیدان بخون خفته خلق

برقرار باد اتحاد بزرگ نیروهای ملی دموکراتیک در جبهه متحد خلق
پیروز باد مبارزات حق طلبانه مردم ایران در راه صلح، استقلال،

آزادی و عدالت اجتماعی

پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهر ماه ۶۲

رفقا! گرامی!
پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما، به حزب پرافتخار شما، حزب طراز نوین طبقه کارکر ایران، حزب توده ایران که در یکی از دشوارترین دوره‌های حیات انقلابی خود، همچنان پرچم رزم کارکران و رحمتکشان میهن مان را افرادشته است، پروفوغ ترین درودهای انقلابی خود را تقدیم میدارد.

رفقا!
پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در شرایطی بروکار میگردد که مرتعان و خائنان به مردم و انقلاب، بقصد هموار کردن راه بهره کشی کلان سرمایه‌داران و بزرگمالکان و برپانگهداشتن بارگاه ستم خود، سازمانهای ما را آماج تهاجم و سرکوب قرار داده و بگمان از میان برداشتن دز مستحکم انقلاب و سنگر تسخیر ناندیز توده‌ها، حزب توده ایران - شمشیر خون چکان خود را بربیکر حزب شما فرود آورده‌اند.

در میدان نبرد خونین طبقات، همواره اولین تیر از ترکش دشمنان طبقه کارکر و توده‌ها بسوی حزب توده ایران شلیک شده و اینک نیز بربیکر ستراک حزب شما رخمنجور ارتقای نشسته است.

خیانتکاران و اپسکرانی که کمر بدزوال کامل دست آوردهای انقلاب بستند، میهن برستان توده‌ای را آماج دشنهای زهرآگین خود قرار دادند. اما حزب علیرغم توطئه‌های دشمنان، استوار برجای ماند. حزب توده ایران روئین تن است، چرا که از مردم است و با مردم. حزب توده ایران جاودانه است.

رمز جاودانگی حزب شما در آنست که در پیوند تاریخی خود با طبقه کارکر و توده‌های رحمتکش میهنمان، همواره در شرایط گوناگون حیات اجتماعی کشود، با الهام از اندیشه‌های ستراک مارکسیستی - لینینیستی، در پرتو جهان بینی علمی و با دریافتی عمیق و همه جانبه از مصالح و منافع کارکران، دهقانان و کلیه رحمتکشان و محرومان جامعه، درست‌ترین راه حل‌ها را پیش پای جنبش خلق و جنبش طبقه کارکر ایران گذاشته

(اکثریت) گستره تازه‌ای می‌باید. برپایی پلنوم مأ بار دیگر برشکست محروم دشمنان ما کواهی می‌لدهد. پیروزیهای بزرگ حزب و سازمان بیویژه در یکسان اخیر پیام آور این حقیقت است که ما در سنگر خارائین کمونیزم و انترناسیونالیزم پرولتاری، با کارگران و توده‌های دهها میلیونی رحمتکشان ایران پیوندی ناکستنی داریم.

رفقا ۱

حمایت قاطعنه احزاب کمونیستی و کارگری، سازمانهای انقلابی و ترقیخواه و مدها نهاد و سازمان بین المللی و دموکراتیک از حزب توده ایران نمودار شور انگیزی از حقایق و اعتبار حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. دفاع استوار همه احزاب برادر و در راس همه حزب کبیر لینین، از حزب توده ایران نشانه مقام والی آن در عرصه ملی و بین المللی است. حزب توده ایران در طول زندگی پر فرار و فروود خود اثبات کرده است که علیرغم دیسیدهای و تهمت‌های دشمنان مردم برای تحریف تاریخ کار تجلیل از نقش حزب توده ایران در پیشبرد انقلاب و انقلاب ایران آن همینقدر کافیست گفته شود که نام توده‌ای با هر کلام و اقدام مردمی آمیخته شد. در طول سالهای گذشته هرچا که نشانی از طلب کار و نان و آزادی بود دشمنان مردم به حضور یک توده‌ای در آنجاشک میکردند و هرچا که اثری از اقدام بنفع محرومان دیده میشدند، قدره بدنان خادم سرمایه و ستم جای پای توده‌ای را ردیابی مینمودند. در یک کلام هرچا که نامی از توده است، نشانی نیز از توده‌ایست. از همین روست که دشمنان سوکند خورده توده‌های ستمکش ایران اینگونه به حزب توده ایران کین میورزند.

رفقا ۱

در شرایط کنوتی میهن ما که خادمان ستم و سرمایه، بار دیگر سرنیزه را جان پناه خود قرار داده‌اند، تاراه بازگشت امپریالیزم به میهن بلازده ماراهموار و هموارتر گشته، بی تردید تلاش مشترک ما در اتخاذ یک سیاست درست، اصولی و خردمندانه، در راه تشکیل جبهه متحد خلق تصمیمی قطعی برای پیکار بی امانمان است. بدینه است یکباره‌گی صفو رزمنده کمونیست‌های ایران رکن اساسی وحدت‌جنیش خلق و شامن پیروزی رزم مردم میهن ماست. افزایش نقش و سهم طبقه کارگر در جبهه متحد خلق و در راه تحول بنیادین جامعه درگرو حفظ، تعکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی کردانهای پیشامنگ طبقه کارگر ایران است. اعتقاد عمیق و کوشش مشترک ما در تقویت و گسترش همکاریهای برادرانه، ثمرات چشمگیری در حفظ و تعکیم وحدت‌فکری و سیاسی میان ما و کسترش آن به سطح وحدتی همه جانب‌بندید آورده است. هیچ عامل و نیروئی قادر نیست و نخواهد بود مانع تحقق وحدت مقدس ما گردد. کارگران و رحمتکشان ایران ازورای عبار گذرای تهمت و افترا، بانگ یگانگی و پایداری توده‌ایها و فدائیان را میشنوند و در پیش‌آپش خود پرچم سرخ رهایی ملی و اجتماعی را می‌بینند. که در دستان بهم فشرده و توانای فدائیان و توده‌ایها در اهتزاز است.

دروع بر حزب توده ایران

برقرار باد وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مرگ بر امپریالیسم

شکوفان باد صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

است. هر توده‌ای رزمنده‌ای با تجهیز کامل به ایده‌های والای حزب خود همچون ستاره‌ای قلب تاریکی را شکافته است و چه بسیار از این ستاره‌کان فروزان که به دست نابالک پاسداران شب فروخته‌اند تا صبح را به محرومان بشارت دهند.

حزب انقلابی و مردمی شما بادر کنی روشن و علمی از صفات آرائی طبقات در جامعه، عملکرد آنان، قانونمندی حاکم بر طبقات متخاصل و ارزیابی درست از مناسبات و توانی نیروها در انقلاب شناختن و شناساندن دقیق نیروهای محركه انقلاب و خواستهای معین آنان، توانست مشی انقلابی خود را پی‌زیری کند و گذشت ۶ سال از کارزار حاد طبقاتی در میهن ما اصولیت خط مشی حزب را اثبات کرده است. تاریخ جنبش انقلابی میهن ما خدمات شایان حزب توده ایران را در گسترش، ارتقاء و ژرفش جنبش انقلابی و انقلاب ایران اشاعه آگاهی طبقاتی در میان کارگران و رحمتکشان جامعه ارجی شایسته میگذارد. برای آن همینقدر کافیست گفته شود که نام توده‌ای با هر کلام و اقدام مردمی آمیخته شد. در طول سالهای گذشته هرچا که نشانی از طلب کار و نان و آزادی بود دشمنان مردم به حضور یک توده‌ای در آنجاشک میکردند و هرچا که اثری از اقدام بنفع محرومان دیده میشدند، قدره بدنان خادم سرمایه و ستم جای پای توده‌ای را ردیابی مینمودند. در یک کلام هرچا که نامی از توده است، نشانی نیز از توده‌ایست. از همین روست که دشمنان سوکند خورده توده‌های ستمکش ایران اینگونه به حزب توده ایران کین میورزند.

رفقا ۱

ریشه در مردم داشتن است که منشاء اینهمه زایائی، پویائی و بالندگی است. بی جهت نیست که حزب توده ایران علیرغم جراحات سخت و دردآوری که ارتجاع برپیکرش نشاند، توانسته است در طول یکسال گذشته با توانی غرور آفرین راه کار و پیکار توده‌ای اش را دنبال کند. برگزاری موفقیت‌آمیز پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در سال گذشته، به گواه همه دستاوردهای آن پاسخی شایسته به دشمنان حزب و جنبش ما بوده است. بازسازی دستگاه رهبری و اقدامات موفقیت آمیز برای احیاء سازمانهای حزبی داخل و خارج کشور و تحلیل‌ها و رهنمودهای پلنوم هیجدهم نقش بزرگی در حفظ و تعکیم سفوف حزب در دشوارترین شرایط ایفاء کرده است. انتشار «نامه مردم» از گان مرکزی حزب توده ایران کام بزرگ دیگر بود که حزب در مقابله با صفت‌دشمنان کینه جو به پیش بوداشت.

سالی که گذشت تحلی استقامت، شکیباپی و درایت انقلابی رهبری حزب در غلبه بر دشواریها بود، ما فدائیان خلق به سهم خود این پایداری و درایت انقلابی را میستاییم و از آن میاموزیم.

رفقا ۱

پیروزی بزرگی که جنبش ما با برگزاری پلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران بدست آورد اینک با برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران

عملهای است که سمت اصلی پیکار ما را معین می‌کند. همه نیروهای سازمان باید از راه افشاء مرتجمین و خائنان به انقلاب. مردم را برای دستیابی به این آماج بسیج کنند. افشاء سیاست و ماهیت مرتجمین حاکم آن حربه کار ساز و نیرومندی است که می‌تواند به حاکمیت ارتجاع برکشور پایان دهد و راه اعمال حاکمیت دموکراتیک و ملی را بگشاید. خط مشی مصوب پلنوم چراغ راهنمای مبارزه فدائیان در همه عرصه‌ها است.

قطعنامه درباره «اوپرای سیاسی کنونی و وظایف ما» با ارائه تصویری جامع از روندهای جاری در حکومت و در کشور، و با بررسی جهات عمله جنبش. توجه‌ای در شرایط کنونی، وظایف تاکتیکی و امروزی کادرها، اعضاء و هواداران سازمان را در همه عرصه‌های نبرد به تفکیک مشخص می‌سازد. اتکا به ارزیابی‌ها و کاربست رهنمودهای این قطعنامه ما را یاری می‌کند تا در تشخیص روند جنبش توجه‌های و تاثیر گذاری بر آن و سمت دهن به مبارزه توجه‌ها نقش فرایندی ایفاء کنیم.

پلنوم ما در فضای یگانگی رفیقانه و حدتی عمیق پرتوان و تزلزل ناپذیر به انجام وظیفه پرداخت. پلنوم برتحکیم بازهم بیشتر وحدت صفووف سازمان تکیه و تاکید داشت. پلنوم برای امر وحدت جنبش کمونیستی ایران به مشابه شالوده اتحاد نیروهای خلق و نیز برای تقویت مانع همکاری و اتحاد نیروهای متفرق اهمیتی اساسی قایل شد.

بخش عمله قطعنامه درباره خط مشی به مساله وحدت و اتحاد اختصاص یافته است. امری که برای جنبش انقلابی ما هم استراتژی است هم تاکتیک. هم از این رو اراده راسخ سازمان را در حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی سازمان با حرب توده ایران و گسترش آن تا سطح وحدتی همه جانبه بار دیگر مورد تاکید قرارداد.

رفقا ۱

قدرت ما در وحدت ماست و شما در عمل روزمره خود پاسدار آگاه وحدت این دست آورده عظیم جنبش انقلاب مینهمنان هستید. شما خواست و آرزوی دشمنان وحدت پیشانگ طبقه کارگر ایران را به خاک سپرده اید.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بر ضرورت، اهمیت و فوریت همکاری و اتحاد عمل و اتحاد نیروهای خلق در یک جبهه متحد، به مشابه وثیقه مطمئن دستیابی به آماج‌های جنبش تاکید کرد و همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی را به اتحاد برآسان برنامه و آماج‌های مشترک فراخواند. اعضاء و هواداران سازمان باید این آماج‌های مقدس سازمان خود را با تمام توان پاسدارند و در تحقق کامل آنها بکوشند. از هر امکانی و از هر فرصتی و در همه‌جا، در خانه و کارخانه، در شهرها و در روستاهای برای همکاری با دیگر نیروهای ترقیخواه و علیه ارتجاع حاکم در مبارزه علیه امپریالیسم بکوشید. دست هر فدائی دستی است که دست دیگر نیروهای انقلابی و ترقیخواه را برای اتحاد رزمجویانه علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌نشارد.

پلنوم برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را برای جبهه متحد خلق تصویب کرده است. آماج عمله این برنامه پایان دادن بد حاکمیت ارتجاع و تشکیل یک دولت

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضاء و هواداران

رفقا عزیز، فدائیان خلق

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما کادرها، اعضاء و هواداران رزمته و جانباز، که در شرایط ترور و خفغان و تشدید مدام توپه‌های امپریالیسم و ارتجاع پرچم پرافتخار سازمان مان را فرار اه کارگران و رنجبران افراشته اید درود می‌فرستد.

پلنوم کمیته مرکزی ستایش و قدردانی عمیق خود را بپاس حماسه‌های پرشکوه مقاومت و مبارزه شما، و کوشش سترگ تان در حفظ و تحکیم صفووف سازمان طارازنونی طبقه کارگر ایران ابراز میدارد.

رفقا ۱

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همد وظایفی را که در دستور کار خود داشت. با پیروزی غرور آفرین و نیروپخشی بدانجام رساند. پلنوم برخی از عمله ترین مسایل شش سال اخیر را برآسان گزارش هیات سیاسی بررسی کرد، ماهیت حکومت و سمت تحولات آن و اوضاع سیاسی کشور را مورد بحث قرار داد، و براین پایه خط مشی سازمان را در همه سمتها مشخص کرد و وظایف سازمان را تعیین نمود.

سند شالوده‌ای پلنوم، یعنی «قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی» سنده است که دیگر تحلیلهای سیاسی ما و مشی سازمان را بی می‌افکند. کادرها، اعضاء و هواداران سازمان باید بقیت این قطعنامه را مطالعه کنند و مبنای شناخت روند شش ساله پس از انقلاب و شناخت عمیق و همه جانبه خط مشی سازمان و وظایف انقلابی خویش قرار دهند. این سند سازمان را در مبارزه علیه برداشت‌های غیر علمی از روند انقلاب بیش از پیش تجهیز می‌کند.

قطعنامه «درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)». که برایه تحلیلهای دقیق و همه جانبه پلنوم تصویب کشته است، سمت اصلی نبرد سازمان را روشن می‌سازد و مشخص می‌کند که «سيطره ارتجاع بر کشور به مانع عمله در راه تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده است». پایان دادن به حاکمیت ارتجاع آماج

هر چه کاملتر رهنمودهای زیر فرا می‌خواند:
- با آموزش همه جانبه و کاربست دقیق مصوبات و رهنمودهای بلنوم، وحدت

فکری و سیاسی سازمان را چون مردمک چشم پاسدارید و همواره ژرف و ژرفتر سازید.
- آگاه سازی و بسیج و سازماندهی توده‌ها در گرو پیشبرد موثر و گسترده

افشاگری و تبلیغ سیاسی در سطح جامعه است. نشریات سازمان را تکثیر کنید و از
رامهای گوناگون در سطح شهرها و روستاهای پخش کنید. تا میتوانید تراکتهای سازمان را
را در معرض دید توده‌ها قرار دهید. شعارهای سازمان و نام سازمان را بر دیوارهای شهرها
و روستاهای خانه‌ها و کارخانه‌ها. هر کجا که در معرض دید توده‌ها قرار دارد
بنویسید. شعارها و رهنمودهای سازمان را در جریان اعتصابها و تظاهرات و تحمسها و
دیگر حرکتهای توده‌ای طینی انداز سازید. کارگران و زحمتکشان باید در همه مبارزات
خود، فدائیان خلق راه‌راه و پیشایش خود بیابند. پیشنهاد طبقه کارگراید پیشنهاد
مسابقات جاری کارگران و همه رنجبران باشد.

- در راه شعارهای ما صلح و آزادی قرار دارد. جنگ افروزان و مستبدین حاکم
را افشاء کنید و مردم را به گسترش مبارزه در راه صلح و در راه تامین آزادیهای سیاسی
و آزادی زندانیان سیاسی برانگیزید. برپایه خواستهای مشخص توده‌ها و مبارزه جاری
آنها، توده‌ها را برای دفاع از استقلال کشور و برای مبارزه هرچه گسترده‌تر در راه
تامین عدالت اجتماعی بسیج کنید. صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، چنین است
شوار و پیجده که سازمان ما آماج تهاجم و توطئه‌های رنگارانگ ارتیاع و امپریالیسم
است تحسم کاملی از چیزی کی ما بر تلاشی‌ای اهیمنی دشمنان و ثمره پرشکوهی از
رنج و رزم همه فدائیان خلق و بیانگر عزم دشمن شکن ما در پیمودن راهمنان است.
- چنیش توده‌ای کارگری ایران اکنون رشد یافته‌ترین پخش جنبش توده‌ایست و
هر روز دامنه آن گسترده‌تر می‌شود. در چنین شرایطی و ظایف فعالین سازمان برای بردن
آکاهی اتفاقی، سوسیالیستی و دموکراتیک به میان کارگران و سازماندهی و هدایت
مبارزه آنان بسیار بیشتر و خطیرتر می‌شود. فعالین اتفاقی‌ای ما باید در راه ایجاد هسته‌های
مخفی در کارخانه‌ها و کارگاهها، به منظور هماهنگی و هدایت مبارزه جاری کارگران و
حرکت برای ایجاد سندیکاما و اتحادیه‌های کارگری نهایت کوشش خود را بکنند. در
تشکلهای موجود شرکت کنید و اسکانات آنها را در خدمت رشد مبارزه کارگری و ایجاد
کارگر و توده‌های محروم کشور خویش فهرمانانه دفاع می‌کنند.

سازمان ما در پلنوم مهر ماه ۶۳ به پیروزی سترک تازه‌ای دست یافت. اکنون باید

مثابه همیشه دست بلست هم، در صفحه فشرده و پولادین، برای گسترش این پیروزی نوین
به همه عرصه‌های مبارزه بکوشیم. کادرها، اعضاء و هواداران سازمان باید تحلیلهای پلنوم
را عیقاً درک کنند. رهنمودهای آن را بطور همه جانبه راهنمای رنچ و زحمتکشان را در
و با همه توان بکوشند تا برنامه و رهنمودهای مصوب پلنوم وسیعاً به میان طبقه کارگر

و توده‌ها برو دور راهنمای مبارزه آنان گردد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پیاسخکوبی به وظایف
خطیری که جنبش بر عهده ما گذاشته است، همه اعضاء و هواداران سازمان را به اجراء

در کشورهای امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا بادامن زدن به مسابقه تسلیحاتی لکام
گسیخته و استقرار موشکهای هسته‌ای پرشینگ و کروز در اروبا، جهان را به پرتابه جنگ
هسته‌ای سوق میدهد. در مقابل کشورهای سوسیالیستی و در راس همه اتحادشوری با
همه توان می‌کوشند تا توکلهای امپریالیسم به سرکردگی آمریکا را خنثی سازند و در
شرايط بس بفرنچ کنوی از خطر جنگ بکاهند و ملح را برای جهانیان تامین کنند.

مسئله اساسی جهان آگاه سازند، موضع جنگ افروزانه امپریالیستها و در راس همه
آمریکا را افشاء کنند، نقش سترک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را در
حفظ صلح و امنیت جهانی توضیح دهند و توده‌ها را به شرکت وسیع در مبارزه به خاطر
صلح ترغیب کنند.

و فقا!

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی چنین
دشوار و پیجده که سازمان ما آماج تهاجم و توطئه‌های رنگارانگ ارتیاع و امپریالیسم
است تحسم کاملی از چیزی کی ما بر تلاشی‌ای اهیمنی دشمنان و ثمره پرشکوهی از
رنج و رزم همه فدائیان خلق و بیانگر عزم دشمن شکن ما در پیمودن راهمنان است.

پلنوم کمیته مرکزی شما، با شرکت بخش اعظم اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی
و با حضور همه اعضاء هیأت سیاسی حاضر در پلنوم خردداد ۶۱ و در فضای شورانگیزی از
یگانگی فکری و سیاسی و پیوند عمیق رفیقانه، بنام طبقه کارگر و توده‌های رزمنده و
بنام شما فرزندان برومند خلق و میهن آغاز بکار کرد و با پیروزی کامل بکار خود بایان
داد، متسافانه در این پلنوم چند تن از اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی سازمان حضور
نداشتند. آنها در اسارتکامهای رژیم زیر فشار و شکنجه از آرمانهای خویش، از طبقه

کارگر و توده‌های محروم کشور خویش فهرمانانه دفاع می‌کنند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پیاسخکوبی به وظایف
خطیری که جنبش بر عهده ما گذاشته است، همه اعضاء و هواداران سازمان را به اجراء

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جهانیان در باره زندانیان سیاسی ایران

مردم آزاده جهان!

میهن ما ایران روزگار سخت و دشواری را میگذراند. حکومت جمهوری اسلامی، همه آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی را پایمال کرده و رذیم ترور و خفغان را به کشور ما تحیمل کرده است. مبارزات مردم میهن ما در راه صلح و آزادی و تامین حقوق خویش با سرکوب خونین و فراینده روپرورست. سازمانهای ترقیخواه ایران، که در راه آزادی و بهبودی مردم ایران پیکار میکنند، آماج پیکرد و سرکوب فاشیستی هستند. رژیم جمهوری اسلامی، بازیرپا گذاشتند همه حقوق اجتماعی و بشری مردم، مخالفین ترقیخواه خویش را پیشاپیش به مرگ محکوم کرده است.

دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما، به اتهام وفاداری به میهن و مردم خویش، به اتهام دفاع از حقوق انسانی و بشری و مبارزه در راه آرمانهای والای مردم، در زندانها و شکنجه‌گاهها بسر میبرند.

زندانیان سیاسی ایران از هرگونه حقوقی بی بهره‌اند و هیچ قانونی در حمایت از آنها پذیرفته نمیشود. زندانیان سیاسی ایران حتی آنسته از زندانیان که مدت‌ها پیش محاکمه و به زندان محکوم کشته‌اند، همواره آماج خطر مرگ قرار دادند. هر آینه ممکن است حتی در نتیجه انتقامجویی مامورین زندان در برابر جوخه اعدام قرار گیرند.

زندانیان سیاسی در بیداد کامهایی محاکمه میشوند که در آنها هیچ قانون و ضابطه‌ای جز «اذن حاکم شرع» یعنی همان افراد قسی القلب و بی فرهنگ و کین‌توزی که او سوی رژیم به سمت قاضی منسوب میشوند وجود ندارد. محاکمات مخفی است. متهمین حق گزینش و کیل و اسکان و فرست دفاع از خود را ندارند.

در زندانها و شکنجه‌گاهها، زندانیان را با وسایل و شیوه‌های قرون وسطائی شکنجه جسمی و روانی میکنند. زندانیان را تاحد مرگ تازیانه میزنند. آنها را از دست

آنها جانیازی کنید. کار سازمانکارانه و تبلیغ در میان کارگران، دهقانان کارمندان پیشه‌وران، دانشجویان و دانشآموزان، نیروهای مسلح و دیگر اقشار جامعه وظیفه بنیادین فدائیان خلق است:

– طرحها و تدبیر سازمانی، که بر اساس اصول فعالیت مخفی در شرایط سرکوب و خفغان به اجرا گذاشته می‌شود باید بدقت و بطور کامل اجرا گردد. در چنین شرایطی حفظ و کسترش ارتباط بارهبری سازمان در راس وظایف سازمانی رفقا قرار دارد.

رفقا یکی که ارتباطش با سازمان قطع شده است باید ادامه فعالیت خود را موکول به ارتباط مجدد با سازمان کنند. رفقا باید بیزرنگ در گروههای کوچک و مستقل مشکل شوند و با همه توان وظایف سازمانی خود را که در اسناد پلنوم مهر ماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان و در «کار» و دیگر نشریات کمیته مرکزی سازمان مشخص می‌شود بطور کامل اجراء کنند. هر یک از این گروهها وظیفه دارند بیزرنگ از طریق نشانی‌هایی که اعلام میگردد با رهبری سازمان ارتباط برقرار کنند و این ارتباط را با همه امکانات حفظ و تحکیم کنند. رفقا باید اصول برتری کیفیت بر کمیت، رازداری، انتظام سازمانی و تلفیق کار مخفی و علني را بدقت و بطور کامل رعایت کنند. در گزینش همزمان خویش خدا اکثر دقت را بکار بندید. برای خنثی کردن تلاش‌های دشمن جمیت رخنه در صفووف سازمان، کسانی را که انتخاب می‌کنند باید از چگونگی زندگی گذشته و فعالیت کنونی آنها شناخت لازم را بست آورید. از هرگونه تماس با گروههای دیگر مربوط به سازمان، و بطور اولی بایدگر جریانهای سیاسی خودداری کنند.

رفقا ۱

فرزندان گزینش کارگری و کمونیستی ایران!

هماره عزم‌تان استوار، رزم‌تان پرتوان، اندیشه‌تان پرپار و قلبتان پرشور و آتشین باد! هماره همین‌گونه و باز پرتوان تر پرچم رزم کارگران و رنجبران بدست شما آرش-های روزگار ما. بدست شما که جان در پیکان دشمن سور انقلاب می‌نفید، از خاکستر مرگ و اندوه گلزار شاد زندگی را فرا می‌رویاند و بر آوار کاخ ستم، کاخ سروری و دادگری رنجبران را بیا می‌کنند، افراشته و افراشته تر باد!

سرود سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می‌کوبد و پیش ایران را فرامی‌گیرد، چرا که ما بیدار زندگی از دیوارهای مرگ می‌گذریم و در زرفناز ظلمت بدن آفتاب می‌کاریم و بسوی پیروزی، بسوی آزادی و بهروزی، بسوی روز نور جشن نوروزی پیش می‌رویم.

بر افراشته باد پرچم پیروزمند رزم کارگران و رنجبران
برقرار باد صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی
سرفراز باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

و از پایه سقف شکنجه گاهها آویزان میکنند، استخوانهای آنان را میشکنند، روزهای متواتی به آنها بی خوابی میدهند، وسایل مدن رشکنجه روی آنها آزمایش میشود، زندانیان را به تماسای اعدام هم زنجیران خود میبرند و از آنان میخواهند که حکم را اجرا کنند.

عمال رژیم در زندانها میکوشند زندانیان را با شکنجه و ارعاب به تسلیم و ادارند و آنان را به اقرار به گناهانی و ادارند که هرگز مرتکب نشده‌اند. رژیم تلاش دارد زندانیان سیاسی را به مصاحبه‌های تلویزیونی و ادار سازد و شخمت و حیثیت و سوابق و خدمات آنان به مردم و میهن را بی اعتبار و لکه دار سازد.
مردم آزاده جهان!

اعتراض و مبارزه شما علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت و تقویت مبارزه مردم میهن ما و افساء سیمای مستبلین حاکم بر ایران بسیار موثر بوده است. مردم میهن ما، با سپاسگزاری از این حمایت بین المللی خواستار گسترش هرچه بیشتر اعتراض و مبارزه احزاب، سازمانها و نهادهای مترقبی بین المللی علیه رژیم ترور و خفقال و در راه آزادی زندانیان سیاسی ایرانند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت)، از شما مردم آزاده جهان از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و سازمانهای مترقبی از کمیسیون حقوق بشر، سازمان ملل متحده، سازمان عفو بین المللی دعوت میکند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما در راه تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی گسترش دهند.
گستردگی باد همیستگی بین المللی با مبارزات مردم ایران در راه تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی ایران

پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت)
مهر ماه ۶۳

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت)

رفقا عزیز!

به نام کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای رزنده و برادرانه همه اعضاؤ و هواداران حزب توده ایران را بسما رفقای گرامی - اعضاء کمیته مرکزی سازمان برادران فدائیان خلق ایران (اکتربیت) که برای تبادل نظر و تضمیم گری در باره چکونگی ادامه مبارزه سازمان دریکی از بحرانی‌ترین لحظات تاریخ میهن ما جمع آمده‌اید، تقدیم میداریم و برای جلسه شما آرزوی موفقیت میکنیم.

رفقا!

نزدیک دو سال از یورش آشکار و سرتاسری عمال امپریالیسم و ارتاجاع پریکی از استوارترین ذرهای دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و مردمی ایران بر حرب طبقه کارگر ایران حزب توده ایران میگذرد. این خیانت بزرگ به انقلاب از طرف حکام مرجع جمهوری اسلامی دامنه‌اش تنها بر حزب ما محدود نبوده و نیست. آتش این خیانت که هدفش خدمت به صاحبان و خادمان سرمایه است، دامن سازمان رزنده شما و دیگر نیروهای انقلابی و مترقبی کشور را فرا گرفته است. هزاران نفر از فرزندان حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربیت)، سازمان مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی و دموکرات بزرگ شکنجه و تعزیر کشیده یا به جوخدانهای اعدام سپرده شده‌اند تا بساط خیانت به انقلاب از حضور اغیار مراحم خالی باشد. بارها صاحبان و خادمان سرمایه و ارتاجاع دلخوش از شادی کودکانه پیروزی خائنانه و عهد شکنانه و لرزانشان را با گرنای تزویر و عوام فریبی اعلام و سخن از نابودی تمام و تمام شما و ما و دیگرانی کرده که انقلاب را یاری دادند و شانه‌های خود راستون استوار آن قرار دادند.

تاریخ مبارزات آزادیبخش، بویژه مبارزات پوینده‌گان راه طبقه کارگر - پیروان سوسیالیسم علمی - بر شادی این کج اندیشان تیره دل که با خون قربانیان بیگناه خود وضو میسازند و شکر بجا میاورند، باطنز و تمسخر می‌نگرد. برخلاف تصویر و رویای اخنوش

خاکستان به منافع مردم و وطن، اراده استوار سازمانهای ما که در کوره رنج و بیکار آبدیده‌اند سرخستی و استواری خود را در زیر ضربات سهمگین مشترک امپریالیسم و ارتیاع حفظ کردند. حزب توده ایران نه تنها منحل نشده بلکه ققوس وار از خاکستر آتشی که بر جانش افکنده‌اند برخاسته است و دوش بلوش یاران فدائی خود رزمایی نوینی را می‌یارید.

منور چند ماهی از ختم اعلام شده حزب توده ایران از طرف ریاکاران خادم‌سرمایه و دشمنان استقلال و آزادی میهن ما نگذشته بود که تشکیل پلنوم هجدهم حزب ما، انتزار نوین یترجم افرادهای حزب ما «نامه مردم» — ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر اقدامات سازمانی و مقاومت مردانه رزمندگان تودهای چه در زندانها و چه در خارج از زندانهای رژیم ارتیاعی جمهوری اسلامی، به روای خوش منحل کنندگان ذم معتبر مدافع رحمتکشان میهن ما پایان بخشدید. ناباوری تودهای رحمتکش میهن ما به اتهامات دروغین و اعترافات بزور شلاق تعزیر گرفته شده جلادان رژیم جمهوری اسلامی، سنتی و بی پایگی امیدهای امپریالیسم و ارتیاع را برای منزوی ساختن حزب ما بخوبی نشان داد.

همستگی و پشتیبانی عظیم جنبش کمونیستی و کارگری جهان و در درجه اول حزب کبیر لینین با حزب طبقه کارگر ایران در دشوارترین لحظات تاریخ بیکار حزب ما علی‌رغم تبلیغات و تحریکات مخالف امپریالیستی و ارتیاعی پیوند ناگستاخنی و استوار حزب توده ایران را با خاتواده عظیم کمونیستی جهان بطرز بارز نمایان ساخت. ما بار دیگر در این بازار آشته و مسموم کننده تبلیغات عوام فریبانه عمال امپریالیسم و ارتیاع و در زیر رگبار اتهامات سیا ساخته با اطمینان تمام اعلام میکنیم که هیچ عامل و نیروی نمیتواند ما را از جنبش کمونیستی و کارگری جهان این رزمندگان صلح، استقلال خلقتها، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در جهان جدا سازد.

رققا!

راز دوام و بقای سازمانهای ما در درجه اول ایدئولوژی مردمی، مترقی، علمی، مارکسیستی — لینینیستی آنهاست. از اینرو بیدایش و بقای آنان برای آن ضرورت و نیاز جدی جامعه ما بوجود سازمان رزمندگان انقلابی آگاه به قوانین رشد جامعه و معتقد و مصمم به انجام تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انقلابی مترقی نیاده است. سازمان های ما جمعی از توطئه‌گران و جویندگان نام و ثروت و مقام، مانند دیگر سازمانهای فعلی بورژوازی نبوده و نیستند که با بارانی برویند و با بادگرمی بخشکند، نه بادهای گرم، که طوفانها و سیلابهای بنیان کن رایارای خشکانند و ریشه کن ساختن این ساختهای اراده استوار رحمتکشان برای اینجاد تحولات انقلابی در میهن ما نبوده و نیست. بگذار کوردلان تاریخ که خود را چراغدار و تولیت حقیقت مطلق همه قرون و اعصار و هم‌ملل جهان میدانند، چند صباحی سربر بالین روای شرین جهانگشاوی منطق شلاق و شکنجه و تعزیر خود داشته باشند و جردنوبرونوها، ڈان گوس‌ها، ڈاندارکها را به آتش بکشند

و گالیله‌ها را به نفعی ذریافت علمی و چهان‌شمولشان و اذارند که این زویا از ارزش حقیقت والی ایده‌های حرکت هلموند و روبه تکامل تاریخ چیزی خواهد کاست. اینجا نه کوردلی است تنها، که عبودیت و بردگی بردرگاه سرمایه است، که کوردلی قرون وسطائی را بخدمت گرفته تا پویندگان بزرگراه تاریخ را از حرکت باز دارد. با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکابر ناقوس مرگ استعمار، ذور و ستم، استبداد و استعمار نواخته شده است. دیگر نه کشته‌های توپدار، نه مدرنترین سلاحهای هسته‌ای، نه فلسفه و ایدئولوژی بظاهر علمی، و عمیقاً فویکرانه کشورهای امپریالیستی، نه اوراد و اذکار و خرافات قرون وسطائی عوام فریبان و امانده‌را یاری متوقف ساختن تحول و گذار جهان‌شمول سرمایه‌داری به سوسیالیزم نیست.

رققا!

جنیش آزادیبخش ملی بخاطر استقلال میهن، آزادی و عدالت اجتماعی از اولین گامهای کارگران و رحمتکشان سوسیال دموکراسی ایران تا حرکات نیرومند و موثر کارگران و رحمتکشان و روشنفکران انقلابی تودهای و فدائی راه دشوار و پرشیب و فراری را پشتسر گذاشته است. این راه متناسب با نقشه‌ها و توطئه‌های سلطه جویانه و تجاوز کارانه امپریالیسم از طرفی و مدافعان ریاکار غارت سرمایه در درون از طرف دیگر باجه مشکلات عظیم و نبردهای جدی و خونین همراه بوده است. بعیان دریکار حال و آینده، ما برسهم عامل ریاو تزویر، جهل و خرافه، تعصب کور و چنالت قرون وسطائی از ارطاف خادمان سرمایه افزوده شده است. دشوارینهای موجود که بیش از همه سوءاستفاده از باور مذهبی مردم است، اعصابی قوی و سلط بر خود از رزمندگان انقلابی می‌طلبد. دشمنان عدالت واقعی اجتماعی در این باور، ظلسماً شکسته ناپنیزی می‌بینند که سلطه و استبداد آنها را برای همیشه پاسداری خواهد کرد. ما مارکسیستها همواره به معتقدات مذهبی تودهای مردم احترام قائل بوده و هستیم ولی یکی از مفهومین و اساسی‌ترین وظائف ما گرفتن نقاب از چهره مدافعان دروغین خیر و صلح دنیا و آخرت رحمتکشان است که در لیاس چنین مدافعه‌ای تداوم اسارت و استعمار را نامیمینیم. شما خوب میدانید که این کار به ظرافت و دقت فوق العاده‌ای نیازمند است. حکام جمهوری اسلامی باندازه کافی با اعمال خود به درین این نقاب کمک می‌کنند، ما نیز مردم را با تجربه خود آنها باید بیشتر با ماهیت واقعیت امور آشنا سازیم و نشان دهیم که پایه‌های واقعی ظلم و ستم و نا برابری در جامعه کجاست و ریشه نابسامانیها، فقر و بیماری و عقب ماندگی درچیست.

در این بیکار، نقش سازمان منسجم، یکدست آگاه و رزمنده طبقه کارگر نقشی تاریخی و تاریخ ساز است.

کوشش مشترک ما در تحریم و تقویت زمینه اجرای این نقش در درجه اول و مشخصاً تامین وحدت همه جانبیه و استوار سازمانهای ماست. پلنوم هجدهم حزب توده ایران تحکیم رشته‌های همکاری و تامین زمینه وحدت همه جانبیه را با سازمان برادر خواستار

شده است. در این راه گامهای مطمئن و استوار تائیون برداشته شده است. این پروسه با توجه درجه اول به محتوا و مضمون این وحدت که همکاری روزبروز، بسط یابنده در عمل بین سازمانهای ماست به پیش می‌رود.

رفقا!

ما خوشبختیم که رفقای فدائی ما باهمه دشواریهای موجود موفق به تشکیل پلنوم کمیته مرکزی خود شده‌اند. قدمی که بیشک در رزمندگی سازمان تاثیر مهم و بسزایی خواهد داشت.

تشکیل پلنوم شما بنویه خود مشت محکمی است بردهمان دشمنان انقلاب ایران که فکر می‌کنند با بستن سنگها و گشودن سکها، چشم و دست حقیقت را در میهن ماکور و قطع کرده و تا ابد خواهند توانست سیاه را بجای سفید، ظلم را بجای عدالت، استبداد را بجای آزادی، جهل و خرافه را بجای علم و دانش تحويل مردم رنجیده میهن ما یدهند. ما تشکیل پلنوم شما را ادامه گامهای مطمئن و استوار شما در این نبرد دشوار، انسانی و مردمی میدانیم و بار دیگر در پیکار بر حقتان برای شما و همه رفقاء فدائی آرزوی موققیت مینماییم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران